

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

پژوهش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

دوره چهاردهم، شماره ۲ (پیاپی ۵۴)، تابستان ۱۴۰۴

براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسید آقایی، سیدمسعود استاد حوزه علمیه قم	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد استاد سطوح عالی حوزه علمیه	حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	

مدیر مسئول:	حروف نگار:
سیدمسعود پورسید آقایی	ناصر احمدپور
سر دبیر:	صفحه آرا:
نصرت الله آیتی	علی جواد دهقان
مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:	طراح جلد:
اسلام پورخادمی	ابوالفضل بیگدلی نسب
مترجم چکیده های انگلیسی:	چاپخانه:
گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن	بوستان کتاب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۷۱ کد پستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷

مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲

شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۳۵۰۰۰۰ تومان

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavy@gmail.com - pajoheshhayemahdavi@yahoo.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



دوران ظهور امام زمان عجل الله فرجه، دوران حاکمیت حقیقی توحید، معنویت،
دین و عدل بر شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست.
مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

۷	نقش مهدویت در ایجاد انگیزه و جهت‌گیری جریان‌های ظلم‌ستیز در جبهه مقاومت..... عطیه موحدی محصل طوس، طاهره رحمانی دهنوی
۳۱	کار تشکیلاتی و تأثیر آن در تحقق ظهور..... روح‌اله پورعابدین، حانیه آمیزی
۵۵	راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی از منظر امامین انقلاب اسلامی..... الهام امامی‌فر
۶۹	عوامل انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت..... راضیه علی‌اکبری، خدیجه بلنج
۹۱	راهکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ظلم‌ستیزی از منظر اسلام..... علی نبی‌اللهی، سعید بخشی
۱۱۳	تبیین نقش و کارکرد محور مقاومت پیرامون مسئله فلسطین از نگاه مقام معظم رهبری (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳)..... سیدهادی زرقانی، فرزاد عابدی شجاع

فصل نامه «پژوهش‌های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی‌کردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به‌طور هم‌زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس‌کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یک‌صد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده‌های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی شوند و نویسنده محترم می تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلامانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می شود.





The Role of Mahdism in Motivating and Directing Anti- Oppression Movements within the Axis of Resistance

Atieh Movahedi Mohasel Toos¹
Dr. Tahereh Rahmani Dehnavi²

Abstract

Mahdism, as one of the essential pillars of religious teachings, plays a significant role in shaping and guiding anti-oppression movements within the resistance front. Rooted in the anticipation of the reappearance of Imam Mahdi (may Allah hasten his reappearance), these teachings hold a special position in the foundations and principles of resistance movements. This study adopts a descriptive-analytical approach, drawing from Islamic narrations (riwayat) on Mahdism to examine its role in Islamic resistance. Findings reveal that Mahdavi teachings—through emphasizing justice-seeking, opposition to oppression, positive and hopeful thinking, divine leadership, and unity against hegemonic powers—not only strengthen the spiritual foundation of resistance forces but also shape their clear objectives and strategic orientations. By offering a spiritual and strategic framework, Mahdavi thought acts as a key factor in enhancing resistance against oppression and provides a sustainable model for the Islamic Ummah.

Keywords: Mahdism, Anti-Oppression, Resistance Front, Justice-Seeking, Leadership

1. Level 2, Philosophy and Islamic Theology, Al-Zahra University Seminary(Corresponding Author)(atieh.mmt@gmail.com)
2. PhD in Philosophy and Islamic Theology, University of Qom(Rahmani512123@gmail.com)

نقش مهدویت در ایجاد انگیزه و جهت گیری جریان های ظلم ستیز در جبهه مقاومت

عطیه موحدی محصل طوس^۱
ظاهره رحمانی دهنوی^۲

چکیده

مهدویت به عنوان یکی از ارکان اساسی آموزه های دینی در شکل دهی و هدایت جریان های ظلم ستیز در جبهه مقاومت نقش مهمی ایفا می کند. این آموزه ها که بر مبنای انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له استوار است، از جایگاه ویژه ای در اصول و مبانی جریان های ظلم ستیز برخوردار بوده و تحلیل نقش آن ها در مقاومت اسلامی، به درک عمیق تر از این پدیده کمک می کند. در این پژوهش تلاش شده است تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع روایی در موضوع مهدویت به بررسی این نقش پرداخته شود. یافته ها نشان می دهند که آموزه های مهدویت از طریق تأکید بر عدالت خواهی، ظلم ستیزی، تفکر مثبت و امیدوارانه، رهبری الهی و همچنین اتحاد و مقاومت در برابر هژمونی، نه تنها به تقویت بنیه معنوی نیروهای مقاومت پرداخته اند؛ بلکه موجب شکل گیری اهداف روشن و جهت گیری مشخص در فعالیت های آنان شده اند. آموزه های مهدویت با فراهم کردن چارچوبی معنوی و راهبردی، به عنوان عاملی کلیدی در تقویت مقاومت در برابر ظلم و ایجاد الگویی پایدار برای امت اسلامی عمل کرده اند.

واژگان کلیدی:

مهدویت، ظلم ستیزی، جبهه مقاومت، عدالت خواهی، رهبری.

مقدمه

مقاومت در برابر ظلم و استکبار همواره یکی از موضوعات محوری در تاریخ جوامع بشری بوده است. این پدیده در عرصه های گوناگون همچون فقه، کلام، سیاست و اجتماع به طور

۱. سطح دو فلسفه و کلام اسلامی جامعة الزهراء عجل الله تعالی فرجه له (نویسنده مسئول) (atieh.mmt@gmail.com).

۲. دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم (Rahmani512123@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

مداوم مورد توجه قرار گرفته و به‌ویژه در دنیای معاصر، جبهه‌های مقاومت در برابر قدرت‌های استکباری همچنان نقش حیاتی ایفا می‌کنند.

در این جبهه‌ها نه تنها مبارزات نظامی بلکه پشتیبانی فکری و معنوی از آموزه‌های دینی نیز نقشی بی‌بدیل دارد. آموزه‌های مهدویت به عنوان یکی از بنیادهای فکری، در شکل‌گیری و هدایت این جبهه‌ها تأثیرگذار بوده و در آن، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به عنوان منجی بشریت و برپاکننده عدالت جهانی مطرح شده است. این آموزه‌ها به عنوان منبع الهام‌بخش برای جبهه‌های مقاومت باهدف نهایی مقابله با ظلم و فساد، نه تنها از بعد دینی، بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز اثرگذار است. مسئله اصلی این مقاله این است که چگونه آموزه‌های مهدویت می‌توانند به عنوان عاملی معنوی، نه تنها به تقویت روحیه مقاومت، بلکه به هدایت این جبهه‌ها در راستای تحقق اهداف عدالت‌خواهانه و جهانی کمک کنند؟

باتوجه به شرایط پیچیده جهانی و تهدیدات روزافزون علیه جوامع اسلامی جبهه‌های مقاومت در بسیاری از نقاط جهان، به‌ویژه در خاورمیانه، با چالش‌های عظیمی در مقابله با رژیم‌های سلطه‌گر روبه‌رو هستند. آموزه‌های مهدویت می‌توانند به عنوان یک مبنای معنوی و فکری، نقشی اساسی در شکل‌دهی انگیزه‌های مقاومتی ایفا کنند. این آموزه‌ها که ریشه در وعده‌های الهی و آرمان‌های عدالت‌خواهانه دارند، می‌توانند ملت‌ها را در جهت‌گیری صحیح در برابر ظلم و فساد هدایت نمایند و به تقویت اراده و همبستگی آن‌ها کمک کنند و عدم توجه به آموزه‌های مهدویت و نقش آن در جبهه‌های مقاومت ممکن است منجر به بحران‌های فکری، فرهنگی و استراتژیک در میان نیروهای مقاومت گردد و در جبهه‌های مقاومت با تفرقه، بی‌هدفی و ضعف در برابر فشارهای خارجی مواجه شوند.

موضوع مهدویت و نقش آن در جبهه‌های مقاومت در طول تاریخ همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته و تحقیقات متعددی در این زمینه انجام شده است. پژوهش‌های نگارشی مرتبط با این موضوع، علاوه بر تأکید بر ابعاد کلامی، به نقش آفرینی آموزه‌های مهدوی در بیداری اسلامی و جهاد در برابر ظلم پرداخته‌اند. از جمله آثار برجسته در این حوزه می‌توان به کتاب مهدویت و تمدن‌سازی اسلامی نوشته‌ی حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه اشاره کرد. این کتاب که توسط انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است، به تبیین ابعاد تمدنی مهدویت و تأثیر آن بر جریان‌های اجتماعی و سیاسی پرداخته است. نویسنده در این اثر به ارتباط میان باورهای

مهدوی و تحقق جامعه عدالت‌محور توجه ویژه داشته است. همچنین کتاب مهدویت و مقاومت نقش آموزه‌های آخرالزمانی در سیاست امروز نوشته‌ی سید محمدرضا حسینیان که در سال ۱۳۹۸ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده، یکی دیگر از منابع مهم در این زمینه است. این کتاب به بررسی نقش اعتقادات مهدوی در شکل‌گیری انگیزه‌های مبارزه با سلطه‌گری و تقویت اتحاد در جبهه‌های مقاومت پرداخته و با استفاده از شواهد تاریخی و معاصر، ارتباط آموزه‌های مهدوی با جریان‌های ظلم‌ستیز را تحلیل کرده است.

پژوهش حاضر علاوه بر بررسی نقش آموزه‌های مهدوی در تقویت انگیزه و جهت‌گیری جبهه‌های مقاومت، در مقایسه با پژوهش‌های پیشین بر تحلیل عوامل کلیدی مانند ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، ایجاد تفکر مثبت و امیدوارانه و نقش رهبری باایمان و اتحاد متمرکز است. این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تفاسیر قرآنی و روایات اسلامی در کنار تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی، این پژوهش را به یک مطالعه‌ی چندبعدی تبدیل کرده که نقش مهدویت در ایجاد همبستگی و تقویت جریان‌های ظلم‌ستیز را به صورت جامع بررسی می‌کند.

مهدویت

مهدویت از ریشه هدایت به معنای رشد و رستگاری است و همچنین اعتقاد به ظهور یک منجی الهی از نسل پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اشاره دارد که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. (طریحی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۴۷۵؛ زبیدی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ۳۳۲) این واژه به طور خاص به فردی اشاره دارد که تحت هدایت الهی قرار گرفته و برای تحقق اهداف بزرگ و اصلاحی گام برمی‌دارد.

شیعه معتقد است که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام، زنده است و در حال غیبت به سر می‌برد. این باور در میان برخی از اهل سنت نیز دیده می‌شود (شافعی، ۱۳۸۹: ۴۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۱۱۴؛ قرشی، ۱۳۹۷: ۲۴۹-۲۳۹؛ امینی، ۱۳۸۰: ۱۲۰-۱۱۸؛ طالقانی، ۱۳۷۵: ۲۴). براساس باور شیعه، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دوازدهمین امام معصوم است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۳؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱۶۵) و در زمان مناسب ظهور خواهد کرد تا وعده‌های الهی را تحقق بخشد. این آموزه جزئی اساسی از هویت دینی شیعه و نمادی از امید به آینده‌ای پر از عدل است.

در میان اهل سنت، گرچه تأکید بیشتری بر مفاهیم کلامی و تاریخی در ارتباط با مهدویت وجود دارد، اما با وجود اختلافات در جزئیات، به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در آینده اعتقاد دارند و بسیاری از علمای اهل سنت، از جمله بخاری و مسلم، به نقل احادیثی پرداخته‌اند که ظهور امام مهدی را پیش‌بینی می‌کنند. حتی وهابی‌ها با وجود اختلافات، این اعتقاد را به عنوان یک اصل قطعی اسلامی پذیرفته‌اند. این تفاوت‌ها نه تنها در متون دینی بلکه در تفسیرهای فلسفی و کلامی مربوط به مفهوم مهدویت نیز مشهود است. در شیعه، مهدویت بخشی از دایره تعالیم امامیه و اعتقاد به امامت است، در حالی که در اهل سنت، بیشتر به عنوان یک مصلح جهانی در آینده دیده می‌شود که نقش او به طور مستقیم با عدالت جهانی ارتباط دارد (صمدی، ۱۳۸۴: ۵).

در نهایت، تحلیل جامع و کامل مهدویت تنها از منظر شیعی ممکن است. از آن جا که این آموزه در تفکر شیعی نه تنها از جنبه‌های فلسفی و کلامی، بلکه از ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به طور کامل تحلیل و تبیین شده است، تفکر شیعی در این زمینه به عنوان یک دکترین جامع و متقن شناخته می‌شود. شیعه مهدویت را نه فقط به عنوان یک انتظار مذهبی، بلکه به عنوان یک الگو و مسیر عملی برای زندگی فردی و اجتماعی در نظر می‌گیرد که در آن هر جنبه‌ای از زندگی انسان‌ها تحت تأثیر آرمان‌های عدالت، حقیقت و مبارزه با ظلم قرار دارد.

مقاومت

مقاومت برگرفته از فعل ثلاثی مجرد قام بر وزن مفاعله است و معانی لغوی ایستادگی، پایداری و به پا خواستن را در بر می‌گیرد. همچنین می‌تواند به معنای ضدیت کردن یا مقابله کردن نیز باشد (آذرنوش، ۱۳۸۹: ۵۶۸). این واژه به نوعی نشان‌دهنده تعامل فعال و کنشگری در برابر یک مسئله یا شخص است. در گفتمان اسلامی مقاومت، علاوه بر جنبه‌های مبارزاتی، به ایستادگی در برابر ظلم و حفظ ارزش‌های اسلامی و انسانی تعریف می‌شود. این اصطلاح در تفکر اسلامی، با جهاد و تلاش برای برپایی عدالت و حفظ دین پیوند دارد.

مقاومت از منظر مقام معظم رهبری یک تفکر و تصمیم قلبی و یک مکتب است که نه تنها به عنوان یک ابزار سیاسی یا نظامی برای مقابله با دشمنان، بلکه به عنوان یک ارزش فرهنگی، دینی و اجتماعی معرفی شده است. در نگاه ایشان، مقاومت تنها واکنش به تهدیدات نیست، بلکه یک سبک زندگی است که باید در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی به کار گرفته شود

(خامنه‌ای، ۱۴۰۳) این دیدگاه بر مقابله فرهنگی و فکری با استعمار و سلطه‌گری تأکید دارد. مقاومت نه تنها یک واکنش منفعل، بلکه به عنوان اقدامی آگاهانه و هدفمند در برابر ظلم و فساد است. این مفاهیم در طول تاریخ در بسیاری از جنبش‌ها و قیام‌های اجتماعی و دینی، به ویژه در جهان اسلام، به عنوان موتور محرکه تغییرات بنیادین در نظر گرفته شده‌اند. مقام معظم رهبری نیز، مفهوم مقاومت را توسعه داده و به آن ابعاد تازه‌ای بخشیده‌اند. ایشان مقاومت را به عنوان راهبردی جامع برای مقابله با تهاجم فرهنگی، تحریم‌های اقتصادی، و جنگ نرم معرفی کرده‌اند. تأکید ایشان بر اقتصاد مقاومتی، جهاد تبیین، و حفظ روحیه انقلابی در نسل‌های جدید، نشان‌دهنده تکامل این مفهوم و تطبیق آن با چالش‌های معاصر است. این گفتمان، با محوریت مقاومت به ملت ایران، قدرت ایستادگی در برابر سختی‌ها و انگیزه‌ای برای پیشبرد اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی بخشیده و در سطح جهانی، الگویی برای مبارزات عدالت‌خواهانه و ضداستکباری ارائه کرده است. این مفهوم با تأکید بر مبارزه با ظلم و فساد، در ابتدا در سطوح ملی و منطقه‌ای تجلی می‌یابد، اما نهایتاً هدف آن فراتر از مرزها رفته و به تلاش برای شکل‌دهی به یک نظم جهانی جدید معطوف می‌شود. مقاومت در این قالب، دیگر صرفاً یک واکنش دفاعی نیست، بلکه حرکتی پیش‌رونده و استراتژیک است که با هدایت ارزش‌های دینی و الهی، در مسیر آزادی، عدالت، و ارتقای هویت‌های انسانی و فرهنگی قدم برمی‌دارد.

نقش مهدویت در ایجاد انگیزه و جهت‌گیری جریان‌های ظلم‌ستیز در جبهه مقاومت

رابطه میان مقاومت و مهدویت، مفهومی پیچیده و چندلایه است که در عمق باورهای شیعی ریشه دارد. این ارتباط نویدبخش آینده‌ای روشن و عادلانه است و در بطن خود، انگیزه‌ای قوی برای مبارزه با ظلم و کنشگری را به وجود می‌آورد. مفهوم مهدویت در حقیقت نقطه عطفی است که درک پویایی مقاومت در برابر جریان‌های سرکوبگر را ممکن می‌سازد. این باور، فراتر از یک ایده انتزاعی و صرفاً فلسفی، به عنوان یک چارچوب عملی و زنده عمل می‌کند و محرکی برای تغییرات اجتماعی و حرکت‌های اعتراضی است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان نماد امید برای رهایی از ظلم، در جوامع مختلف به ویژه در جنبش‌های مقاومت، بستر مهمی برای تحلیل و مقابله با ستم ایجاد کرده است. مهدویت و مقاومت، به عنوان اصولی بنیادین در تفکر شیعی، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق

جامعه‌ای عادلانه باشند، همان‌طور که قرآن کریم وعده داده است «روزی خواهد آمد که عدالت در سراسر زمین برقرار خواهد شد» (فتح: ۲۹؛ نور: ۵۵). این اندیشه، علاوه بر شکل‌دهی به یک نگرش ایدئالیستی و آرمانی، به پیروان خود یک رویکرد عملی و مقاومتی می‌دهد که آنان را به اصلاح جامعه و تلاش بی‌وقفه برای تحقق عدالت فرامی‌خواند. این دیدگاه، نه تنها چشم‌انداز یک آینده روشن و عادلانه را ترسیم می‌کند، بلکه به مؤمنان انگیزه می‌دهد تا در برابر ظلم و فساد بایستند و با تمام توان برای تحقق این آرمان‌ها در جهان کنونی تلاش کنند. مهدویت با پیوند مفاهیمی مانند انتظار، قیام و اصلاح، تأثیری عمیق بر تربیت اخلاقی و ایستادگی در برابر ظلم دارد (نجم، ۱۳۹۶: ۳۸). این اعتقاد که هم در سطح فردی و هم در ابعاد اجتماعی و سیاسی معنا پیدا می‌کند، در فرهنگ مقاومت نقش‌های کنشی و رفتاری متعددی ایفا می‌کند. انقلاب اسلامی ایران، نه تنها به عنوان یک حرکت سیاسی و اجتماعی، بلکه به عنوان تجلی آرمان‌های مهدوی، خود را به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ مبارزات علیه ظلم معرفی کرد.

انتظار فرج به معنای آماده‌سازی برای اقدام در برابر ظلم و تلاش مداوم برای گسترش عدالت است. این انتظار تنها یک آرزوی منفعلانه برای پایان یافتن ظلم نیست، بلکه به عنوان یک حرکت فعال و اقدام عملی در راستای تحقق اهداف الهی و برقراری عدالت در جامعه شناخته می‌شود. در واقع، این انتظار نه تنها به عنوان یک وضعیت ایستا و منفعل در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه یک حرکت پرنرژی و مقاومتی است که پیروان را به مبارزه با ظلم تشویق می‌کند و آنها را برای تغییر وضع موجود آماده می‌سازد.

عدالت خواهی

عدالت از ریشه «عدل» و به معنای توازن، مساوات و تقسیم برابر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۱ق: ۳۳۶). در معنای اصطلاحی به معنای قراردادن هر چیز در جایگاه خود است (نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۳۷). عدالت در کلام امام علی علیه السلام در نهج البلاغه جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان در عهدنامه مالک اشتر، عدالت را نه تنها ابزاری برای اداره جامعه، بلکه عاملی برای جلب محبت و آرامش دل‌های مردم معرفی می‌کند: «دل‌های مردم را با عدالت آباد کن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) این بیان نشان می‌دهد که عدالت، محور اصلی حکمرانی و راهبردی برای مدیریت جامعه است، به گونه‌ای که شکوفایی معنوی و مادی جامعه را تضمین می‌کند.

آموزه‌های مهدوی در کنار عدالت، همواره نقشی حیاتی در جهت‌دهی اجتماعی و سیاسی جهان اسلام داشته‌اند. این آموزه‌ها، چه در انقلاب‌های تاریخی و چه در جنبش‌های مقاومت، به‌عنوان محرکی قوی برای مبارزه با ظلم و فساد، الهام‌بخش جوامع اسلامی بوده‌اند. عدالت در اسلام مفهومی فراگیر و بنیادین است که در زندگی فردی و اجتماعی نقش اساسی ایفا می‌کند. در قرآن نیز به اجرای عدالت در تمام ابعاد تأکید شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى» (نحل: ۹۰). هم‌چنین در آیه‌ی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۲۵۸) که به‌طور ضمنی مردم را مسئول قیام برای عدالت معرفی می‌کند، تأکید بر این نکته است که مردم باید خود به‌دست خویش عدالت را در جامعه برقرار سازند. این مفهوم، رشد اجتماعی و فردی انسان‌ها را موردتوجه قرار می‌دهد، به‌طوری‌که آن‌ها به‌طور فعال و با عزم راسخ برای تحقق عدالت در درون خود و در سطح جامعه گام بردارند و عدالت را نه‌تنها در مقررات اجتماعی بلکه در قلب‌ها و رفتارهای خود تحکیم نمایند.

در روایات پیامبر اسلام ﷺ، عدالت خواهی به‌عنوان یک اصل بنیادین در فلسفه ظهور امام مهدی مطرح شده است: «المهدی من ولدی... یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۸۷) این آموزه‌ها به‌طور ضمنی نشان می‌دهند که عدالت و مهدویت دو عنصر جدانشدنی هستند که در تحقق عدالت جهانی نقش محوری ایفا می‌کنند. قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به‌عنوان یک تحول عظیم در تاریخ بشر، نه‌تنها برای استقرار یک حکومت اسلامی بلکه برای برپایی عدالت در سراسر جهان است. شهید مطهری این عدالت را به‌عنوان هدف نهایی حکومت جهانی امام‌زمان معرفی کرده و معتقد است که این عدالت فراتر از رفع بی‌عدالتی‌های مادی است و جامعه را به‌تعالی معنوی و ارزش‌های والای انسانی سوق می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۵-۳۵).

دکترین مهدویت، برای کسانی که به‌طورجدی در پی عدالت هستند، وعده پیروزی و موفقیت در این مسیر را می‌دهد. این وعده الهی همچنان در دل‌های عدالت‌خواهان شعله‌ور است و به‌عنوان راهنمایی برای دستیابی به یک آینده روشن و عدالت‌محور عمل می‌کند. برای این امر استناد به آیاتی از قرآن کریم خالی از لطف نخواهد بود. خداوند در آیه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» «همانا حزب خدا پیروزمند است» (مائده: ۵۶۶) و آیه «وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» «همانا سپاه ما پیروزند» (صافات: ۱۷۳) نوید پیروز قطعی را به مسلمانان می‌دهد. باور به مهدویت همواره الهام‌بخش جنبش‌های اجتماعی در عدالت و مقاومت در برابر

ظلم بوده است. این باور با ایجاد امید به تحقق عدالت نهایی و تقویت روحیه پایداری، زمینه‌ساز جنبش‌های متعددی در تاریخ اسلام شده است. شهید مطهری، به نمونه‌هایی از این جنبش‌ها اشاره کرده که تحت تأثیر آموزه‌های مهدوی شکل گرفته‌اند. این جنبش‌ها که اغلب در شرایط سرکوب و ناامیدی ظهور یافته‌اند، باتکیه بر وعده ظهور منجی، توانسته‌اند تغییرات عینی در جوامع خود ایجاد کنند. ایشان تأکید می‌کنند که ویژگی برجسته این حرکت‌ها عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم بوده است. یکی از نمونه‌های بارز این قیام‌ها، حرکت مختار ثقفی پس از واقعه کربلا است. مختار با شعار انتقام خون شهدای کربلا و حمایت از اهل بیت، مبارزات خود را آغاز کرد. او مفاهیم مهدوی را به عنوان پشتوانه فکری این قیام مطرح ساخت و با یادآوری وعده ظهور منجی، پیروانش را به ایستادگی و مقاومت دعوت کرد (مطهری، ۱۳۶۷: ۳۰-۲۵). این قیام نشان‌دهنده نقش مهدویت در برپایی حرکت‌های عدالت‌خواهانه و احیای امید اجتماعی در دوران خفقان است.

اعتقاد به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف چارچوبی فراهم می‌آورد که به تحقق جلوه‌ای از عدالت و اعتدال اصیل و فراگیر کمک می‌کند. این باور به مهدی موعود، همچون پوششی فراگیر است که تمام بشریت را در بر می‌گیرد و بر تلاش برای به هم پیچیدن دسیسه‌های ظالمانه، از جمله توطئه‌های صهیونیستی، تأکید می‌کند. در این مسیر، جبهه مقاومت بر آن است تا با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، جهانی عادلانه و آزاد از ستم را بسازد.

جبهه مقاومت نه تنها در پی درک کامل تعالیم اسلامی است، بلکه در تلاش برای تجسم عدالت نهایی و جامع است که وعده الهی به آن داده شده است. این وعده که همچنان از روشن‌ترین و اساسی‌ترین اصول مذهب اسلامی به شمار می‌رود، به عنوان هدفی بزرگ و آرمانی، در راه رسیدن به جهانی عادلانه و فارغ از ظلم، الهام‌بخش حرکت‌های مقاومت در سراسر جهان است. همچنان که در فرازی از دعای ندبه آمده است «این المعذ لقطع دابر الظلمه، این المنتظر لاقامة الامت و العوج، این المرتجی لأزالة الجور و العدوان» (مفاتیح‌الجنان، ۱۳۹۱: ۹۴۸) به این معنا که قلب بشریت برای منجی عدالت و نجات‌بخش می‌تپد تا ظلم و بی‌عدالتی را نابود کند؛ در طول تاریخ بشر، از دیرباز تا به امروز، ظلم و ستم همواره به صورت گسترده‌ای وجود داشته و هنوز هم در دنیای معاصر با شدت ادامه دارد.

یکی از آرزوهای اصلی سران جبهه مقاومت، فروپاشی ساختارهای ستمگرانه‌ای است که بر جوامع حاکم شده‌اند، تا جایگاه واقعی ستمگران باز پس گرفته شده و عدالت بر پایه‌ای استوار

و محکم بنیان‌گذاری شود. این آرمان، هدف نهایی جبهه مقاومت است؛ یعنی نابودی ریشه‌های استکبار در جوامع غصب شده و ایجاد بستری برای ظهور عدالت واقعی که در آن ظلم و فساد جایی نداشته باشد. این مقاومت به طور ملموس و آشکار گواهی قانع‌کننده‌ای از اصالت سیستم اعتقادی جبهه مقاومت است و تأثیرات آموزه‌های مهدوی به وضوح در افکار و رفتار آنان نمایان است. شیوه زندگی افراد این جبهه، بیانگر اعتقاد راسخ آنان به دکتترین مهدوی است که در برابر احساس ناامیدی ایستاده و هیچ‌گاه ظلم و بی‌عدالتی را به عنوان یک وضعیت پذیرفتنی نمی‌شناسد.

ظلم‌ستیزی

این واژه از ریشه «ظَلَمَ» مشتق شده و معنای اصلی آن، نقص، تجاوز از حد و بی‌عدالتی است و در اصطلاح به معنای قراردادن چیزی در غیر جایگاه ویژه آن است، خواه با کاستن از آن یا افزودن بر آن، یا تغییر زمان و مکان مناسب آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۶).

ظلم‌ستیزی در اسلام محدود به مبارزه با ظلم‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه اسلام بر مقابله با ظلم‌های دولتی، اجتماعی و ساختاری نیز تأکید دارد. ظلم‌های ساختاری به نابرابری‌هایی اطلاق می‌شود که در نهادهای اجتماعی و اقتصادی ریشه دارند. اسلام با تأکید بر آموزه‌های مهدویت، حمایت از مظلومان و مقابله با هرگونه ظلم را واجب می‌داند. در قرآن کریم آمده است «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (آل عمران: ۵۷) این آیه بیانگر محکومیت ظلم فردی و اجتماعی است. در جامعه‌ای که به اصول مهدویت به شدت پایبند است، هدف اصلی ریشه‌کن کردن تمام انواع ظلم و ستم و مبارزه بی‌امان علیه ستمکاران است. این تعهد به مبارزه با ظلم، نه تنها به عنوان یک آرمان دینی، بلکه به عنوان نیروی محرکه‌ای برای انقلاب‌های سیاسی و دینی در جوامع مختلف شناخته می‌شود. در این راستا، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک نقطه عطف در روایت تاریخی مقاومت علیه رژیم‌های استبدادی و استعماری مطرح می‌شود. این انقلاب که از آموزه‌های مهدوی الهام گرفته، نماد مبارزه با ظلم جهانی است و به عنوان یک مدل الهام‌بخش برای دیگر ملت‌ها در سراسر جهان، در پی تحقق عدالت و آزادی در برابر مستکبران و استعمارگران است.

آموزه‌های مهدویت یکی از اساسی‌ترین اعتقادات اسلامی است که ریشه در قرآن و سنت دارد. در آیات متعددی از قرآن کریم، وعده ظهور منجی‌ای داده شده که جهان را از ظلم و

فساد پاک می‌سازد یکی از این آیات، ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵) این آیه نشان دهنده سنت قطعی الهی در حمایت از مستضعفان و پایان دادن به ظلم است. از منظر اسلامی، مستضعفان کسانی هستند که تحت ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، اما با ایمان و استقامت، منتظر وعده الهی‌اند. خداوند در این آیه اراده کرده که آنان را نه تنها از وضعیت استضعاف رهایی بخشد، بلکه ایشان را به مقام پیشوایی و رهبری برساند و زمین را به دست آنان بسپارد.

انسان منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به خوبی آگاه است که یکی از موانع اساسی در مسیر رشد و تربیت افراد، وجود جامعه‌ای آکنده از ظلم و بی‌عدالتی است. او بر این باور است که محیطی سرشار از عدالت و معنویت، بهترین شرایط را برای حرکت به سوی کمال فراهم می‌کند. از این رو، همواره در آرزوی روزی است که قائم آل محمد با ظهور خود، وعده الهی را محقق سازد و زمین را از عدل و داد پر کند. چنین اعتقادی، اگر در زندگی فردی نهادینه شود، او را به سوی ظلم‌ستیزی و مقابله با ستمگران و زورگویان سوق می‌دهد و این مبارزه به یکی از اولویت‌های زندگی‌اش تبدیل خواهد شد (ملایی، ۱۳۹۵: ۸۸).

جبهه مقاومت، ظلم‌ستیزی را که ریشه در متون دینی و آموزه‌های مهدوی دارد، به عنوان اصولی اساسی پذیرفته و آن‌ها را در بطن بافت اجتماعی و تجربه جمعی انسان‌ها ادغام کرده است. با وجود چالش‌های فراوان و ظلم‌های طاقت‌فرسا و قدرتمند که به‌ویژه از سوی رژیم‌های استکباری و ظالم اعمال می‌شود، این جبهه در مبارزه بی‌امان علیه آنان برمی‌خیزد تا مفاهیم و آموزه‌های مهدویت را در جامعه بشری مستقر کند.

سران جبهه مقاومت، با آگاهی عمیق از اصول و ویژگی‌های حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و با باور قلبی به اصلاح‌طلبی و ظلم‌ستیزی آن حکومت، همواره تلاش می‌کنند تا نظام‌های حاکم در دوران خود را براساس معیارهای مهدویت حقیقی و الهی بسنجند. این رهبران، حکومتی را که به آرمان‌های مهدویت نزدیک‌تر باشد، تأیید کرده و از آن حمایت می‌کنند. در عین حال، هرگاه با حکومتی مواجه شوند که بر پایه ظلم و فساد بنا شده باشد و از اصول مهدویت فاصله گرفته باشد، چنین حکومتی را نزد مؤمنان منفور می‌دانند.

شیخ صبحی طفیلی، نخستین دبیرکل حزب الله، در بیانیه‌ای مهم و صریح، بر این نکته تأکید کرده است که حزب الله تنها یک گروه محلی نیست، بلکه بخشی از امت اسلامی است که رسالتی جهانی را دنبال می‌کند. او بر لزوم شکل‌گیری جبهه‌ای از مستضعفان در سراسر جهان

برای مبارزه با ظلم و ستم تأکید می‌کند و این رویکرد را براساس آموزه‌های مهدوی بنیان نهاده است. شیخ طفیلی معتقد است که حزب‌الله به عنوان بخشی از این جبهه جهانی، وظیفه دارد که نه تنها در مقابله با سلطه‌گران منطقه‌ای، بلکه در سطح جهانی با استکبار مبارزه کند (میرهادی، ۱۳۹۴). این دیدگاه بر اهمیت جهاد و مقاومت در برابر ظلم تأکید دارد و به طور خاص بر ارتباط این مبارزات با آموزه‌های مهدویت و عدالت جهانی که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد، تکیه می‌کند. براساس این آموزه‌ها، حزب‌الله به عنوان یک نیروی مقاومت، نه تنها در پی برقراری عدالت در لبنان و منطقه است، بلکه در سطح جهانی می‌خواهد عدالت و حقیقت را که در آموزه‌های مهدوی نهفته است، گسترش دهد.

در همین راستا، حزب‌الله لبنان به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی معاصر، با تکیه بر اصول مهدوی، اهداف خود را در مسیر مبارزه با ظلم، تحقق عدالت و آماده‌سازی برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تعریف کرده است. این رویکرد به ویژه در راستای تعالیم مهدویت که به تحقق جهانی عدالت و صلح تأکید دارد، قرار می‌گیرد و حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاومت پیشرو در برابر ظلم و فساد معرفی می‌کند. این جنبش با بهره‌گیری از آموزه‌های مهدوی، به ویژه در زمینه‌های جهاد و ظلم‌ستیزی، به طور مستمر در پی ایجاد تغییرات اجتماعی و سیاسی براساس اصول اسلامی است. از سوی دیگر، این رویکرد نه تنها موجب تقویت وحدت درون جنبشی و استحکام آرمان‌ها در میان اعضای حزب‌الله شده است، بلکه الهام‌بخش جنبش‌های مشابه در سطح جهانی نیز بوده است. این جنبش‌ها که از آموزه‌های مهدوی بهره می‌برند، در پی تحقق آرمان‌های مشترک همچون مقاومت در برابر استکبار و ظلم و برقراری عدالت جهانی هستند و از تجربه حزب‌الله به عنوان الگویی برای حرکت‌های مشابه استفاده می‌کنند.

مقاومت اسلامی در دهه‌های اخیر با بهره‌گیری از این اصول، توانسته است به یک جنبش جهانی تبدیل شود. آموزه‌های مهدوی نه تنها مقاومت را در برابر ظلم مشروعیت می‌بخشند، بلکه آن را به عنوان حرکتی مقدس و جهانی معرفی می‌کنند که فراتر از مرزهای مذهبی و ملی عمل می‌کند. این آرمان‌ها توانسته‌اند الهام‌بخش گروه‌های مختلفی در سراسر جهان شوند که هدف مشترکی در مبارزه با سلطه‌گری و استکبار دارند.

تفکر مثبت و امیدوارانه

تفکر مثبت و امیدوارانه به معنای برخورد با زندگی و چالش‌های آن با نگرش سازنده و

خوش بینانه است. این نوع تفکر به افراد کمک می‌کند تا با دیدگاه مثبتی به مشکلات نگاه کنند و به جای تمرکز بر دشواری‌ها، آن‌ها را فرصتی برای رشد و یادگیری ببینند. در این رویکرد، تأکید بر این است که حتی در برابر سختی‌ها، فرد می‌تواند به جنبه‌های مثبت زندگی توجه کند و عملکرد بهتری داشته باشد (سلیگمن، ۱۹۹۱: م: ۴۵). این نگرش نه تنها به تقویت روحیه فردی می‌انجامد بلکه می‌تواند به ارتقای کیفیت روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های مهم نیز کمک کند.

اعتقاد به مهدویت، فراتر از یک آموزه دینی صرف، منبعی برای انگیزش و تحول است که در ساحت‌های فردی و اجتماعی، تأثیری ژرف و ماندگار برجای می‌گذارد. این عقیده، همچون فانوسی در دل تاریکی، انسان‌ها را به سوی آینده‌ای روشن و آکنده از عدالت راهنمایی می‌کند و آنان را از بند یأس و ناامیدی آزاد می‌سازد. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های این اندیشه، باور به فروپاشی اجتناب‌ناپذیر ساختارهای ستمگر و استکباری است. این باور، انسان را به یقین می‌رساند که دگرگونی در نظم ظالمانه جهانی نه تنها یک آرزو، بلکه یک سرنوشت محتوم است. جامعه‌ای که بر این اصل بنیادین اتکا دارد، شجاعتی بی‌نظیر برای رویارویی با قدرت‌های استکباری و مقابله با ظلم در خود می‌پرورد. چنین جامعه‌ای با چنان امید و انگیزه‌ای در مسیر تحقق عدالت گام برمی‌دارد، گویی رسالتی تاریخی بر دوش دارد که نباید آن را زمین بگذارد. این ایمان، ملت‌ها را از رخوت و رکود به سوی حرکتی پرنرژژی و هوشمندانه سوق داده و آنان را به مبارزه‌ای هدفمند و با استراتژی رهنمون می‌شود. همان‌طور که نظر رهبر معظم انقلاب بر این است که: «امام زمان علیه السلام، امیدی است در قلب بشریت که تاریخ بشریت را به سمت صلاح و رستگاری سوق می‌دهد این امید، نه صرفاً یک باور ذهنی، بلکه نیرویی است که بازوان انسان‌ها را قدرتمند می‌سازد، دل‌ها را از نور ایمان سرشار می‌کند و جهت حرکت عدالت‌طلبانه را مشخص می‌نماید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱).

باور به مهدویت و تفکر مثبت و امیدوارانه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی و تقویت جنبش‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه ایفا کرده است. حرکت‌های معاصر مانند حزب‌الله لبنان و بسیاری از جنبش‌های اسلامی دیگر نمونه‌های برجسته‌ای از تأثیر این اعتقاد هستند که ملت‌ها را به مبارزه‌ای هدفمند و مؤثر علیه اشغالگری و استکبار فرامی‌خواند، از این منظر، مهدویت آرزوی آینده‌ای روشن است. در تاریخ اسلام، پیامبران و اولیا باهدف هدایت و ارشاد انسان‌ها، تلاش می‌کردند تا امید را در دل‌های مردم ایجاد کنند و انگیزه برای مبارزه با فساد و

ظلم را در آنان برانگیزند. پس از شهادت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و در زمانی که تبعیض‌ها و فسادهای اجتماعی گسترش یافته بود، امید به ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ نه تنها موجب تقویت ایمان و روحیه استقامت در میان شیعیان شد، بلکه به عنوان محرکی برای مبارزه با ظلم و فساد در جامعه عمل کرد (نجم، ۱۳۹۶: ۷۵). این امید به مهدی موعود، به ویژه در دوران‌های سخت، به شیعیان این امکان را داد که با عزم راسخ، در مسیر اصلاح جامعه گام بردارند و در برابر ظلم ایستادگی کنند.

جنبش‌های آزادی‌بخش مانند حزب‌الله لبنان، نقش امید به ظهور امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ و عدالت جهانی او را به وضوح در هویت خود دارد. این جنبش‌ها تنها به دنبال آزادی سرزمین خود از چنگ ظلم و فساد نیستند، بلکه در تلاش‌اند تا زمینه‌ساز تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ شوند. در حقیقت، ایمان به ظهور مهدی موعود و تحقق وعده‌های الهی، به عنوان نیروی محرک معنوی و اجتماعی، در تقویت روحیه ایمان و مقاومت اعضای حزب‌الله، نقشی اساسی ایفا کرده است. یکی از نشانه‌های بارز این اعتقاد، حک کردن آیه شریفه «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» بر پرچم حزب‌الله است که به وضوح نشان‌دهنده ایمان این جنبش به پیروزی نهایی اسلام و تحقق آینده‌ای موعود است. این عبارت، نمادی از قدرت و اراده راسخ در مسیر حق است و بیانگر این است که حزب‌الله براساس آموزه‌های مهدوی به حرکت خود ادامه می‌دهد. همچنین، حزب‌الله با اتکا به آیه شریفه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» گفتمان خود را بر پایه امید به نجات مستضعفان و تحقق عدالت جهانی شکل داده است (همان: ۱۰۲).

متصور شوید که گروهی در دل یک طوفان دریایی گرفتار شده‌اند، اگر این افراد بدانند که هیچ ساحلی در نزدیکی نیست، به سرعت امیدشان را از دست خواهند داد و هرگونه تلاشی برای نجات را بی‌فایده خواهند شمرد در چنین شرایطی، ممکن است تسلیم سرنوشت شوند یا حتی بر سر منابع محدود با یکدیگر نزاع کنند؛ اما اگر باور داشته باشند که ساحلی در نزدیکی است، حتی اگر فاصله آن نامعلوم باشد، امید به نجات آنان را به حرکت واداشته و تلاش‌هایشان را جهت رسیدن به آن ساحل تقویت خواهند کرد. در این حالت، اتحاد و همبستگی‌شان تجدید می‌شود و امید به نجات باعث می‌شود که دست از تلاش برندارند. اعتقاد به امام‌زمان عَجَلُ اللَّهِ إِلَيْهِ دقیقاً چنین نقشی در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها ایفا می‌کند. این باور به عنوان نقطه نظر نهایی به تحقق حکومت عدل الهی، انسان‌ها را به سوی آینده‌ای روشن و سرشار از

عدالت هدایت می‌کند. آنها را به مقاومت و مبارزه در برابر بی‌عدالتی و ظلم تشویق می‌کند، به ویژه زمانی که شرایط سخت و ناعادلانه حاکم است. در حقیقت، این امید، سلاحی است در برابر یأس و ناامیدی که دشمنان، به ویژه استعمارگران و مستکبران، سعی در ترویج آن دارند تا جوامع را از حرکت و تلاش برای تغییر بازدارند.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «نام امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ و یاد این بزرگوار دائماً به ما یادآوری می‌کند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶). در میان امواج سنگین ظلم و فساد که زندگی انسان‌ها را احاطه می‌کند، گاهی فشارهای طاقت‌فرسا موجب یأس و دلسردی می‌شود. اما اندیشه ظهور منجی و یاد امام‌زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ، همچون چراغی روشن در دل شب، همواره به انسان‌ها امید و انگیزه برای ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم می‌دهد. این امید به آینده‌ای روشن و پراز عدالت، از مهم‌ترین منابع انگیزه و انگیزش در جبهه‌های مقاومت و جنبش‌های آزادی‌خواهانه است.

اتحاد و مقاومت در برابر هژمونی

اتحاد به معنای پیوستن، همبستگی و هم‌سوئی است و در اصطلاح انسجام میان افراد یا گروه‌ها برای دستیابی به اهداف مشترک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۰). این مفهوم در تقویت وحدت امت اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. قرآن کریم بر این موضوع تأکید می‌کند: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) این آیه اهمیت اتحاد در استحکام جامعه اسلامی و پرهیز از تفرقه را نشان می‌دهد. تفرقه یکی از عوامل اصلی تضعیف جامعه اسلامی است و اتحاد، کلید موفقیت و ایستادگی در برابر چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود. مقاومت نیز همان‌طور که در قبل هم توضیح داده شد به معنای پایداری و مقابله با ظلم و تجاوز یا هرگونه تهدید علیه حقوق و آزادی‌های انسانی است. مقاومت و اتحاد رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، به گونه‌ای که اتحاد، نیروی لازم برای تداوم مقاومت را فراهم می‌کند و مقاومت نیز در برابر ظلم و فساد، انگیزه‌ای برای تقویت اتحاد میان افراد ایجاد می‌نماید.

تأثیر آموزه‌های مهدویت بر تحولات سیاسی و اجتماعی، به ویژه در زمینه مقاومت و اتحاد در برابر صهیونیسم، جلوه‌ای روشن و انکارناپذیر دارد. این آموزه‌ها، الهام‌بخش حرکت‌های مردمی بوده و به ملت‌های تحت ستم روحیه‌ای فراتر از مبارزات معمول می‌بخشد. مقاومت و اتحاد نه صرفاً یک واکنش دفاعی، بلکه کنشی هدفمند و استراتژیک است. مبارزات علیه رژیم

اشغالگر صهیونیستی، برخاسته از ضرورت‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی است، اما آموزه‌های مهدوی به آن معنایی فراتر می‌بخشند. این مقاومت، نه تنها جنایات و بی‌عدالتی‌های این رژیم را آشکار کرده، بلکه همبستگی بی‌سابقه‌ای میان ملت‌ها ایجاد کرده است. این اتحاد که حول محور مقاومت در برابر ظلم شکل می‌گیرد، به طور نظام‌مند، زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی را هدف قرار داده و شرایطی را فراهم می‌کند که فروپاشی آن، از یک رؤیا به واقعیتی نزدیک تبدیل شود. در حقیقت، آموزه‌های مهدویت نه فقط در تقویت انگیزه‌های مبارزاتی، بلکه در تعریف و هدایت مسیر مقاومت و همبستگی میان ملت‌ها با وجود تفاوت‌های ادیانی نقش اساسی ایفا می‌کنند. این آموزه‌ها، پیروان خود را به پایداری خستگی‌ناپذیر و تلاش مستمر فرامی‌خوانند، چرا که سرنوشت نهایی مقاومت، نابودی ظلم و برپایی عدالت است. در این مسیر، هر گام، نشانه‌ای از عزم مشترک ملت‌ها و طلیعه‌ای از تحقق وعده‌های الهی است.

انتفاضه فلسطین، یکی از مهم‌ترین نمادهای مقاومت مردمی، نمونه‌ای بارز از این ارتباط است. شهید دکتر فتحی شقاقی درباره اهمیت مقاومت می‌گوید:

انتفاضه یک معجزه الهی است که به واسطه‌ی یک ملت زنده به وقوع پیوسته است (خبر آنلاین، ۱۴۰۳: کد خبر ۱۹۷۲۹۸۷).

این حرکت مردمی، با وجود گذشت دهه‌ها از اشغال فلسطین، همچنان ابزاری قدرتمند در مقابل رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. انتفاضه علاوه بر آشکارکردن ماهیت واقعی رژیم صهیونیستی، همبستگی داخلی و منطقه‌ای را تقویت کرده و دستاوردهای ملت فلسطین را به جهان نشان داده است.

امام خمینی رحمته‌الله علیه از پیشگامان احیای مفاهیم مقاومت و اتحاد در عصر معاصر است. ایشان معتقد بودند بسیاری از مشکلات جوامع اسلامی از فراموشی روحیه مقاومت و قیام در راه خدا ناشی می‌شود و در نخستین بیانیه سیاسی خود که در جمادی‌الاول ۱۳۶۳ هجری قمری صادر شد می‌فرمایند:

خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ج ۱، ۲۱-۲۲).

این دیدگاه نشان می‌دهد که اتحاد و مقاومت، بنیانی استراتژیک برای بیداری و ایستادگی امت اسلامی در برابر استکبار جهانی است و در تعالیم پیامبر اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم نیز به وضوح دیده

می‌شود، جایی که پیامبر ﷺ فرموده‌اند:

تمام خیر و نیکی در قیام و مبارزه است و مردم به راست نخواهند آمد مگر از طریق قیام و مبارزه که کلیدهای بهشت و جهنم هستند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳).

دفاع از مسلمانان و حمایت از آنان در سراسر جهان جزو اهداف اصلی این جنبش است. این اندیشه، در واقع نمایانگر نوعی حرکت جمعی است که بر پایه‌ی مقاومت و اتحاد در برابر ظلم بنا شده و گفتمان جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان راهنمایی برای اصلاحات جهانی در نظر دارد. در این چارچوب، جبهه مقاومت به عنوان یک الگوی مستمر و تأثیرگذار در مقاومت و مبارزه با استبداد و نابرابری‌های جهانی شکل گرفته است و شالوده و بنای این جبهه همبستگی و اتحاد میان مردم و ملت‌ها، صرف نظر از اینکه چه دین یا قومیتی دارند و فقط با این هدف، یعنی تحقق جامعه‌ای عادلانه تحت هدایت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که امروزه جوامع بشری به طور کامل شاهد اهمیت روزافزون این وحدت هستند چرا که جریان‌های ظلم‌ستیزی که در رأس آنان آمریکا قرار دارد در پی تفرقه‌افکنی میان ملت‌ها، از طریق ایجاد دروغ‌افکنی‌هایی نظیر این که ایران از بیت‌المال برای جبهه مقاومت هزینه می‌کند و در مقابل نیز در سوریه می‌گویند سوریه از رفاه مردم در جهت کمک به ایران هزینه می‌کند و وقتی مردم فقر و عدم رفاه را ببینند این شایعات را باور کرده و به حکومت‌های خود اعتراض می‌کنند و در نهایت ملت‌ها با هم دشمن، و خواستار قطع رابطه می‌شوند و مستکبرین هم به خواسته‌های خود که نابودی کامل جبهه مقاومت است خواهند رسید.

محور مقاومت، با مرکزیت جمهوری اسلامی ایران، به عنوان جریانی جهانی که در مقابله با سلطه‌گری و حمایت از آرمان‌های فلسطین و ملت‌های تحت ستم شناخته می‌شود، نقشی کلیدی در تغییر معادلات جهانی ایفا می‌کند. این جریان با استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و منابع، به دنبال مقابله با فرایندهای ناعادلانه جهانی و ایجاد تغییرات بنیادین در جهت عدالت و حمایت از حقوق بشر است. این مفهوم در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های هم‌پیمان آن که در نقاط مختلف جهان علیه ظلم و سلطه‌گری ایستاده‌اند، گسترش یافته است. در این راستا، اتحاد ملت‌های مسلمان در کنار یکدیگر برای مقابله با تهدیدات و چالش‌ها، در قالب جبهه مقاومت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و الهام‌بخش بسیاری از حرکت‌های آزادی‌بخش در سطح جهانی بوده است.

اتحاد و مقاومت به عنوان دو ستون اصلی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری و تقویت جبهه مقاومت ایفا می‌کنند. اتحاد، زمینه‌ساز همبستگی میان ملت‌های مسلمان و دیگر ملت‌های

عدالت طلب است و انرژی لازم برای استمرار مبارزه را تأمین می‌کند. در همین راستا، آموزه‌های مهدویت با تأکید بر مبارزه با ظلم و تحقق عدالت، نیرویی معنوی و فراتر از مبارزات معمول به ملت‌های تحت ستم القا می‌کنند. این آموزه‌ها نه تنها انگیزه‌ای قوی برای ایستادگی در برابر ستم ایجاد می‌کنند، بلکه مسیر و اهداف جبهه مقاومت را در مواجهه با بحران‌های جهانی به درستی هدایت می‌نمایند.

رهبری استوار و هدایتگر

رهبری به معنای هدایت و تأثیرگذاری بر افراد برای دستیابی به اهداف مشخص است. در اصطلاح رهبری فرایندی است که با برقراری ارتباط مؤثر و ایجاد انگیزه، انجام وظایف را تسهیل کرده و کارکنان را به انجام مسئولیت‌هایشان تشویق می‌کند. مدیر باید توانایی تأثیرگذاری بر تیم خود را داشته باشد و قدرت و نفوذ او نیز مورد پذیرش اعضا قرار گیرد (گرچی، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

از منظر مهدویت، رهبری جبهه مقاومت نقشی محوری در هدایت نیروهای ظلم‌ستیز و تقویت اتحاد میان آن‌ها دارد. این رهبران با الهام از آموزه‌های مهدوی، علاوه بر مبارزه با ظلم، برای تحقق اهداف الهی و ایجاد وحدت میان ملت‌ها تلاش می‌کنند. رهبری در این مسیر، فراتر از سیاست، به عنوان مرجع فکری و معنوی نیز مطرح است. امام خمینی رحمته‌الله علیه نمونه بارزی از این الگو بود که تأکید داشت:

مقاومت مردم، باتکیه بر ایمان به خدا و ارشاد رهبران دینی، توانست رژیم‌های ظالم را شکست دهد (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ج ۲۱، ۱۴۰).

این رهبران با ترکیب ارزش‌های دینی و اصول سیاسی، توانستند جریان مقاومت را تقویت و گسترش دهند و با تقویت باورهای دینی و بی‌توجهی به تعلقات دنیوی، حرکت مقاومت را به سوی اهداف عدالت‌خواهی هدایت کنند. در یکی از تحلیل‌ها، نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان محور رهبری انقلابی، نمایانگر انتظاری تاریخی برای بازگشت امام دوازدهم عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف بوده است. این دیدگاه بر اهمیت نقش امام خمینی رحمته‌الله علیه در زنده نگه داشتن این امید و هدایت انقلاب اسلامی تأکید دارد (اسکاچیل، ۱۳۸۰: ۵۲).

رهبری در جبهه مقاومت، به ویژه در مقاطع حساس، نقشی تعیین‌کننده در القای امید، افزایش انگیزه، و ایجاد اعتماد به پیروزی ایفا می‌کند. رهبران این جبهه باتکیه بر اصول الهی و

آموزه‌های معنوی، راهبردهایی ارائه می‌دهند که نیروهای مقاومت را از یأس دور کرده و روحیه پایداری را تقویت می‌کنند. این سبک رهبری، هم به بعد روانی نیروها توجه دارد و هم به انسجام در برابر چالش‌های بیرونی (هاشمیان، ۱۳۹۵: ۲۳).

رهبری در جبهه مقاومت تنها به مسائل تاکتیکی نمی‌پردازد، بلکه با ترسیم یک چشم‌انداز روشن و هدایت استراتژیک، اهداف بلندمدت را برای نیروها مشخص می‌کند. این نوع رهبری که براساس آرمان‌های اسلامی استوار است، در شکل‌دهی هویت جبهه مقاومت نقش اساسی دارد. رهبران، با تمرکز بر اصول دینی و انسانی، نیروها را در مسیری هدایت می‌کنند که هم به تقویت همبستگی و انگیزه آنها می‌انجامد و هم مقاومت در برابر تهدیدات و فشارهای جهانی را تسهیل می‌کند. جنگ ۳۳ روزه میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶، نمونه‌ای برجسته از رهبری استراتژیک موفق در جبهه مقاومت است. سید حسن نصرالله با استفاده از استراتژی‌های مؤثر، نه تنها مقاومت را به پیروزی رساند، بلکه موقعیت حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاوم و اثرگذار تثبیت کرد و الگویی برای دیگر گروه‌های مقاومت در سطح جهانی قرار گرفت.

انقلاب اسلامی ایران باهدف تقویت انسجام در محور مقاومت و گسترش توان جبهه‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در غرب آسیا، نقشی بی‌همتا ایفا کرده است. این انقلاب نه تنها جان تازه‌ای به حرکت‌های ضداستکباری در کشورهای نظیر فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و یمن بخشیده، بلکه به تثبیت و گسترش این گفتمان انقلابی نیز پرداخته است. در این میان، مقابله با رژیم صهیونیستی و متحدان آن، شامل کشورهای همسو با عربستان سعودی و حامیان غربی نظیر ایالات متحده، در قلب راهبردهای مقاومت قرار دارد (زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۴).

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان محور اصلی مقاومت، همواره در خط مقدم مقابله با سلطه‌گری آمریکا و تجاوزات رژیم صهیونیستی قرار دارد و از ملت‌های مظلوم منطقه حمایت می‌کند. در طول سال‌ها، ظرفیت بازدارندگی ایران و توان کمک‌رسانی به کشورهای عضو محور مقاومت روزبه‌روز افزایش یافته است. تحولات عمده منطقه‌ای، به‌ویژه در خاورمیانه، تحت تأثیر انقلاب اسلامی و سیاست‌های جمهوری اسلامی قرار داشته است. مقام معظم رهبری به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی نقش محوری در هدایت این تحولات و تصمیم‌سازی‌های اساسی ایفا کرده‌اند. مقاومت اسلامی، از دیدگاه معظم له، نه تنها یک استراتژی سیاسی، بلکه یک

آرمان اعتقادی و قرآنی است که براساس آن، جبهه حق در مقابل باطل قرار می‌گیرد و تحقق وعده‌های الهی در دستور کار است. این نگاه باعث شده تا مقاومت در برابر دشمنان اسلام به یک هدف بلندمدت و بنیادی تبدیل شود. ایشان به عنوان رهبر اصلی مقاومت و مهره اصلی در جهت‌گیری‌های این جبهه شناخته شده است. سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در خردادماه ۱۳۹۸ این مطلب را بیان کرد:

در ۳۰ سال گذشته و به خصوص در این چند سال اخیر که دشواری‌ها، سختی و فتنه‌ها بیشتر شده است، کسی که پرچم بزرگ اسلام، مقاومت، جهاد و وحدت اسلامی را برافراشته است و سرسختانه از وحدت میان مسلمین و از مردم و مظلومان و مستضعفان محافظت کرده و کسی که جبهه مقاومت را فرماندهی کرده و کسی که با شجاعت و صلابت در برابر نیروهای استکباری، قلدری‌ها، تهدیدها و همه وحشت‌آفرینی‌هایی که در جهان می‌بینیم، ایستاده است، امام خامنه‌ای است... (پورعباسی، ۱۴۰۲).

امروز این پیروزی‌ها و دستاوردها پس از فضل الهی و عنایت حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی ورحمة‌الشریف به حکمت، شجاعت و ایستادگی ایشان بازمی‌گردد.

مشروعیت الهی، ترسیم چشم‌انداز روشن و ارائه استراتژی‌های بلندمدت، از ویژگی‌های بارز چنین رهبری است که مقاومت را از یک حرکت صرفاً نظامی به یک آرمان جهانی و الهی تبدیل کرده است. رهبران جبهه مقاومت، با ترکیب ارزش‌های دینی و اصول سیاسی، جریان مقاومت را به الگویی برای جهان اسلام تبدیل کنند. تأکید بر وحدت، تقویت انگیزه نیروها و پیوند عمیق آموزه‌های مهدوی با مبارزات ضد ظلم، جبهه مقاومت را قادر ساخته است تا در برابر تهدیدات منطقه‌ای و جهانی ایستادگی کرده و به عنوان یک نیروی تأثیرگذار و موفق ظاهر شود. این رهبری مقتدرانه، نه تنها به تحقق اهداف مقاومت کمک کرده، بلکه نشان داده است که باور به آموزه‌های مهدوی و انتظار ظهور منجی، می‌تواند بستری برای پایداری در برابر ظلم و تحقق وعده‌های الهی در جهان باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که آموزه‌های مهدوی نه تنها به عنوان بخشی از باورهای بنیادین اسلامی، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در شکل‌دهی و تقویت جریان‌های ظلم‌ستیز در جبهه مقاومت معاصر عمل می‌کنند. بررسی‌های انجام شده در این مقاله بیانگر آن است که آموزه‌های مهدوی از طریق تأکید بر عدالت‌خواهی، ایجاد امید و انگیزه و وجود رهبری

مقتدرانه توانسته است در مقابله با سلطه‌گری و هژمونی جهانی، جریان‌های مؤثری ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، روشن ساختن نقش کلیدی امید به آینده و تفکر مثبت در آموزه‌های مهدوی بود که موجب پایداری و استقامت در جبهه‌های ظلم‌ستیز می‌شود. همچنین، مشخص شد که رهبری ایمانی و انسجام اجتماعی در این جریان‌ها، بر مبنای آموزه‌های مهدوی، نه تنها از پراکندگی نیروها جلوگیری می‌کند، بلکه آن‌ها را در راستای تحقق اهداف مشترک عدالت‌محور هماهنگ می‌سازد. این پژوهش به طور خاص به ارتباط میان آرمان‌های مهدوی و واقعیت‌های سیاست معاصر پرداخت و پیشنهاد می‌دهد که با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، می‌توان نقشه‌های راهبردی مؤثرتری برای مقاومت در برابر ظلم طراحی نمود. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بستری برای تحقیقات آینده در زمینه‌ی تحلیل سیاست‌های جهانی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی فراهم کند و زمینه‌ساز تحولاتی عمیق در حوزه‌ی عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی باشد.

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: انتشارات اسلامی.
- اسکاچیل، تدا، (۱۳۸۰)، «نقش امام خمینی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و فرهنگ انتظار»، *فصل‌نامه انتظار*، ش ۲.
- امینی، عبدالحسین، (۱۳۸۰)، *الغدیر*، چاپ اول، جلد ۱، قم: انتشارات الغدیر.
- آذرنوش، سید محمد، (۱۳۸۹)، *تاریخ‌نگاری و بحران‌های فرهنگی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۷۱، ۱۸ بهمن)، *بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر در روز نیمه شعبان*.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۶، ۲۰ اردیبهشت)، *بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)*.
- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۴۰۳، ۲۱ آذر)، *بیانات در دیدار با افسارمختلف مردم*.
- خبر آنلاین، (۱۴۰۳)، *دیدگاه رهبران فلسطینی درباره دوگانه سازش و مقاومت*، کد خبر ۱۹۷۲۹۸۷، بازیابی شده از: <https://www.khabaronline.ir/>

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۱ق)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، جلد ۱، دمشق: دارالقلم.
- زبیدی، مرتضی بن محمد حسین، (۱۳۸۵ ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول، جلد بیستم، قاهره: دارالهدایة.
- سلیگمن، مارتین، (۱۹۹۱)، *خوش بینی آموخته شده: چگونه ذهن و زندگی خود را تغییر دهیم*، چاپ اول، نیویورک: انتشارات فری پرس.
- شافعی، عبدالصمد بن علی، (۱۳۸۹)، *الامامه و الحوا*، چاپ اول، تهران: زوار.
- صمدی، قنبرعلی، (۱۳۸۵)، *دکترین مهدویت چستی خاستگاه ضرورت‌ها و راهکارها*، *مجله انتظار موعود*، ۱۶.
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۷۵)، *تفسیر تسنیم*، چاپ اول، تهران: انتشارات صدرا.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۴۰۸ ق)، *مجمع البحرین*، چاپ دوم، قم: چاپخانه اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ ق)، *الغیبه*، چاپ ۳، جلد ۱، قم: انتشارات المعارف الاسلامیه.
- عمید زنجانی؛ عباسعلی، توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، *مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل نامه حقوق*، شماره ۲۶.
- قرشی، سید هاشم، (۱۳۹۷)، *زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحسن.
- قمی، عباس، (۱۳۹۱)، *مفاتیح الجنان*، چاپ هفتم، مشهد: به نشر.
- گرجی، محمد، (۱۳۸۶)، *مدیریت و رهبری*، تهران: انتشارات دانشیار.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، چاپ اول، جلد ۵۱، بیروت: مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران: صدر.
- ملایی، محمد، (۱۳۹۵)، *مهدویت و عدالت*، تهران: بی نا.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۰)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میرهادی، سیده‌ام البنین، (۱۳۹۴)، *نقش مقاومت در اقبال عمومی به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*،

- مجموعه مقالات همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم.
- _ نجم، نجمه، (۱۳۹۶)، آثار تربیتی اعتقاد به مهدویت، قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت.
- _ هاشمیان، محمد، (۱۳۹۵)، رهبری و مقاومت اسلامی، تهران: نشر معارف.



Organizational Work and Its Impact on the Realization of the Appearance

Dr. Ruhollah Pourabedin¹

Hanieh Amizi²

Abstract

very prolonged, and efforts have been made to achieve his appearance. However, the question that has always occupied human minds is: despite all these efforts, what is the reason for the delay in the appearance, and what is the major obstacle in the way of this appearance? So far, this important matter, which Imam Mahdi has referenced in his letter to Sheikh Mufid, has not been specifically addressed. In this letter, Imam Mahdi identifies the main reason for his occultation as the lack of social solidarity among the people. Social solidarity means that people should collectively and organizationally move towards a common goal, which is the appearance of the Imam. Despite all the efforts made for the realization of the appearance, the followers have not acted in an organized manner. In contrast, organizational life has been present throughout the lives of the Imams. The data for this research has been collected through library-based note-taking and processed using a descriptive-analytical method. This paper, after outlining the indicators and necessities of organizational work, the pitfalls of organizations, the necessity of organizational work, and the establishment of the largest Islamic organization along with smaller Islamic social organizations, examines significant organizations in the history of Islam. It considers organization as a foundational factor in realizing the appearance and states that the lack of a cohesive organization is the primary reason for the occultation. It also specifically addresses this issue and concludes by outlining the important characteristics of the companions of Mahdi and the duties of Shiites in the current era..

Keywords: Organizational work, realization of the appearance, occultation, lack of organization

1. PhD in Islamic Studies, Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Bozorgmehr Qaenat University, South Khorasan, Iran(Pourabedin@buqaen.ac.ir)

2. Level 3 student specializing in Jurisprudence and Principles, Khorasan Seminary, Hazrat Narjis (PBUH) Seminary, Mashhad, Iran(Corresponding Author)(Amizihaniyeh@gmail.com)

کار تشکیلاتی و تأثیر آن در تحقق ظهور

روح اله پورعابدین^۱
حانیه آمیزی^۲

چکیده

دوره غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه له بسیار طولانی شده و تلاش هایی در جهت تحقق ظهور انجام گرفته است؛ اما همیشه این پرسش ذهن بشر را درگیر کرده که با این همه تلاش علت تأخیر ظهور چیست؟ و مانع بزرگ سر راه ظهور چه می باشد؟ تاکنون به طور ویژه به این امر مهم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له در توفیق خود به شیخ مفید رحمته الله علیه به آن اشاره کرده اند پرداخته نشده است. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له در این نامه، علت اصلی غیبت را عدم همدلی اجتماعی بین مردم معرفی می کند. همدلی اجتماعی به معنای این که مردم به طور تشکیلاتی و جمعی در مسیر یک هدف واحد که همان ظهور است حرکت کنند می باشد؛ با تمام تلاش هایی که برای تحقق ظهور انجام شده، منتظران تشکیلاتی عمل نکرده اند، در صورتی که زندگی تشکیلاتی در سراسر زندگی ائمه علیهم السلام وجود داشته است. داده های این پژوهش به شیوه فیش نویسی کتابخانه ای گردآوری و به روش توصیفی تحلیلی پردازش گردیده است. این نوشتار پس از مفهوم شناسی کار گروهی و تشکیلات، بیان عناصر و خصوصیات تشکیلات، پیشینه تشکیلات دینی، بیان ضرورت کار تشکیلاتی (ضرورت ایجاد بزرگترین تشکل اسلامی، ضرورت ایجاد ریز تشکل های اسلامی اجتماعی)، تشکیلات را، عامل زمینه ساز در تحقق ظهور و عدم وجود تشکیلات منسجم را، اصلی ترین علت غیبت و تأخیر در ظهور دانسته و به طور ویژه به آن پرداخته است و در پایان، ویژگی مهم باران مهدی علیه السلام و وظیفه شیعیان در عصر کنونی را بیان نموده است.

واژگان کلیدی

کار تشکیلاتی، تحقق ظهور، غیبت، عدم وجود تشکیلات.

۱. استادیار گروه آموزشی معارف اسلامی دانشگاه بزرگمهر قاننات، خراسان جنوبی، ایران (Pourabedin@buqaen.ac.ir).
۲. طلبه سطح سه تخصصی فقه و اصول حوزه علمیه خراسان (مدرسه علمیه حضرت نرجس علیها السلام) مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (Amizihaniyeh@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

مقدمه

تاریخ اسلام در چهار پدیده مهم خلاصه می‌شود: بعثت، غدیر، عاشورا و مهدویت یا ظهور. اگر بعثت فهم می‌شد، غدیر پیاده می‌شد و اگر غدیر پیاده می‌شد، عاشورا و غیبت امام دوازدهم اتفاق نمی‌افتاد. حال که این‌گونه شده است و عاشورا پل اتصال غدیر به مهدویت است یعنی وارث عاشورا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، بر مسلمانان و شیعیان و تمام آزادی خواهان و عدالت خواهان و ظلم ستیزان است که برای نزدیک شدن و تحقق ظهور تلاش کنند. اگر اسلام کامل‌ترین، جامع‌ترین، پاسخگوترین و آخرین دین است و برای زندگی بشر از پیش از تولد تا پس از مرگ دستور و برنامه دارد، از مسلمانان نیز مسئولیت‌پذیری و بی تفاوت نبودن نسبت به مسائل اجتماعی را خواستار است؛ یعنی تلاش برای زندگی جمعی و تشکیل حکومت. ضعف جهان اسلام و منتظران ظهور در عدم سازماندهی و عدم شبکه‌سازی و نبود کار تشکیلاتی است؛ بنابراین این پژوهش پیگیر پاسخ به این پرسش است که؛ کار تشکیلاتی چیست، چه شاخص‌ها و بایدهایی دارد، چگونه در تحقق ظهور نقش دارد و به چه آفاتی ممکن است دچار شود؟

پیشینه پژوهش

با توجه به جستجوی در پایگاه‌های علمی همچون نورمگز و مگیران آثار مشابه پیدا نشد، جز یک مقاله با عنوان: «ظرفیت‌شناسی تشکیلات اسلامی در جهش جریان حق و زمینه‌سازی ظهور»، نوشته حسین الهی‌نژاد، احمد افتخاری اکمل، انتشار یافته در فصل‌نامه «پژوهش‌های مهدوی»، پیاپی ۴۳ (زمستان ۱۴۰۱)، ص ۱۴۵-۱۶۳ که در چکیده مقاله چنین آمده است؛ یکی از عوامل مؤثر در پیشبرد و جهش جریان حق، وجود تشکیلات منسجم و قوی است. کارهای فردی هرگز جریان حق را با جهش مواجه نکرده‌اند. شناخت ظرفیت‌های تشکیلات اسلامی، نشان می‌دهد که زمینه‌سازی برای تحقق دولت کریمه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیازمند جهش است؛ نتیجه این‌که؛ جهش در زمینه‌سازی تنها در سایه زمینه‌سازی تشکیلاتی و جهاد همه جانبه منتظران زمینه‌ساز، اتفاق خواهد افتاد.

بنابراین پژوهش فوق به شناخت جریان‌های زمینه‌ساز قبل از ظهور، ساختارهای شبکه وکالت در دوران غیبت صغری و قبل از آن و شناخت ظرفیت‌های تشکیلات اسلامی پرداخته است و به مباحث پژوهش حاضر یعنی شاخص‌ها و بایدهای کار تشکیلاتی و چگونگی

تأثیرگذاری در تحقق ظهور به ویژه آسیب شناسی کار تشکیلاتی نپرداخته است.

روش پژوهش

داده‌های این پژوهش به شیوه فیش نویسی کتابخانه‌ای گردآوری و به روش توصیفی تحلیلی پردازش گردیده است.

مفهوم شناسی

گروه و کارگروهی

برای گروه‌های انسانی، تعریف‌ها و مختصات فراوان و متعددی ذکر شده که در هر کدام یک یا چند ویژگی خاص گروه، مورد توجه قرار گرفته است. در یک تعریف، گروه همان اجتماع دو یا چند نفر است که برای دستیابی به یک یا چند هدف مشترک، فعالیت می‌کنند (مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۹۱: ۲۰). برخی دیگر گروه را یک تیم دانسته‌اند و در تعریف آن می‌گویند: تیم یا گروه وسیله‌ای برای به‌کارگیری افراد در کنار یکدیگر به صورت یک واحد هماهنگ است؛ مجموعه‌ای از افراد که براساس یک مأموریت مستمر با یکدیگر کار می‌کنند؛ بنابراین می‌توان مهم‌ترین مختصات گروه را این‌گونه برشمرد: ۱. داشتن هدف‌های مشترک جمعی؛ ۲. پذیرش و رعایت ارزش‌های مشترک؛ ۳. داشتن تعامل آزاد و غیررسمی و غیرکلیشه‌ای (همان: ۲۱).

تشکیلات

واژه تشکیلات هرگاه از منظر علم مدیریت مورد توجه قرار گیرد معادل ساختار و عبارت است از «راه یا شیوه‌ای که فعالیت‌های سازمانی به صورت رسمی تقسیم و گروه‌بندی و هماهنگ می‌شوند.» به عبارت دیگر ساختار یا تشکیلات وسیله‌ای است تا از تداخل وظایف افراد جلوگیری به عمل آید و از هماهنگی لازم برخوردار شود. اما هرگاه از منظر جامعه‌شناختی بررسی شود، تشکیلات در واقع تعبیر دیگری از تشکل است؛ یعنی ماهیتی اجتماعی که از پیوستگی افراد داوطلبی که دارای اهداف و هنجارهای مشترک هستند. در یک نظام تعامل آزاد و در عین حال برخوردار از نوعی نظم درونی شکل می‌گیرد (مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۹۱: ۲۳).

آنچه که در این نوشتار مد نظر است با همین تعریف از تشکیلات سازگاری بیشتری دارد.

آن‌جا که نیروهای مختلف برای یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریح و با هدف ایجاد تشکیلات عظیم اسلامی گسیل می‌شوند باید همین مؤلفه‌هایی که در این تعریف است را مورد توجه قرار دهند. با توجه به این تعریف، ویژگی‌های تشکیلات را می‌توان این‌طور برشمرد: ۱. نوعی پیوستگی بین اعضای تشکیلات وجود دارد؛ ۲. افرادی که در تشکیلات هستند داوطلبانه وارد مجموعه شده‌اند؛ ۳. همه اعضای تشکیلات هدف مشترکی با هم دارند؛ ۴. نوعی نظم درونی و ساختار نظام‌مند در تشکیلات وجود دارد.

عناصر و خصوصیات تشکیلات

برای پیشبرد دقیق کار تشکیلاتی در یک مجموعه به عناصری نیاز است که همان رهبر و زیرمجموعه‌های تشکیلات و هدف تشکیلات هستند. یک تشکیلات زمانی در مسیر صحیح حرکت خود قرار می‌گیرد که همه اعضای تشکیلات از رهبر اطاعت کنند؛ اگر افراد گروه مطیع رهبر نباشند تشکیلات به شکل صحیح عمل نکرده و از مسیر اصلی و هدف متعالی خود دور می‌شود. قرآن کریم نیز این ویژگی مهم را در تشکیلات به مسلمانان گوشزد کرده و یادآوری می‌کند که اگر مسلمانان از پیامبر اطاعت نکنند مؤمن نیستند (نساء: ۶۵)؛ که طبق این آیه معنای دقیق «ایمان» عبارت است از این‌که انسان به طور تام و کامل و در ظاهر و باطن تسلیم امر خدا و رسول باشد و چگونه ممکن است کسی مؤمن حقیقی باشد و در عین حال در برابر حکمی از احکام خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسلیم نباشد و یا به ظاهر تسلیم شود، اما در باطن تسلیم امر و حکم او نشود؛ به عبارت دیگر وقتی که رئیس تشکیلات در جامعه اسلامی حکمی را صادر می‌کند که شاید به نظر آنان خلاف هم باشد نه تنها اطاعت می‌کنند بلکه از صمیم قلب با آن حکم همراه هستند؛ این است معنای ایمان جمع به رئیس تشکیلات در جامعه اسلامی (عرب اسدی، بی تا: ۲۱-۲۲).

پیشینه تشکیلات دینی

بدون فهم تاریخی از تشکیلات هرگز نمی‌توان به ضرورت ایجاد تشکّل و ریز تشکّل برای زمینه‌سازی ظهور رسید، چرا که باید برای اداره این ریز تشکّل‌ها، نمونه‌ای عملی و الگویی موفق داشت تا طبق همان حرکت شود.

تشکیلات در عصر پیامبر اکرم ﷺ

در سال یازدهم بعثت پیامبر ﷺ، شش تن از بزرگان خزرج را در موسم حج در منی دید و آنها را به اسلام دعوت کرد. آنان پذیرفتند و پس از بازگشت به یثرب مردم را به اسلام دعوت کردند؛ چیزی نگذشت که زمزمه اسلام در یثرب پیچید و خانه‌ای نبود که در آن سخن از پیامبر ﷺ نباشد (پیشوایی، ۱۳۹۵: ۱۹۱، با کمی تغییر). در سال دوازدهم بعثت دوازده نفر از یثربیان در موسم حج در پای عقبه منی با رسول خدا بیعت کردند، از این گروه ده نفر خزرجی و دو نفر اوسی بودند و این نشان می‌داد که این دو قبیله کینه‌های گذشته را فراموش کرده و دوش به دوش هم زیر پرچم اسلام گرد می‌آیند.

دومین پیمان عقبه در سال سیزدهم بعثت بسته شد. هفتاد و پنج نفر که یازده نفرشان اوسی و بقیه شان خزرجی بودند و دویست و دو نفر زن بودند، همراه قافله حج از یثرب وارد مکه شدند و در دوازدهم ذیحجه در دامنه عقبه منی دومین پیمان را شبانه با پیامبر بستند (همان: ۱۹۲). در خاتمه پیمان به دستور پیامبر ﷺ دوازده نفر نماینده از میان خود انتخاب کردند شورای مرکزی تا پس از بازگشت به یثرب تا زمان هجرت رسول خدا ﷺ امور آنان را سرپرستی کنند و این نشانه‌ای از رفتار تشکیلاتی پیامبر اسلام و سعی آن حضرت در سازماندهی نیروهای موجود است (همان: ۱۹۳).

این پیمان‌ها، اولین حرکت‌های تشکیلاتی و سازمانی پیامبر ﷺ در راستای تحقق حکومت نبوی بود؛ اما در ادامه نیز فعالیت‌های پیامبر ﷺ در جنگ‌ها و غیر آن نشانه رفتار تشکیلاتی پیامبر ﷺ می‌باشد که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث از ذکر آن خودداری می‌کنیم. بخش بعدی فعالیت‌های تشکیلاتی پیامبر اکرم ﷺ در راستای ایجاد بزرگ‌ترین تشکیلات اسلامی مربوط به آغاز ورود ایشان به مدینه بود.

نخستین اقدام اجتماعی و سیاسی پیامبر اکرم ﷺ پس از ورود به یثرب بنا کردن مسجدالنبی بود که مرکز تجمعات مسلمانان و تصمیمات بزرگ آنان بود این اقدام پیامبر ﷺ نشان‌دهنده اهتمام ایشان به امر حکومت و ایجاد تشکل بزرگ اسلامی می‌باشد.

تشکیلات در عصر امام علی ؑ

پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ با تشکیل شورا، برای اولین بار در تاریخ اسلام، حکومت را از دست امام معصوم ؑ خارج کردند و ناهلان را بر مسند حکومت نشانند. حضرت علی ؑ

در این باره می‌فرماید:

آگاه باشید به خدا سوگند ابا بکر، جامه خلافت را بر تن کرد در حالی که می‌دانست جایگاه من نسبت به حکومت اسلامی چون محور آسیاب است نسبت به آسیاب که دور آن حرکت می‌کند (نهج البلاغه، خطبه ۳، ۲۹).

تشبیهی که امام علی علیه السلام در این بیان به کار برده‌اند، تشبیه دقیقی از یک تشکیلات اسلامی است که امام معصوم باید محور آن بوده و دیگران حول آن محور حرکت کنند در این بخش توجه به دو نکته لازم است:

۱. با این‌که در ظاهر، حکومت در دست امام نیست، اما دخالت فعال و راهگشایی‌های حضرت حرکت رو به جلوی این تشکیلات را حفظ می‌کند؛
۲. در این شرایط، اگر انحراف جامعه اسلامی زیاد نباشد امام معصوم علیه السلام نیز با راهنمایی‌های خود جامعه اسلامی را حفظ می‌کند اما اگر انحراف فاحشی در بدنه حکومت دیده شود که بیم از بین رفتن اسلام به وجود بیاید امام علیه السلام قیام می‌کند و این اصل در عصر همه امامان وجود دارد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

جامعه نوپا و جدیدالولاده اسلامی با وجود دشمنان قدرتمند ضربت خورده خارجی و با وجود عناصر تازه مسلمان و درست جا نیفتاده داخلی به هیچ وجه تاب دو دستگی و اختلاف صفوف را ندارد. کمترین رخنه‌ای در پیکر استوار این جامعه می‌تواند همچون تهدیدی نسبت به اصل و اساس آن باشد. از طرفی زاویه انحراف واقعیت از حقیقت آن چنان فاحش نیست که برای کسی همچون امیرالمؤمنین علیه السلام که خود دلسوزترین و متعهدترین انسان نسبت به مکتب و جامعه اسلامی است قابل تحمل نباشد (صهبا، ۱۳۹۵: ۷۴).

پس در این بخش از تاریخ که ماجرای غصب خلافت پیش آمد، امامان معصوم علیهم السلام به ظاهر سکوت کردند. اما در اصل، مسیر حرکت جامعه را زیر نظر داشتند. پس از مرگ خلیفه سوم مردم به حضرت علی علیه السلام رجوع کردند و خواستار پذیرش حکومت شدند. در این بخش از تاریخ حکومت به صاحبان اصلی خودش واگذار شد و در دوران چهارسال و نه ماه حکومت حضرت علی علیه السلام و چند ماه حکومت امام حسن مجتبی علیه السلام در دست این بزرگواران باقی ماند و حکومت به شکل اصیل خودش یعنی بزرگ‌ترین تشکیلات اسلامی با رعایت تمام حدود و قوانین استقرار یافته بود.

تشکیلات در عصر امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

پس از ماجرای صلح امام حسن علیه السلام با معاویه که فصل مبسوطی می‌طلبد، اما در این بخش مورد توجه این نوشتار نیست آنچه که حائز اهمیت می‌باشد این است که کار به شکلی هوشمندانه و زیرکانه تنظیم شد که اسلام و جریان اسلامی وارد کانال آلوده‌ای به نام خلافت و در معنا سلطنت به وجود آمده نشود (همان: ۱۳۶). مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

این هنر امام حسن مجتبیٰ علیه السلام بود. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام کاری کرد که جریان اصیل اسلام در مجرای دیگری اگر نه به شکل حکومت لاقبل به شکل نهضت جریان پیدا کند (همان: ۱۳۷).

با توجه به این نکات دانستیم که تشکیلات شیعی گاه به صورت، حکومت نمایان شده و گاه به صورت زیرزمینی و مخفیانه کار خود را ادامه می‌دهد، اما آنچه دارای اهمیت می‌باشد این است که این تشکیلات به هر صورتی باید حفظ شود. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

در آغاز صلح، دو نفر از سران شیعه، مسیب بن نجبه و سلیمان بن صرد با عده‌ای از مسلمانان خدمت امام مجتبیٰ علیه السلام مشرف شدند. گفتند ما نیروی زیادی داریم از خراسان و عراق و...؛ و این‌ها را در اختیار شما می‌گذاریم و حاضریم معاویه را تا شام تعقیب کنیم. حضرت آنان را در خلوت به حضور خواستند و مقداری با آنان سخن گفتند؛ پس از این که بیرون آمدند آرام شده بودند و نیروهایشان را رها کرده و پاسخ روشنگری هم به عده همراهان خودشان ندادند.

رهبر عظیم الشان انقلاب این‌گونه ادامه می‌دهد:

طه حسین مدعی است که این دیدار در حقیقت سنگ زیربنای اصلی مبارزات تشیع را گذاشت یعنی می‌خواهد بگوید امام حسن علیه السلام با این‌ها نشستند و مشورت کردند و در همین دیدار تشکیلات عظیم شیعی را به وجود آوردند (همان: ۱۴۴).

این اتفاقات همه در جهت حفظ و بقای تشکیلات اصیل اسلامی بوده است که هر کدام از معصومین علیهم السلام به خوبی از این تشکیلات صیانت کرده و حتی مخفیانه این تشکیلات را رهبری و هدایت کرده اند.

تشکیلات در عصر امام حسین علیه السلام

همان‌گونه که گفته شد تا زمانی که اصول تشکیلات اسلامی یعنی آن اصولی که پایه‌های

دین محسوب می‌شوند، در خطر نباشد، ائمه علیهم‌السلام به روش‌های مختلف این تشکیلات را پیش می‌برند؛ در جاهایی تقیه می‌کنند، در جایی دیگر غیرمستقیم در امور حکومت، حاکم را ارشاد می‌کنند. اما آن‌جا که اصل تشکیلات اسلامی مورد هدف دشمن قرار می‌گیرد ائمه علیهم‌السلام از روش‌های دیگری استفاده می‌کردند.

دوران امامت امام حسین علیه‌السلام از دوران‌هایی بود که تقیه و مسامحه ... این تشکیلات را پیش نمی‌برد و حفظ تشکیلات اسلامی جز با قیام ممکن نبود؛ چراکه پس از معاویه فرزندش یزید جانشین او شد و منصب حکومت الهی را غصب کرد؛ او حتی ظواهر دین اسلام را رعایت نمی‌کرد؛ شاهد این مطلب، سخنانی است که امام در پاسخ به معاویه نوشتند؛ در بخشی از این نامه چنین می‌خوانیم:

یزید آن‌چنان که باید خود را نشان داده و باطن خود را آشکار ساخته است. یزید را آن‌چنان که هست معرفی کن یزید جوان سگ باز و کبوتر باز و بوالهوسی است که عمرش با ساز و آواز و خوشگذرانی سپری می‌شود (پیشوایی، ۱۳۹۶: ۱۶۹).

همان‌گونه که گفته شد در زمان حکومت یزید انحراف در حرکت تشکیلات شیعی به وجود آمده بود پس هدف امام حسین علیه‌السلام به عنوان رهبر تشکیلات، بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح بود که این هدف با قیام محقق شد (صهبا، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

تشکیلات در عصر امام سجاد علیه‌السلام تا امام رضا علیه‌السلام

پس از واقعه عاشورا به علّت رعب و وحشتی که بر جامعه حاکم بود به ظاهر تشکیلات منسجمی از تشیع وجود نداشت، اما اگر با دقت به سیره این امام بزرگوار نگاه کنیم، می‌بینیم که روش ایشان در حفظ تشکیلات شیعه، تربیت شاگردانی بود که این شاگردان معارف تشیع را به گوش سراسر دنیا برسانند و خبر از این تشکیلات دهند. روش امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام در صیانت از تشکیلات اسلامی مانند امام سجاد علیه‌السلام با تربیت شاگردان بود با این تفاوت که در آن زمان به علّت اختلاف بین بنی‌امیه و بنی‌عباس، این تشکیلات آشکارتر از گذشته شده و به صورت یک دانشگاه عظیم با چندین هزار شاگرد از سراسر دنیا توسط این دو امام بزرگوار اداره می‌شد. مقام معظم رهبری درباره دوران زندگی پربرت این سه امام می‌فرماید:

امام صادق علیه‌السلام توانسته بود به کمک تلاش وسیع پدرانش یعنی امام سجاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام و سپس خودش به کمک این تلاش توانسته بود یک عده مؤمن و مسلمان مکتبی، اصیل، انقلابی، فداکار آماده برای خطر پذیری در سراسر عالم اسلام درست کند (همان: ۳۲۷).

امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام نیز هر کدام به گونه‌ای این تشکیلات را رهبری می‌کردند؛ می‌توان گفت در این برهه از زمان روش رهبری این سه امام بزرگوار به گونه‌ای بود که علاوه بر رهبری تشکیلات عظیم اسلامی مخالفت صریح‌تری با حاکمان ظلم و جور داشتند. امام کاظم علیه السلام مبارزه خستگی‌ناپذیری در حفظ این تشکیلات داشتند و با این‌که از دستگاه سوی حاکم در فشار بودند مخالفت خویش را با حکومت ظلم نشان می‌دادند، به گونه‌ای که در روایت است که ائمه مخصوصی که حضرت در آن می‌نشستند سه چیز مشاهده می‌شد:

۱. شمشیر نشانه مبارزه دائمی و نشان دهنده این‌که هدف جهاد است.

۲. لباس خشن نشان دهنده این‌که وسیله برای رسیدن به هدف زندگی خشونت بار رزمی و انقلابی است. قرآن نشان دهنده این‌که این زندگی که ما می‌خواهیم به آن برسیم مبنایش قرآن است (همان: ۳۴۸ با کمی تغییر). امام رضا علیه السلام نیز با رد کردن پیشنهاد ولیعهدی و بعد با بیان مکرر تحمیلی بودن ولایتعهدی سعی در مخالفت با مأمون داشتند و به مردم گوشزد می‌کردند که این منصب که مأمون در آن حکومت می‌کند جایگاهی غصبی است. لازم به ذکر است ابعاد مبارزه و رهبری این تشکیلات عظیم اسلامی توسط ائمه هدی علیهم السلام فصلی مفصل طلب می‌کند که ما فرصت بیان آن را نداریم و فقط به برخی ابعاد که مدنظر این نوشتار است اشاره می‌کنیم.

تشکیلات در عصر امام جواد علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام

دوره این سه امام بزرگوار را می‌توان دوره تلاش گسترده تشکیلاتی در جهت برنامه‌ای درازمدت (همان: ۳۸۳) نامگذاری کرد؛ چرا که پس از این دوره قرار بر این است که شیعه وارد دوران غیبت شود.

شیعه نسبت به زمان امام صادق و امام باقر علیهم السلام شاید ده برابر شده باشد (همان: ۳۹۱)؛ به همین علت است که فشار دستگاه حاکم بیش از پیش شده بود.

روش امام جواد علیه السلام در برخورد با دستگاه حاکم شبیه به روش پدر بزرگوارشان بود، اما امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام باید روش دیگری را اتخاذ می‌کردند و ارتباط ایشان با یاران محدودتر شده بود؛ برای فهمیدن روش این دو امام بزرگوار توجه به یک نکته لازم است. در حقیقت کم شدن ارتباط با شیعیان علاوه بر این‌که به خاطر فشارهای دستگاه حاکم بود، علت دیگری داشت و آن علت این بود که شیعه باید آماده می‌شد که وارد مرحله‌ای شود

که رهبر تشکیلات غایب است و امکان ارتباط‌گیری مستقیم با رهبر تشکیلات وجود ندارد. فلذا این امامان بزرگوار ارتباط خود را با افراد کاهش دادند و از طریق وکلای خود با مردم ارتباط برقرار می‌کردند.

امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام برای آماده‌سازی جامعه برای ورود به عصر غیبت باید چند کار اساسی انجام می‌دادند که به آن تشکیلات آسیبی وارد نشود این کارها را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: مشخص کردن رهبر تشکیلات و تبیین چگونگی غیبت و معزفی امام مهدی علیه السلام به عنوان فرزند امام عسکری علیه السلام.

در احادیث بسیاری به این موضوع اشاره شده است؛ داوود بن قاسم گوید از ابوالحسن امام هادی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: جانشین پس از من حسن است. پس چگونه خواهید بود با جانشین پس از آن جانشین؟ گفتم: چرا؟ خدا مرا فدایت گرداند. فرمود: به دلیل آن که شما او را نمی‌بینید و برایتان روا نیست که او را به اسمش یاد کنید؛ گفتم پس چگونه یادش کنیم؟ فرمود: بگوئید حجت آل محمد صلی الله علیه و آله (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷: ج ۳، ۱۶۲). ۲. آماده‌سازی روانی جامعه برای پذیرش دوره جدیدی از امامت با کاهش ارتباط با یاران. ۳. تبیین چگونگی ادامه کار تشکیلات در عصر غیبت و سازمان‌دهی و تقویت سازمان وکالت (پورسیدآقایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳-۱۳۹).

تشکیلات در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و آتیه

از آن جا که دوران زندگانی امام مهدی علیه السلام به دو دسته غیبت صغری و کبری تقسیم می‌شود. پس روال رهبری تشکیلاتی ایشان نیز متفاوت است.

۱. تشکیلات در غیبت صغری

در زمان غیبت صغری، تشکیلات شیعه به وسیله نواب خاص حضرت اداره می‌شد؛ البته رهبر اصلی تشکیلات، وجود مقدس امام مهدی علیه السلام بود. اما زیر مجموعه اصلی آن حضرت، چهار نایب خاص بودند که با مردم ارتباط برقرار می‌کردند؛ البته این ارتباطات به وسیله وکلایی انجام می‌شد که لایه‌های بعدی تشکیلات را به وجود می‌آوردند وظایف این نواب از طرف امام مشخص می‌شد و عمده وظایف ایشان بدین شرح بود:

- برطرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی علیه السلام؛

- پنهان نگه داشتن مکان حضرت مهدی علیه السلام؛

- پاسخگویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی؛
- سازماندهی وکلای حضرت؛
- آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری؛
- رهبری دوستداران و طرفداران امام و حفظ مسائل ایشان؛
- جلوگیری از فرقه‌گرایی و گروه‌گروه شدن شیعیان؛
- مبارزه با مدعیان دروغین نیابت؛
- گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم (سلیمیان، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۹).

توجه به این نکته لازم است که همان‌طور که گفته شد تشکیلات باید شبیه یک قلّه باشد که در رأس آن رهبر قرار دارد و زیرمجموعه‌ها از سرشاخه‌های اصلی شروع شده و به ریز تشکّل‌ها ختم می‌شود و در تشکیلات دوران غیبت صغری به خوبی شاهد چنین نظامی هستیم.

۲. تشکیلات در غیبت کبری

تشکیلات در غیبت کبری شکل دیگری می‌یابد. چراکه حتی نائبان خاص نیز در این زمان حضور ندارند که رابط بین امام و شیعیان باشند. اما باید دانست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه هرگز شیعیان خویش را به حال خود رها نکرده و برای غیبت کبری نیز به آنان دستوراتی داده است. اسحاق بن یعقوب درباره تکلیف شیعیان در غیبت کبری از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه پرسید و تویح ذیل در پاسخ وی صادر گردید:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...
(ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۸۳)؛

و اما در پیشامدهایی که برای شما رخ می‌دهد باید به راویان اخبار ما دانشمندان علوم دینی رجوع کنید؛ ایشان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنان هستم.

اما نکته‌ای که شایان توجه می‌باشد این است که همان‌طور که گفتیم هدف امامان تشکیل حکومت اسلامی به طور ظاهری بر سراسر عالم است و این موضوع نیز مطرح شد که به علّت مساعد نبودن شرایط برای امامان پیشین ایشان وظیفه داشتند که این تشکّل اسلامی را حفظ کرده تا در آینده به ثمر نشانند و در این مسیر یازده امام معصوم را به شهادت رساندند و طبق روایات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه آخرین حجّت خدا بر زمین است و وظیفه تشکیل حکومت اسلامی به طور ظاهری همه جانبه و عالم‌گیر به عهده ایشان است.

اما همان‌طور که می‌دانیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له در غیبت به سر برده و ایجاد این تشکیلات عظیم که به نفع جامعه اسلامی است به تأخیر افتاده؛ فلذا باید ببینیم چه چیز است که مانع ظهور شده و در حقیقت سدّی در مسیر ایجاد تشکیلات عظیم انسانی می‌باشد.

ضرورت کار تشکیلاتی

پیش از طرح ضرورت کار تشکیلاتی باید دانست که هدف از ایجاد تشکیلات در نظام اسلامی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش به توقعی که از جانب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له برای شیخ مفید رحمته الله علیه صادر شده اشاره می‌شود که حضرت فرمود:

چنانچه شیعیان ما که خدا به طاعت خود موقّق شان بدارد قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد که سعادت مشاهده ما با شتاب به ایشان می‌رسید (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۹).

پس طبق این روایت، مشخص می‌شود که هدف از انجام کار تشکیلاتی، زمینه‌سازی برای ظهور است. با این توضیح تا حدّی ضرورت انجام کار تشکیلاتی نیز مشخص شد. اما برای تبیین بیشتر ضرورت، باید به نکات دیگری نیز اشاره کرده و تشکیلات را از منظر اسلام نیز بررسی کنیم تا به الگویی جامع در این باره دست یابیم.

باید بدانیم که انسان موجودی اجتماعی است و فطرت او اقتضا می‌کند که در اجتماع باشد. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

انسان در میان تمامی جانداران موجودی است که باید اجتماعی زندگی کند و این مطلب احتیاج به بحث زیادی ندارد؛ چراکه فطرت تمامی افراد چنین است؛ یعنی فطرت تمامی انسان‌ها این معنا را درک می‌کند و تا آن جا هم که تاریخ نشان داده هر جا که بشر بوده، اجتماعی زندگی می‌کرده و آثار باستانی هم این مطلب را اثبات می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۹۲).

در قرآن کریم نیز بارها به رابطه فرد و اجتماع و روحیه جامعه‌پذیری انسان‌ها اشاره شده است. خداوند در آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات به زندگی اجتماعی در قالب ملّت‌ها و قبایل اشاره می‌کند؛ و همچنین در آیه ۵۴ سوره فرقان به روابط نسبی و سببی که خود مایه پیوند اجتماعی است، اشاره شده است. آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارند که به این موضوع اشاره دارند؛ بنابراین انسان موجودی اجتماعی می‌باشد و برای رسیدن به سعادت باید در اجتماع قرار گیرد.

از دستورات اسلام و برآیند آیات و روایات به وضوح می‌توان دریافت که اسلام اهتمام ویژه‌ای به اجتماع و جامعه دارد. در این جا این سؤال پیش می‌آید که علت اهتمام اسلام به جامعه‌گرایی چیست؟ این نکته بسیار مهم است که رابطه بین افراد و ایجاد پدیده‌ای به نام جامعه مناسباتی به وجود می‌آورد که از آن می‌توان به آثار اجتماع نام برد. این آثار با آثار فردی متفاوت است و قدرت بسیار ویژه‌ای را به وجود می‌آورد (مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۹۱: ۱۷۷).

از توضیحات داده شده به دست آمد که چون انسان موجودی اجتماعی است و اسلام به کار تشکیلاتی اهمیت ویژه‌ای داده است، پس ضرورت دارد که برای رساندن فرد و جامعه اسلامی به آرمان‌های خود مسلمانان باید کار تشکیلاتی انجام دهند. حال این سؤال به وجود می‌آید که این تشکل باید چگونه باشد؟ به طور خلاصه پاسخ این سؤال چنین است که علاوه بر این که اسلام به ایجاد یک تشکل واحد دستور می‌دهد، باید ریز تشکل‌هایی نیز در این تشکل عظیم وجود داشته باشد در ادامه به طور مبسوط به این پرسش پاسخ داده می‌شود.

ضرورت ایجاد بزرگ‌ترین تشکل اسلامی یا حکومت اسلامی

برای بررسی نظر اسلام در رابطه با تشکل باید به تعریف خاص از تشکل اسلامی رسید. در آیات و روایات زیادی به امور ذیل اشاره شده است:

(الف) لزوم التزام به عقاید درست و حق مدارانه و پرهیز از عقاید نادرست؛

(ب) لزوم التزام به نظم و پرهیز از بی‌نظمی؛

(ج) لزوم التزام به برنامه و پرهیز از بی‌برنامگی؛

(د) لزوم التزام به ولایت در ابعاد و مراحل گوناگون؛

(ه) لزوم التزام به قانون و پرهیز از بی‌قانونی (مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۹۱: ۸۰).

پس یک تشکل اسلامی عبارت است از اجتماعی که با عقاید حق مدارانه با تکیه بر ایمان، نظم، برنامه ولایت و قانون مداری برای رسیدن به کمال یا هدفی در مسیر کمال تصمیماتی را اتخاذ می‌کند و یا به مرحله اجرا در می‌آورد. با توجه به این تعریف و با توجه به اهتمام اسلام به جامعه‌پذیری، روشن می‌شود که اسلام تا چه حد به ایجاد بزرگ‌ترین تشکل اسلامی یعنی حکومت اسلامی توجه دارد.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید:

اسلام را نباید در برابر مکاتب فکری محض قرار داد؛ زیرا مکاتب‌های فکری صرف، تنها در حریم فکر و اندیشه برنامه دارند و بس. اگر بخشی از اسلام مربوط به معارف و اعتقادات و جهان بینی است و بخش دیگری از آن مربوط به امور اخلاقی و تهذیب نفس می‌باشد در کنار این دو، بخش سوم وجود دارد که به شرح وظایف و دستورهای عملی پرداخته است. اگر اسلام نظارت و ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع دارد، اگر حدود و مقررات و قوانین اجتماعی و جامع دارد این نشان می‌دهد که اسلام یک تشکیلات همه جانبه و یک حکومت است (جوادی آملی، بی تا: ۷۵).

طبق این بیان، آرمان اصلی همه انبیا و اوصیای الهی به وجود آوردن مدینه فاضله و دولت کریمه‌ای است که حکومت اسلامی نامیده می‌شود.

ضرورت ایجاد ریز تشکل‌های اسلامی اجتماعی در درون حکومت

در یک نگاه کلان، تشکل یا حکومت اسلامی، یک سیستم اجتماعی بسیار بزرگ متشکل از اجزای فراوان جهت رسیدن به اهداف بلند معنوی و الهی و البته تا حدودی مادی می‌باشد. حال با در نظر گرفتن این مطلب به خودی خود ضرورت وجود اجزای کوچک‌تر و یا به عبارتی بهتر ریز، تشکل‌های کوچک‌تر با اهدافی خاص‌تر و محدودتر در درون این سیستم بزرگ یعنی حکومت اسلامی نمایان می‌شود. نکته بسیار مهم این است که این ریز تشکل‌ها نباید به طور پراکنده فعالیت کنند، چرا که این حرکت‌های به ظاهر کوچک در حرکت کلی حکومت تأثیرگذار است مانند خودرویی که به سوی مقصد مشخصی در حرکت است و یکی از اجزای آن از کار می‌افتد؛ روشن است که از کار افتادن این جزء به ظاهر کوچک حرکت خودرو را مختل می‌کند. ریز تشکل‌ها درون ساختار حکومت مانند همین اجزای خودرو هستند که به هم وابسته بوده و هدف همه آنان یک امر واحد است در این بخش ضرورت ایجاد تشکل و ریز تشکل‌های اسلامی به صورت دقیق تبیین شد.

حال با توجه به این که تشکیلات در نگاه اسلامی دارای چنین ضرورتی است باید تلاش در جهت ایجاد تشکیلات اسلامی در جای جای تاریخ اسلام بررسی شود، یعنی برای ایجاد تشکیلات در جامعه کنونی، نیازمند این هستیم که جایگاه تشکیلات و نحوه رهبری تشکیلات اسلامی را در تاریخ مشاهده کنیم و از آن الگوبرداری کرده و برای ادامه راه از آن الگو استفاده کنیم.

شاخص‌ها و بایدهای کار تشکیلاتی

با توجه به دو رکن اصلی تشکیلات که رهبر و زیر مجموعه هستند، برای حرکت صحیح تشکیلات در مسیر هدف، رهبر و اعضای گروه موظف به رعایت اخلاق تشکیلاتی هستند. وظایف و مراقبات رهبر گروه را می‌توان در سه بخش خلاصه کرد: مراقبت‌های نسبت به خود، مراقبت‌های نسبت به اعضاء و مراقبت‌های نسبت به تشکّل.

مراقبت نسبت به خود

رعایت حدود الهی

حدود الهی یعنی تمامی مرزهایی که خداوند متعال در کارها و امور مختلف برای انسان در نظر گرفته است.

انجام واجبات و ترک محرمات حدود الهی است. رعایت این مرزها در تشکیلات اسلامی بودن و توحیدی بودن این تشکیلات را تضمین می‌کند (حسن‌پور، ۱۳۹۶: ۱۳).

وجود روحیه و رویه توشل

در تشکیلات باید به دریای قدرت لایزال الهی وصل شد (مأئده: ۳۵). رهبر تشکیلات باید به این مهم توجه ویژه‌ای داشته باشد و زیر مجموعه را نیز به انجام این کار ترغیب کند.

مشورت کردن

رهبر یک تشکّل باید خود را محتاج‌ترین فرد به مشورت بداند تا حتی الامکان از تکرار اشتباهات دیگران مصون بماند و از فکر و تجربیات دیگران نیز بهره ببرد. مشورت به عنوان عنصری است که در قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته و به آن توصیه شده است (آل عمران: ۱۵۹).

حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

بر عاقل، حق است که همواره از دیگران راهنمایی بخواهد و استبداد را ترک کند (آمدی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۳۴۵).

همچنین می‌فرماید:

هرکس با صاحبان خرد مشورت نماید به راه راست و درست رهنمون شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵، ۱۰۵).

حُسن خلق و خوش خلقی

یکی دیگر از مراقباتی که رهبر مجموعه مؤظف به رعایت آن است حُسن خلق می باشد. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می گوید به امام عرض کردم: اندازه حسن خلق چیست؟ فرمود: «این که فروتنی کنی و خوش سخن باشی و با برادرت با خوش رویی برخورد کنی» (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۷). بسیاری از فضائل اخلاقی دیگری نیز وجود دارد که رهبر گروه باید خود را به انجام آنها مؤظف کند.

مراقبت نسبت به اعضاء

۱. مدارا کردن و رفاقت

در یک تشکّل، یکی از مهم ترین مؤلفه هایی که موجب پیوند عمیق بین اعضای تشکّل می شود، رفق و مداراست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: خداوند اهل مدارا است و مدارا کردن را دوست دارد و به وسیله آن چیزهایی می دهد که به وسیله خشونت نمی دهد (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۰۲، ح ۷۰).

۲. توانمندسازی و تربیت اعضا

نقش آفرینی و اثربخشی در فضای جامعه، تابع وجود انسان هایی است که توان و قابلیت های ویژه ای دارند. یکی از مهم ترین وظایف رهبر تشکیلات نسبت به اعضای تشکّل، تربیت و توانمندسازی آنان است چراکه یک تشکّل زمانی می تواند اثر گذار باشد که دچار رکود و عقب گرد نشده و همیشه پویا باشد. درباره ماهیت تربیت می توان گفت؛ تربیت عبارت است از: «پرورش دادن یعنی استعداد های درونی که بالقوه در یک شیء وجود دارد، به فعلیت در آوردن و پروراندن» (مطهری، ۱۳۹۰). فلذا براساس همین تعریف رهبر تشکیلات مؤظف است مسیر تربیتی اعضای گروه را برایشان مشخص کند.

۳. استفاده از تمامی ظرفیت ها

برای آن که به بهترین وضعیت اثرگذاری در فعالیت ها برسیم، ضروری است که ظرفیت های پیرامون خود را شناسایی کنیم. ظرفیت های پیرامونی ما به دو دسته تقسیم می شوند: ۱. ظرفیت های انسانی؛ ۲. ظرفیت های مادی. شناسایی ظرفیت ها این قابلیت را به ما می بخشد که با هماهنگی و به کارگیری هر کدام از

ظرفیت‌ها، توان مجموعه را افزایش دهیم. این امر دسترسی ما را به اهداف آسان‌تر می‌کند و ضریب نفوذ تشکیلات را در حلّ مسائل مختلف چند برابر خواهد کرد (حسن پور، ۱۳۹۶: ۸۵). رهبر گروه با شناسایی ظرفیت‌های موجود در گروه می‌تواند به حرکت تشکیلاتی سرعت بخشد و مسیر و وظیفه هر یک از افراد تشکّل را نسبت به کلّ مجموعه مشخص کند.

مراقبت نسبت به تشکّل

۱. نگاه به آرمان‌ها و مرور آنها

یکی از ویژگی‌های اولیه یک تشکّل اسلامی و انقلابی، آرمان‌گرایی است. نگاه به آرمان‌ها و تلاش و حرکت در راستای تحقّق آنها، بخش جدانشدنی تشکیلات است، همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب آرمان‌خواهی را یکی از خصوصیات تشکّل‌ها می‌داند (حسینی خامنه‌ای، پیام به اردوی تحکیم وحدت، ۱۳۸۰/۰۶/۰۳).

۲. برنامه‌ریزی

یکی از مهم‌ترین وظایف رهبر تشکیلات این است که نسبت به سیر فعالیت تشکیلات، نظارت کامل داشته و برای همه بخش‌های آن برنامه ویژه و کارآمد داشته باشد. برنامه‌ریزی در کار تشکیلاتی از اهمیت بسیار والایی برخوردار است و فواید بسیاری دارد... (حسن پور، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

اهمیت برنامه‌ریزی به اندازه‌ای است که پیشوایان دینی ما نیز بسیار به آن سفارش کرده و موقّقت در کارها را منوط به آن می‌دانند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: بقای مناصب و دولت‌ها مربوط به برنامه‌ریزی و چاره‌اندیشی در امور است (آمدی، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۴۶۳).

۳. غافل نشدن از دشمن

دشمن همیشه در کمین بوده و در حال طرّاحی برای نفوذ و ایجاد مانع در راه تحقّق اهداف و آرمان‌های الهی جامعه اسلامی است. شناخت دشمن و تاکتیک‌های عملیاتی آن به شکل هوشمند، این توانمندی را می‌دهد که به موقع بتواند، تحلیلی از وضعیت طرّاحی‌های دشمن داشته باشد و زمینه را برای اقدام صحیح و به‌هنگام فراهم آورد. در واقع دشمن‌شناسی شاخصه یک تشکّل انقلابی اسلامی است و آگاه‌سازی بدنه تشکّل از برنامه‌ها اقدامات دشمن برای کار تشکیلاتی انقلابی ضروری به نظر می‌رسد (حسن پور، ۱۳۹۶: ۱۱۰) دشمن را در دو بُعد

می‌توان شناسایی و بررسی کرد: ۱. دشمن درونی؛ ۲. دشمن بیرونی (پورفاضلی، ۱۳۹۶: ۶). بنابراین رهبر تشکیلات باید یک دشمن‌شناس قوی بوده و دشمن را هدف قرار داده و به اعضای تشکل نیز بشاساند.

۴. مراقبت در برابر آفت‌های تشکیلات

برای حرکت صحیح در مسیر یک هدف مشخص، یکی از مهم‌ترین کارهایی که باید انجام شود، آسیب‌شناسی و شناسایی آفت‌ها و موانعی است که حرکت مجموعه را دچار اختلال می‌کند. برخی از موانع و آسیب‌هایی که مانع حرکت تشکل در مسیر اصلی خودش می‌باشد عبارت است از: خود محوری، درون‌گرایی و فردگرایی (مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۳)، روحیه منفعت‌طلبی و راحت‌طلبی (زارعی، ۱۳۹۵: ۵۱)، احساس بی‌فایده‌گرایی اجتماعی و تشکلی، ضعف تحلیل و بینش اجتماعی، محافظه‌کاری (فخریان، بی‌تا: ۱۱۶) آفت‌های دیگری نیز در حرکت‌های جمعی و تشکل‌ها وجود دارد مثل تحجر، رکود و عدم تحرک، موازی‌کاری، کارهای سطحی، انشعاب اعضا و غیره.

تشکیلات، عامل زمینه‌ساز در تحقق ظهور

همان‌طور که در مباحث پیشین گفته شد، برای شناخت موانع ظهور باید ابتدا شرایط ظهور را بشناسیم و هرچه که سد راه این شرایط شده باشد به عنوان مانع ظهور معرفی می‌شود. برای تحقق ظهور، چهار شرط اصلی وجود دارد که در صورت عدم تحقق آنها ظهور حاصل نمی‌شود. ۱. رهبر؛ ۲. طرح و برنامه؛ ۳. یاران؛ ۴. آمادگی و پذیرش مردمی (یوسفیان، ۱۳۹۵: ۱۸).

قیام امام مهدی علیه السلام از سویی آسمانی و از سویی نیز انسانی و مربوط به جامعه بشری است؛ لذا برخی شرایط توسط خداوند باید محقق شود و برخی دیگر به وسیله انسان‌ها باید فراهم آید. با تأمل در شرایط ظهور روشن می‌شود دو شرط ابتدایی الهی بوده و از طرف خداوند موجود می‌شود و دو شرط دیگر مربوط به انسان‌هاست که باید برای آن تلاش کنند (همان: ۱۸).

ویژگی مهم یاران مهدی علیه السلام

صفات مختلفی در روایات برای یاران مهدی علیه السلام ذکر شده است مانند عبادت و صلابت، اطاعت کامل، شهادت‌طلبی، شجاعت و دلیری صبر و بردباری، اتحاد و همدلی و غیره. اما آنچه که بیش از همه آنها دارای اهمیت است اتحاد و همدلی می‌باشد؛ گواه بر این مدعا همان

توقیع حضرت حجت علیه السلام است که برای شیخ مفید رحمته الله علیه صادر شده و ما پیش از این به آن اشاره کردیم. در این توقیع شریف چنین آمده است و چنانچه شیعیان ما که خدا به طاعت خود موقّق شان بدارد، قلباً در وفای به عهدشان اجتماع می‌شدند نه تنها سعادت لقای ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد که سعادت مشاهده ما با شتاب به ایشان می‌رسید (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۹۹).

طبق این توقیع شریف مهم‌ترین عامل برای ظهور اجتماع بین شیعیان حضرت است. اگر همدلی اجتماعی در بین یاران حضرت محقق شود، یقیناً ظهور حاصل خواهد شد و این همدلی به وجود نمی‌آید مگر با کار تشکیلاتی و اجتماع شیعیان در ریز تشکّل‌هایی که همسو با آن هدف متعالی هستند.

اگر این ریز تشکّل‌ها را به وجود نیاوریم، هرگز شاهد ظهور نخواهیم بود. چراکه شرط تحقق ظهور وجود یارانی است که دارای همدلی و هماهنگی باشند و تا شرط ظهور محقق نشود، ظهور حاصل نمی‌گردد. همین ریز تشکّل‌ها هستند که در صورت رعایت اصول تشکیلاتی می‌توانند شرط چهارم را نیز محقق کنند.

در مباحث پیشین اشاره شد که مسؤولیت جذب افراد به تفکر شیعی در اقصی نقاط عالم، به عهده یاران ائمه بود؛ هم اکنون نیز افرادی که عهده‌دار به وجود آوردن ریز تشکّل‌هایی در جهت ظهور هستند. همان‌ها موظف اند که آمادگی و پذیرش عمومی را نیز به وجود آورند. سنت الهی بر این قرار گرفته است که تا مردم نخواهند و حرکت نکنند و آماده مبارزه با ظلم و پذیرش دولت حق نباشند خدا نیز آن را نخواهد داد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛

خدا چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند.

وظیفه شیعیان در عصر کنونی

در عصر کنونی که ما زیر چتر نظامی زندگی می‌کنیم که داعیه دار زمینه‌سازی برای آن حکومت عظیم اسلامی است وظیفه ما نیز در جهت آماده‌سازی برای ظهور بیشتر می‌شود؛ در دنیای امروز همه شیعیان به ویژه خواص مثل حوزه‌های علمیه، مسؤولین دولتی حکومتی و دانشگاه‌ها موظف هستند در این جهت تلاش کنند. تا زمانی که خواص دست به کار نشوند هیچ تغییری انجام نخواهد شد؛ تا زمانی که نظام حاکم بر دانشگاه‌ها همان نظام غرب است

که زمان پهلوی وارد ایران شد و تا زمانی که علمای اسلام در دعوی موافقت یا مخالفت با فلسفه و... باشند و مسؤولین انقلاب تقوای کافی را نداشته باشند، گویا همه در خواب عمیقی فرو رفته‌اند و امام را در پس پرده غیبت معطل هوای نفس خود نگه داشته و برای ظهور، قدم از قدم بر نمی‌دارند.

بدون شک اگر حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و حتی عوام در جهت منویات رهبری قدم برندارند مطمئناً با لگد دشمن بیدار خواهند شد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ اِنتَبَهَ بِوِظَاةِ عَدُوِّهِ (آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۱، ۶۳۰)؛
کسی که به هنگام یاری ولی خود بخوابد با لگد دشمن بیدار خواهد شد.

پس نتیجه می‌گیریم که اکنون هر مجموعه‌ای در کشور باید به فکر ایجاد ریز تشکل‌هایی باشد که در جهت تحقق ظهور تلاش کرده و این تفکر ناب شیعی را به همه مظلومان برساند و به آنان بگوید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵)؛

و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین نعمت دهیم و آنان را پیشوایان و وارثان گردانیم.

نتیجه‌گیری

در عصر کنونی بزرگ‌ترین معضل بشر، محرومیت از امامی است که تشکیلات عظیم شیعی را به صورت ظاهری به راه انداخته و از نیروها و استعداد مردم جهان به بهترین نحو استفاده کرده و در زیر سایه تعلیمات اسلام، عدالت را برقرار کرده و جهان را از ظلم پاک کند. اما ظهور این امام و تشکیل این حکومت عظیم و دولت کریمه جز در سایه تشکیلاتی زندگی کردن محقق نمی‌گردد. پس شیعیان و منتظران آن حضرت موظف هستند تا تشکل‌هایی به وجود آورند تا در جهت تشکیل آن حکومت جهانی تلاش کرده و زمینه را برای آمدن امام معصوم فراهم کنند. با این‌که در این نوشتار به طور مبسوط به تعریف و پیشینه و آینده تشکیلات و تأثیر حتمی آن در ظهور پرداختیم، اما زمینه این امر فراهم است که پژوهشگران دیگر به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته تا عوام و خواص هرچه بیشتر به وظیفه خود در ایجاد و اداره اصولی تشکیلات پی ببرند.

با آن که پی بردیم اصلی‌ترین علت تأخیر ظهور عدم تشکیلاتی بودن است، حتی لحظه‌ای تعلل برای منتظران جایز نیست به راستی اگر ایجاد این تشکیلات را به تأخیر اندازیم چه کسی می‌تواند این ضرر را جبران کند؟

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

— ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمة*، مترجم / مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية.

— آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، محقق / مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب اسلامی، دوم.

— پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، *نهج الفصاحه*، ترجمه: محمدرضا طالبیان، قم: عصر ظهور، اول.

— پورسیدآقایی، سید مسعود (۱۳۹۰)، *تاریخ عصر غیبت*، قم: مؤسسه آینده روشن، دوم.

— پورفاضلی، امیر (۱۳۹۶)، *دشمن‌شناسی*، تهران: انقلاب اسلامی، هفتم.

— پیشوایی، مهدی (۱۳۹۵)، *تاریخ اسلام*، قم: نشر معارف، بیست و هشتم.

— پیشوایی، مهدی (۱۳۹۶)، *سیره پیشوایان*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، سی و نهم.

— جوادی آملی، عبدالله (بی‌تا)، *ولایت فقیه*، قم: نشر اسرا.

— حسن‌پور، مرتضی (۱۳۹۶)، *المراقبات در تشکیلات*، بی‌جا: مدیریت تولید محتوای معاونت تعلیم و تربیت سازان / بسیج دانشجویی، اول.

— خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی

سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) / مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (<https://farsi.khamenei.ir>).

— زارعی، محمود (۱۳۹۵)، *کار باید تشکیلاتی باشد*، قم: نشر شهید کاظمی، یازدهم.

— سلیمیان، خدامراد (۱۳۸۶)، *درس‌نامه مهدویت*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، اول.

— صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۷)، *منتخب‌الأثر*، قم: عطر عترت، دوم.

- صهبا (۱۳۹۵)، *انسان ۲۵۰ ساله*، قم: مؤسسه ایمان جهادی، شصت و یکم.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۳)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی رحمته الله علیه، صد و بیست و هشتم.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الأحتجاج علی اهل اللجاج*، محقق: محمدباقر خرسان، مشهد: نشر مرتضی، اول.
- عرب اسدی، حسین (بی تا)، *مروری بر آیات تشکیلاتی قرآن کریم*، بی جا: پایگاه مضماری.
- فخریان، اسماعیل (بی تا)، *چگونه تشکیلات کارآمد بسازیم*، بی جا: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹)، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، مصحح: هدایت الله مسترحمی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مرکز فرهنگی و تبلیغی آینده‌سازان (۱۳۹۱)، *قالب تشکل و تشکل غالب (درسنامه تشکل اسلامی)*، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر رحمته الله علیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
- الهی نژاد، حسین؛ افتخاری اکمل، احمد (۱۴۰۱)، «ظرفیت شناسی تشکیلات اسلامی در جهش جریان حق و زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه پژوهش‌های مهدوی*، پیاپی ۴۳.
- یوسفیان، مهدی (۱۳۹۵)، *شرایط ظهور*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود رحمته الله علیه.



Strategies for Countering Cultural Arrogance from the Perspective of the Imams of the Islamic Revolution

Elham Emamifar¹

Abstract

Arrogance is a kind of domination by a limited minority of oppressive and self-interested individuals over large masses of people, which has several types, one of which is cultural arrogance, which destroyed the identity and culture of humanity and targeted the spiritual capital within humanity. Therefore, understanding the strategies for countering it from the perspective of society's leaders is of great importance. This research, using a descriptive-analytical method and examining the views of the Imams of the Revolution, aims to express the strategies for countering cultural arrogance from the perspective of the Imams of the Islamic Revolution. The findings show that after the Islamic Revolution and the trans-regional reading of Imam Khomeini (may God have mercy on him) and after him, under the leadership of Imam Khamenei (may God protect him), the happiness of all humans became the ideal of the Islamic Republic. Therefore, with constructive strategies from the Imams of the Islamic Revolution, it was possible to confront cultural arrogance and protect the identity and culture of nations.

Keywords: Counteraction strategies, cultural arrogance, Imams of the Islamic Revolution, culture, identity, global arrogance.

1. PhD student in Islamic History, Culture and Civilization, Islamic Education University, Qom, Iran(alhamamamyfr800@gmail.com)

راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی از منظر امامین انقلاب اسلامی

الهام امامی فر^۱

چکیده

استکبار، وجود نوعی سلطه‌گری، توسط اقلیت محدودی از افراد زورگو و منفعت طلب بر توده‌های عظیمی از مردم است که انواعی دارد که یک نوع از آن استکبار فرهنگی است که هویت و فرهنگ بشریت را به نابودی کشاند و سرمایه‌های معنوی درون بشریت را مورد هدف قرارداد لذا شناخت راهبردهای مقابله با آن از منظر رهبران جامعه اهمیت به سزایی دارد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی نظرات امامین انقلاب بر آن است تا راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی را از منظر امامین انقلاب اسلامی را بیان نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که پس از انقلاب اسلامی و خوانش فرامنطقه‌ای امام خمینی علیه السلام و پس از ایشان با سکانداری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سعادت تمام انسان‌ها آرمان جمهوری اسلامی قرا گرفت. بنابراین با راهبردهای سازنده از طرف امامین انقلاب اسلامی توانسته شد با استکبار فرهنگی مقابله صورت گیرد و از هویت و فرهنگ ملت‌ها صیانت به عمل آید.

واژگان کلیدی

راهبردهای مقابله، استکبار فرهنگی، امامین انقلاب اسلامی، فرهنگ، هویت، استکبار جهانی.

مقدمه

استکبار یکی از مفاهیم مهم در اندیشه اسلامی است، به طوری که خداوند در بسیاری از آیات قرآن کریم ضمن مذمت این صفت دستور مبارزه با آن را به مسلمانان می‌دهد معصومین نیز در روایات اسلامی ضمن معرفی استکبار به عنوان یک صفت مذموم خود با مستکبرین مبارزه کرده و پیروان را نیز به این امر توصیه کرده‌اند. لذا وقتی حرف از استکبار به میان می‌آید کشورهای در ذهن تداعی می‌شود که با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیرصنعتی در

۱. دانشجوی دکتری مدرسی تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران
(alhamamamyfr800@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خودشان به فکر تسلط بر منابع آن کشورها افتادند. آنها از ضعف و جاه‌طلبی حاکمان کشورهای فقیر استفاده کردند و به استثمار آن کشورها دست زدند و آنها را به استضعاف کشاندند و با اسم پیشرفت، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت‌ها را به نابودی کشاندند این عصر چپاول استکبار جهانی هرروز به صورت جدیدی تغییر شکل می‌دهد که یکی از این نوع استکبار، که برای چپاول ملت‌ها وارد میدان شد، «استکبار فرهنگی» بود، این استکبار زمانی شروع شد که ملت‌های که زیر فشار ستم مستکبران برای نجات از استکبار، به سوی فرهنگ و هویت خودشان روی آوردند، در این زمان بود که استکبار جهانی بامعنای جدید خودش (توسعه قدرت) وارد عرصه شد. لذا با توجه به تحولات جهانی و سرعت آن، اگر ما بخواهیم در این تحولات جهانی ایفای نقش بکنیم باید استقلال فرهنگی داشته باشیم و فرهنگ ما در برابر دیگر فرهنگ‌ها تاب‌آوری داشته باشد استقلال فرهنگی به معنای دور شدن از فرهنگ بیگانه و غربی و روی آوردن به فرهنگ اسلامی است. در سخنان امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، بر عدم وابستگی فرهنگی و استقلال، تأکید بسیار شده است. ایشان اصلاح فرهنگ و نجات جوانان از وابستگی به غرب را رأس همه اصلاحات دانسته و معتقد است ملت‌ها تا وقتی که به خودباوری نرسند و از وابستگی فکری و فرهنگی نجات پیدا نکنند، نمی‌توانند به استقلال برسند بر همین اساس شناخت راهبردهای مقابله با این نوع استکبار از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است که این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی در راستای تاب‌آوری مقابله با فرهنگ‌های معارض به‌ویژه فرهنگ لیبرال غرب به راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی از منظر امامین انقلاب اسلامی بپردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد پس از انقلاب اسلامی و خوانش فرا منطقه‌ای امام خمینی رحمته‌الله‌علیه سعادت تمام انسان‌ها، آرمان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، و بنابر اصل قانون اساسی مبارزه و مقاومت هر ملتی در سرتاسر جهان مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی صورت گرفت و سپس توسط امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) این سکانداری ادامه یافت بنابراین با راهبردهای سازنده از طرف امامین انقلاب اسلامی توانسته شد با استکبار فرهنگی مقابله صورت بگیرد.

مطالعات انجام شده در این زمینه از مقالاتی همچون «تبیین عینی مفهوم استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه در بررسی رابطه ایران و آمریکا» نوشته‌ی جلیل دارا و محمود بابایی است که این اثر به تبیین مفهوم استکبار از منظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه پرداخته است، و

مقاله‌ای همچون «جنگ فرهنگی استکبار» نوشته‌ی حاجی صادقی به چگونگی پیشبرد اهداف استکبار با روش‌های مختلف از جمله کاربرد ابزار سخت یا نرم توجه نموده است، مقاله‌ی «راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه» نوشته‌ی علی اکبر جعفری، سید محمدجواد قربی راهبردهای مقابله با استکبار را در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه بیان کرده است، مقاله‌ی «تبیین مفهوم استکبار و ویژگی‌های فرهنگ مستکبرین در قرآن و روایات» نوشته‌ی افشین سلیمی وردنجانی - یحیی فوزی به تبیین مفهوم استکبار در قرآن و روایات پرداخته است. اما هیچ یک از مقالات فوق به مسئله این تحقیق یعنی «راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی از منظر امامین انقلاب اسلامی» به طور کامل نپرداخته است.

مفهوم‌شناسی

راهبرد

راهبرد از جمله مفاهیمی است که تعاریف مختلفی برای آن ارائه شده است، مهم‌ترین تعریفی که می‌توان گفت: «به معنی تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آنهاست. به بیان دیگر راهبرد طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلندمدت مشخص طراحی و تبیین می‌شود».

آقای مینتزرگ در کتاب *جنگل استراتژی* پنج دسته‌بندی برای تعاریف راهبرد ذکر کرده است که:

۱. **راهبرد به عنوان برنامه:** نوعی فعالیت آگاهانه که برای مقابله با وضعیت یا رخدادی خاص در آینده، پیش‌بینی می‌شود. مانند یک مهندس که از روی نقشه آماده شده ساختمان را می‌سازد. این دیدگاه رایج‌ترین دیدگاه در مورد راهبرد است؛

۲. **راهبرد به عنوان الگو:** الگویی که شما از گذشته به دست می‌آورید (تأکید بر موفقیت‌ها و عدم تکرار شکست‌ها) مانند ترویج ارزش‌ها و رفتارهای بسیجیان در طول دفاع مقدس و سعی در نهادینه‌سازی آن برای نسل جوان و نسل‌های آینده؛

۳. **راهبرد به عنوان ترفند:** بلوف زدن و یا مانوری زیرکانه در مقابل رقبا به طوری که تصور و جرأت رقابت با شما را نداشته باشند. مانند فیلم‌های هالیوودی که در آن قدرت نظامی و جاسوسی آمریکا بزرگ‌نمایی می‌شود؛

۴. راهبرد به عنوان جایگاه: جایگاهی است که سازمان در محیط و بازار به طور انحصاری به دست می‌آورد؛

۵. راهبرد به عنوان یک نگرش: تمرکز اصلی به درون سازمان و منابع آن و تأکید به نقاط قوت و ضعف و سعی در رسیدن به آرمان‌ها با استفاده از توان داخلی. این راهبرد هنگامی استفاده می‌شود که سازمان توان و ابزار تعامل با محیط را در اختیار ندارد و یا از سوی محیط در مورد تحریم واقع شده است (منیتزبرگ و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۶).

استکبار فرهنگی

کلمه استکبار از مصدر باب استفعال و از ریشه‌ی اکبر به معنای بزرگی و عظمت است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۳۶۱). استکبار نیز از نظر راغب در مفردات هم معنی و مترادف با کبر و تکبر به معنای اعظم و بزرگی دانسته شده و به عقیده او حالتی که ناشی از خودبرتربینی در انسان ظاهر می‌شود همان استکبار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۹۷). علاوه بر اینها طبرسی نیز در تفسیر مجمع‌البیان در ذیل آیه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴). استکبار را به مفهوم بزرگ پنداشتن و خودبزرگ بینی معنا کرده و معتقد است استکبار نیز از همین ماده و به معنای تکبر ورزیدن است (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۴).

در اصطلاح علوم اسلامی استکبار همواره با واژه‌هایی نظیر ظلم و طاغوت همراه بوده است. استکبار فرهنگی از دیدگاه فرهنگ اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری، بهره‌کشی فرهنگی توسط اقلیت محدودی از افراد زورگو و منفعت‌طلب بر توده‌های عظیمی از مردم است که می‌تواند هم داخلی باشد و هم بین‌المللی و به این طریق هویت و فرهنگ بشریت را به سوی نابودی بکشاند، این نوع استکبار توسط یک کشور استعمارگر بر سایر کشورهای مستضعف صورت می‌گیرد (منوچهری، بی تا: ۲۳).

استکبار در روایات معصومین علیهم‌السلام

با توجه به گستردگی حجم منابع روایی و حدیثی در این باب صرفاً به چند روایت بسنده می‌کنیم؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

إِيَّاكُمْ وَ-الْكِبْرَ فَإِنَّ إِبْلِيسَ حَمَلَهُ الْكِبْرَ عَلَى تَرْكِ السُّجُودِ لِآدَمَ فَلَعَنَهُ اللَّهُ وَ أَبْغَدَه (دیلمی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱، ۱۲۹)؛

از تکبر بپرهیزید که ابلیس به خاطر تکبر از سجده کردن بر آدم خودداری کرد و برای همیشه مطرود درگاه الهی شد.

در کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده که هر کس با مردم تکبر کند خوار می‌گردد. همچنین به مالک اشتر توصیه می‌کند که از تکبر به این علت که نتیجه‌ی آن خواری و زبونی است اجتناب کند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۷: ۴۹۸).

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام در باب استکبار آمده است: *الكِبْرُ أَنْ تَغْمِضَ النَّاسَ وَتَسْفَهُ الْحَقَّ*؛ تکبر آن است که مردم را تحقیر کنی و حق را خوار شماری (کلینی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۱۴) و چندین روایت دیگر در این باب که مجالی به پرداختن همه‌ی آنها نیست.

استکبار فرهنگی نوعی از استکبار جهانی

وقتی حرف از استکبار به میان می‌آید کشورهای در ذهن تداعی می‌شود که با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیرصنعتی در آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خودشان به فکر تسلط بر منابع آن کشورها افتادند. آنها از ضعف و جاه‌طلبی حاکمان کشورهای فقیر استفاده کردند و به استثمار آن کشورها دست زدند و آنها را به استضعاف کشاندند و با اسم پیشرفت، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت‌ها را به نابودی کشاندند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرمودند:

در این صدسال اخیر که پای کشورهای بزرگ جهانخوار بر کشورهای اسلامی کوچک باز شد، حاکمان کشورهای اسلامی در فکر ملت‌شان نبودند، اگر کاری کردند برای منافع خود و مرفهین جامعه کردند، آنها همراه با استکبار جهانی دست به چپاول کشور زده بودند) موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ۴۴۸).

در این عصر چپاول استکبار جهانی هرروز به صورت جدیدی تغییر شکل می‌دهد که یکی از این نوع استکبار، که برای چپاول ملت‌ها وارد میدان شد، «استکبار فرهنگی» بود، این استکبار زمانی شروع شد که ملت‌های که زیر فشار ستم مستکبران برای نجات از استکبار، به سوی فرهنگ و هویت خودشان روی آوردند، در این زمان بود که استکبار جهانی بامعنای جدید خودش (توسعه قدرت) وارد عرصه شد. او برای ادامه‌ی خود مکتب‌هایی را ایجاد و به جامعه عرضه کرد تا مردم را از درون خالی کند؛ انسان خالی شده از آرمان‌هایش خود را به راحتی گم می‌کند و از منشأ خود فاصله می‌گیرد و با دور افتادن از حقیقت خویش، در باطل غرق می‌شود. در واقع استکبار در این دوره، برای تداوم حیات خودش صورتی از نظام فکری و ارزشی بر انسان تحمیل می‌کند، در این نوع استکبار تسلط بر منابع مادی اعم از خاک و آب مورد هدف نیست،

بلکه تسلط منابع و سرمایه‌های معنوی درون بشریت مورد هدف قرار می‌گیرد، و با برنامه‌ریزی خاص و تزریق فرهنگ خودش سبب وابستگی فرهنگی می‌شود، این استکبار برای این که به هدف خودش برسد، در هر جامعه‌ای، نخبگان و فرهیختگان برجسته‌اش را کنار می‌زند تا به این وسیله بتواند فرهنگش و پرورش‌یافتگان فرهنگ خودش را بر جامعه مسلط کند.

دیدگاه امامین انقلاب اسلامی در مورد استکبار فرهنگی

امام خمینی رحمته‌الله علیه هویت و فرهنگ را نیاز اساس یک جامعه می‌داند و معتقد است قدرت‌های استکباری با وابسته نمودن فرهنگ کشورها تلاش دارند تا آن‌ها را به خود نیازمند سازند. لذا ایشان در این مورد فرمودند:

وابستگی فرهنگی که بزرگ‌ترین وابستگی و سرچشمه همه وابستگی‌هاست را بر مردم تحمیل می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۰، ۷۹).

ایشان نیز در وصیت‌نامه‌ی سیاسی - الهی خود نسبت به نقش نفوذ استکبار این‌گونه بیان کردند که:

از جمله نقشه‌ها که مع‌الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به‌جامانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است؛ به طوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! غم‌انگیزتر این که آنان ملت‌های ستم‌دیده‌ی زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفت‌های خود و قدرت‌های شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و چشم‌وگوش بسته مطیع فرمان هستیم (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ج ۲۱، ۴۱۴-۴۱۵).

به اعتقاد ایشان از شیوه‌های نفوذ استکبار، از درون تهی کردن ملت‌هاست، لذا خطر وابستگی فرهنگی و فکری را مهلک‌تر از انواع وابستگی‌ها می‌دانستند و معتقد بودند تا در یک ملت، استقلال فکری و فرهنگی حاصل نشود بقیه‌ی انواع استقلال نیز حاصل نخواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۷۹-۸۱).

در ادامه‌ی همین مطلب مقام معظم رهبری نیز در مورد استکبار فرهنگی فرمودند:

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه اولین کاری که سلطه‌گران انجام می‌دهند و از قدیم مرسوم بوده است این است که فرهنگ این کشورها را زبان، ارزش، سنت و ایمان‌شان را با تحقیر، با فشار و بازو و در موقعی به زور و شمشیر و در آوردن چشم، که در تاریخ مواردی از آن را داریم که اجازه ندادند مردم به زبان خودشان تکلم کنند برای

این که زبان وارداتی را قبول کنند وقتی انگلیسی‌ها به شبه‌قاره‌ی هند آمدند زبان فارسی که زبان رایج آنان بود نگذاشتند پابرجا بماند و با گلوله و فشار گفتند که فارسی حرف بزنند، فارسی را منسوخ کردند، انگلیسی را به جایش آوردند در دوره‌ی حکومت سپاه پهلوی هم با باورهای مذهبی و عمومی و نیروبخش به جامعه، ایمان و اعتقادات، را از مردم به تدریج بیرون کشاندند و غیرت‌زدایی و ایمان‌زدایی کردند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱).

همچنین ایشان در سخنرانی دیگرشان در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان به موضوع فرهنگ و تهاجم فرهنگی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

تهاجم فرهنگی بزرگ‌تر این است که اینها (غربی‌ها) در طول مهر و موم‌های متمدنی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی، باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الآن شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، علم فیزیک و ریاضی و غیره یک نظریه داشته باشید، چنان‌که برخلاف نظریات رایج نوشته شده دنیا باشد، عده‌ای می‌ایستند و می‌گویند حرف شما در اقتصاد مخالف با نظریه فلانی است (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۸۳/۰۴/۱۷).

راهبردهای مقابله با استکبار فرهنگی از منظر امامین انقلاب اسلامی

برای این که از این سلطه فرهنگی خارج بشیم و نجات یابیم امامین انقلاب اسلامی راهبردهای را ارائه دادند که ما در این جا به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. بیدار ساختن ملت و پرهیز از غفلت فرهنگی

یکی از زمینه‌های زیر سلطه گرفتن ملت‌ها و علی‌الخصوص مسلمین عدم آگاهی و غفلت آنان است چراکه معمولاً دشمنان درصدد هستند تا مردم را در بی‌خبری غفلت و ناآگاهی نگه دارند از این رو امام علیه‌السلام و مقام معظم رهبری همواره بر لزوم آگاهی و بیداری ملت‌ها تأکید داشتند تا دشمنان نتوانند در زمینه استکبار فرهنگی برنامه‌های خودشان را به اجرا درآورند، امام بارها به شیوه‌ی دشمنان برای عقب‌ماندگی فرهنگی ملت اشاره داشتند و می‌فرمودند: در تمام جوانب ترقی ملت ما کارهایی کرده است و نگه داشته که ملت ما رو به ترقی رود، نگذاشته فرهنگ ما فرهنگ مترقی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۷۴).

همچنین امام علیه‌السلام فرمودند:

فرهنگ را مأمورند که عقب نگه‌دارند نگذارند انسان پیدا شود نگذارند یک آدم‌های تحصیل کرده صحیح مستقل ایجاد بشود که مستقل فکر کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۴، ۳۰۸).

رهبر معظم انقلاب نیز در این زمینه به روشن بینی ملت‌ها و پرهیز از غفلت فرهنگی تأکید داشته و می‌فرماید:

یکی از آسیب‌پذیری‌های دشمن، روشن بینی شماست. شما که روشن بین باشید، او آسیب می‌بیند. سعی کنید روشن بینی خودتان را افزایش بدهید. دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند. تسلط بر مغزها برای دشمن خیلی باارزش‌تر از تسلط بر سرزمین‌هاست. اگر مغز یک ملتی را توانستند تصرف کنند، آن ملت سرزمین خودش را دودستی به دشمن تقدیم می‌کند. مغزها را باید حفظ کرد؛ تسلط بر مغزها. یک عده‌ای خودشان دروغ نگفتند، اما متأسفانه دروغ دشمن را تأیید کردند. مراقب باشید این خطرها برای شما و برای مردمتان پیش نیاید؛ به مردم‌تان کمک کنید (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۹/۵).

۲. حفظ هویت و فرهنگ اسلامی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای حفظ و تداوم آرمانه‌ای انقلاب در مقابله با استکبار فرهنگی حفظ فرهنگ و هویت اسلامی است بنابر همین دلیل امام خمینی رحمته‌الله علیه تأکید ویژه‌ای بر حفظ هویت انسانی و اسلامی داشت و می‌فرمود:

کوشش کردند که شخصیت ما را از ما بگیرند به جای شخصیت ایرانی - اسلامی، یک شخصیت وابسته‌ی اروپایی، شرقی، غربی، به جایش بگذارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۴، ۱۳).

ایشان همچنین فرمودند:

به جای یک موجود شرقی اسلامی، یک موجود غربی بر ما تحمیل شده که خودمان را گم کردیم، به جای مغز شرقی مغز غربی نشسته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۹، ۲۵).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه به حفظ هویت انسانی و فرهنگ اسلامی اشاره دارند و می‌فرمایند:

اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر اینها را رعایت نکنیم، این درست خواهد شد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰).

۳. ایجاد فرهنگ مقاومت و استقامت در برابر تسلیم

یکی از عوامل مهم و ارزشمند مقابله با استکبار فرهنگی داشتن روحیه‌ی پایداری و فرهنگ

مقاومت است که امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه معتقد بود که استکبار جهانی برای پیشبرد اهداف شان درصدد کاهش سطح مقاومت و روحیه‌ی پایداری و ایستادگی ملت‌هاست و از این رو ایشان ملت را به استقامت تشویق می‌کردند و می‌فرمودند:

شما ملت شجاع و ثابت‌قدم به ملت‌های مظلوم ثابت‌کردید که با فداکاری و استقامت می‌توان بر مشکلات هر چه باشد غلبه کرد و به مقصد هر چه دشوار باشد رسید (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ۲۳۷).

و نیز در ادامه فرمودند:

این ملتی که الآن در مقابل ظلم ایستاده و در مقابل قلدری‌ها و آنها با توپ و تانک و او را مشت دارد مقاومت می‌کند و کنار نمی‌رود، این ملت شکست نمی‌خورد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ۱۲۶).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه به داشتن روحیه‌ی مقاومت تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

باید بچه‌ها ارزش مقاوم بودن را بفهمند؛ یعنی این که اجزای یک ملت، اجزای مقاومی هستند. مقاوم یعنی چه؟ یعنی در مقابل باج‌گیری عقب‌نشینی نمی‌کنند، در مقابل حمله به خودشان نمی‌لرزند، در مقابل زورگویی کوتاه نمی‌آیند؛ مقاوم یعنی این. اکسیر علاج مشکلات کشور این است: احساس مقاومت، روحیه‌ی مقاومت. دنیا، دنیای زورگویی است؛ همه زور می‌گویند، هر که بتواند زور بگوید زور می‌گوید؛ بزرگ و کوچک هم ندارد، شرق و غرب هم ندارد؛ باید یک ملت بتواند در مقابل زورگویی‌ها مقاومت بکند؛ این را باید از بچگی یاد بگیریم، این از نوجوانی باید در ما نهادینه بشود. یا ارزش برخورداری از اعتماد به نفس؛ اینها چیزهایی است که لازم است و باید انجام بگیرد. با اینها آن وقت آن نسل سازنده‌ی تمدن به وجود می‌آید؛ نسلی که می‌تواند ملت را عزتمند کند، کشور را عزتمند کند، به وجود می‌آید (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۲/۲۱).

۴. مهندسی فرهنگی در مقابل وابستگی فرهنگی

اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته به فرهنگ بیگانه باشد، دیگر ابعاد آن جامعه به اجانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد لذا امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه معتقد بود که وابستگی فکری و فرهنگی امری خطرناک و برنامه‌ریزی شده است و در این مورد فرموده‌اند:

استقلال فکری را از ما گرفتند، ما در فکر و اندیشه و روح وابسته شدیم... وابسته‌ی روحی انسانی است که بسیار مشکل است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ۲۴۱).

در ادامه فرمودند:

اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند، نجات ملت در فرهنگ و در دانشگاه‌ها باید مطرح شود مادامی که پیوستگی مغزی داریم به خارج و اجانب هیچ یک از گرفتاری‌های که شمرده‌اید نمی‌توانیم از زیرش فرار کنیم، رأس همه‌ی اصطلاحات اصطلاح فرهنگ است و نجات جوان‌های ما از این وابستگی به غرب. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست و وابستگی اجتماعی هم هست همه‌ی اینها هست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۲۵۶ و ۳۵۷).

رهبر معظم انقلاب با تأکید بر شعار «مهندسی فرهنگی» در راستای تحقق انقلاب فرهنگی آن را سرلوحه‌ی کار متولیان فرهنگ کشور قرار داده‌اند و مبتنی بر همین اساس فرموده‌اند: البته مسلم است برای مهندسی فرهنگی یک جامعه در رتبه‌ی قبل باید فرهنگ آن را مهندسی کرد. در حقیقت تا زمانی که فرهنگ انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه متعالی و در جهت هدف، سازمان‌دهی و مدیریت نشود و «مهندس فرهنگ» کشور براساس ارزش‌های دینی و ملی تحقق نیابد، سخن گفتن از مهندسی فرهنگی چنان صواب به نظر نمی‌رسد برای مهندسی فرهنگ کشور باید فرهنگ مهندسی شده‌ی که براساس آن کشور مهندسی شود معین گردد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۶).

ایشان در راستای این مطلب به مهندسی فرهنگی در نظام آموزشی که جز مهم‌ترین نظام‌ها در بحث فرهنگی است اشاره کردند و فرمودند:

مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازننگری و برنامه‌ریزی جدید طی مدت‌زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برسد (حسینی خامنه‌ای: ۱۳۹۳/۷/۲۱).

و چندین راهبردهای دیگر که مجال پرداختن به همه‌ی اینها در این جا وجود ندارد ولی با توجه به اهم بودن موضوع استکبار فرهنگی که در خوانش انقلاب اسلامی و امامین آن وجود دارد باید به آنها توجه ویژه‌ای داشت.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده این واقعیت را تأکید می‌کند که استکبار فرهنگی یکی از شکل‌های دیگر استکبار جهانی است که هویت، تاریخ و فرهنگ بشریت را به نابودی کشانده است در این

نوع استکبار تسلط بر منابع مادی اعم از خاک و آب مورد هدف نیست بلکه تسلط بر منابع و سرمایه‌های معنوی درون بشریت مورد هدف قرار گرفته است اما پس از انقلاب اسلامی و خوانش فرمانطقه‌ای امام خمینی رحمته‌الله علیه و سپس از ایشان با سکانداری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سعادت تمام انسان‌ها آرمان جمهوری اسلامی قرار گرفت و با راهبردهای سازنده از طرف امامین انقلاب اسلامی توانسته شد با این استکبار فرهنگی مقابله صورت گیرد و از هویت و فرهنگ ملت‌ها صیانت به عمل آید.

لذا پیشنهاد می‌شود برای درک و آگاهی و مقابله بهتر با این نوع استکبار راهبردهای ارائه شده از طرف امامین انقلاب بهتر و بیشتر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱)، «بیانات رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان»، ۱۳۸۱/۹/۷.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳)، «بیانات رهبری در دیدار دانشجویان و اساتید»، ۱۳۸۳/۴/۱۷.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، «بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم»، ۱۳۹۳/۷/۲۱.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱)، «بیانات رهبری در دیدار بسیجیان»، ۱۴۰۱/۹/۵.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱)، «بیانات رهبری در دیدار معلمان»، ۱۴۰۱/۲۱/۲۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۷)، *کاخ تباهی ریخت‌شناسی خودکامگی در نهج‌البلاغه*، تهران: دریا.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم: الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارشامیه.
- طبرسی، ابوالفضل بن الحسن (۱۳۸۰)، *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه: علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *اصول کافی*، بیروت: دارالاضواء.
- منوچهری، محمد (بی‌تا)، *سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر.

- منیتزبرگ، هنری و دیگران (۱۳۸۴)، *جنگل استراتژی*، ترجمه: پور داریانی، تهران: نشر پردیس.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸)، *وصیت‌نامه سیاسی-الهی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه‌ی نور*، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.



Factors Contributing to the Deviation of the Anti-Oppression Discourse in the Era of Occultation (Ghaybah)

Dr. Razieh Aliakbari¹
Khadijeh Balanj²

Abstract

Preparing the grounds for the advent of Imam Mahdi (may God hasten his reappearance) requires the development of certain capacities at the societal level. Among the most effective means of such preparation is the promotion of an anti-oppression discourse and active resistance against injustice. However, in the era of Occultation (Ghaybah), due to the complexity and strength of various counteracting forces, this discourse has faced distortion and even the risk of being undermined. Studies indicate that these forces—deliberately and consciously supported by certain stimuli—have grown in influence, obscuring the constructive essence of Intizar (active, purposeful awaiting) behind the veil of superstition, misinterpretation, and distortion. This article, using a descriptive-analytical method, identifies and examines the major factors behind the deviation from the anti-oppression discourse during the Occultation. The findings reveal that elements such as colonial powers and capitalists, propaganda, weakening of religious faith, comfort-seeking attitudes, greed, and materialism play a central role in this deviation.

Keywords: Occultation (Ghaybah), Anti-oppression discourse, Ideological distortion, Colonial domination, Material attachment, Weak faith, Comfort-seeking, Greed

1. PhD in Islamic Theology, Assistant Professor, Farhangian University of Qom (Hazrat-e Masoumeh Campus), Department of Theology, Qom, Iran (Corresponding Author)(aliakbari@cfu.ac.ir)
2. Seminary Student, Level 2, Al-Zahra University, Qom, Iran(khadijehbalanj@gmail.com)

عوامل انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت

راضیه علی‌اکبری^۱

خدیجه بلنج^۲

چکیده

زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه احتیاج به ایجاد ظرفیت‌هایی در جهت آماده‌سازی جامعه دارد. مقابله با ظلم و ایجاد گفتمان ظلم‌ستیزی می‌تواند یکی از روش‌های زمینه‌سازی ظهور باشد؛ اما با توجه به غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه و پیچیدگی و قدرت عواملی که می‌توانند باعث انحراف و حتی نابودی این گفتمان شوند، این موضوعات همراه با برخی از محرک‌ها، تعمدی و آگاهانه رشد یافته و چهره‌سازنده انتظار را در پشت غبار خرافات و سوءفهم‌ها و تحریف‌ها پنهان کرده است. به این منظور در این مقاله به بررسی و شناسایی عوامل انحراف در گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت پرداخته شده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی و تحلیل عوامل انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی می‌پردازد. مطالعات به دست آمده حاکی از این است که عوامل بسیاری باعث ایجاد انحراف در گفتمان ظلم‌ستیزی می‌شوند که استعمارگران و سرمایه‌داران، پروپاگاندا، ضعف ایمان دینی، عافیت‌طلبی، حرص و طمع و دنیاپرستی، از جمله مهم‌ترین این موارد هستند.

واژگان کلیدی

غیبت، ظلم‌ستیزی، انحراف، استعمارگر، دنیاپرستی، ضعف ایمان، عافیت‌طلبی، حرص.

مقدمه

«ظلم‌ستیزی» سیره انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام است و مظلوم شدن و زیر بار ظلم رفتن برخلاف خواست خداست و سازش با ظالم، یکی از بزرگ‌ترین آثار جهنمی شدن است، قرآن ظلم و ستم را دارای آثار مخرب و هلاک‌کننده فراوانی می‌داند که دنیا و آخرت، روح و جسم ظالم و ستمگر

۱. عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (aliakbari@cfu.ac.ir).

۲. طلبه سطح دو جامعه الزهراء، قم، ایران (khadijehbalanj@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

را به ورطه نابودی و ذلت و بدبختی ابدی می‌کشاند و نیز روح و جسم مظلوم و ستم‌دیده را به عذاب و خواری دنیوی و ذلت و بدبختی ابدی می‌کشاند. از این رو اعتراض به ستمگرانی که مرتکب خلاف و جنایت می‌شوند لازم است. دلیل مبارزه انبیاء با اشراف و سرمایه‌داران زمان خود، ظلم آنان بوده است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه معتقد بود پیامبر و بزرگان دین در راه مبارزه با ظلم، صدماتی فراوان دیده‌اند و مبارزه با ظلم و دیکتاتوری دولت‌های ظالم، از مبانی اختصاص شیعه و از خصلت‌های ذاتی تشیع در طول تاریخ بوده است. چنانچه خداوند نیز سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که خودشان بخواهند. از این رو در مقاله حاضر به بررسی عوامل انحرافات موجود در گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌پردازیم و عواملی که این انحرافات را فراهم می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مهم‌ترین عوامل ذکر شده در منابع مربوطه شامل این موارد می‌شوند: عافیت‌طلبی، ضعف ایمان دینی، حرص و طمع و دنیاپرستی، ندادن احتمال اثر، روحیه سازش‌کاری مدهانه با اهل ظلم و ستم و ستمگران و جباران، حفظ آبرو، جبرگرایی، برداشت غلط از سایر ابعاد دینی چون صبر، توکل، حلم، انتظار فرج، جامعه‌گریزی و دوری از مردم و جامعه که باعث بی‌خبری می‌گردد، رفاه‌طلبی، راحت‌طلبی، سرمایه‌داران و استعمارگران که البته بررسی همه این عوامل در این مقاله امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین مهم‌ترین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ضرورت و اهمیت

در طول تاریخ بشر همواره، انسان‌هایی بوده‌اند که به فرماندهی شیطان بزرگ در راه باطل قدم می‌نهادند و برای رسیدن به اهداف باطل خود قدم برداشته و تلاش می‌کردند، مسلماً برای رسیدن به این اهداف پا روی حقوق انسان‌های دیگر می‌گذاشتند تا بتوانند به نتیجه دلخواه و موردپسند خود برسند و بقیه را با خود همراه و همگام کنند.

خداوند متعال به‌عنوان منشأ همه خیرات در جهان، با یاری‌رساندن به انسان‌های آزاده، رسولانی برگزید و فرستاد تا انسان را در رسیدن به سعادت و رستگاری راهنما باشند.

ابلیسیان برای شکست برگزیدگان و انسان‌های سعادت‌مند دست از تلاش برنمی‌دارند و همواره در حال مبارزه هستند و توانسته‌اند، برای تداوم و بقای حکومت خود در برحه‌هایی از زمان آنها را شکست دهند و انبیای الهی و اهل بیت علیهم‌السلام را از سر راه خود بردارند، و از آن‌جا که

انسان دارای دو بعد الهی و حیوانی است، کنش‌های فرد بنا به میزان درونی‌سازی اعتقادات و یا میزان نزدیک شدن به فطرت اصلی خود در جهت مثبت: (ظلم ستیزی) از جهت منفی: (از خود بیگانگی) در نوسان است، فقر اعتقادی، فرهنگی و اقتصادی سبب رفتار نادرست انسان در مقابل انسان‌های دیگر می‌شود که مهم‌ترین آنها برخورد ظالمانه و سلطه‌جویانه و برخورد مظلومانه و تحت سلطه است. عوامل مؤثر در انحراف گفتمان ظلم ستیزی با اخلاقیات و اعتقادات پیوسته است و نهادهای فرهنگی و عوامل حاکم بر جامعه در به وجود آمدن آن نقش بسیار مؤثری دارند. حکومت طاغوت، این لشکریان شیطان برای از بین بردن تفکر ظلم ستیزی از این عوامل حداکثر بهره را برده است؛ و جامعه اسلامی نیز با توجه به غیبت امام، از این عوامل غفلت کرده و آنها را به حال خود رها کرده است که ما به بررسی مواردی از آن می‌پردازیم.

در این زمینه آثاری نوشته شده از جمله: مقاله «احیای اندیشه ظلم ستیزی در تفکر سیاسی - دینی امام خمینی رحمته الله علیه» اثر محمدحسین جمشیدی که فقط از منظر امام خمینی رحمته الله علیه به مسئله ظلم ستیزی پرداخته است. مقاله «تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه» نوشته دکتر مرتضی قائمی ابوالفضل رحمتی که به تصویرسازی‌های ظلم، از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است. مقاله «بررسی علل سکوت در برابر ظلم»، تألیف سعیده ابوالحسن نژاد که با رویکرد سکوت در برابر ظلم به موضوع ظلم ستیزی پرداخته است. مقاله «رویکرد نهج البلاغه به ظلم و نفاق سیاسی به عنوان دو ضدارزش» کاری از حسن رضایی، و مقاله «ظلم و ظلم ستیزی»، به قلم سهراب مروتی که در هیچ‌کدام از آثار موجود عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی به صورت تفصیلی تبیین نشده است، ولی در پژوهش حاضر بدان پرداخته شده است.

عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی

مهم‌ترین عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی در عصر غیبت عبارت‌اند از:

حرص و طمع و دنیاپرستی

طمع به دنیا تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی را می‌میراند و سبک تملق‌گرایانه و چاپلوسی را احیا می‌سازد. وقتی انسان به دام حرص گرفتار می‌شود، قدرت «امر به معروف» و «ستیز و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی» و جرأت بر مقابله با کژی‌ها و ناروایی‌ها را از دست می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از علل انحراف گفتمان ظلم ستیزی در عصر غیبت «طمع» است. طمع به

دنیا، برای انسان کوچکی که روح ضعیف دارد، ایده‌آل و مطلوب است و برایش تلاش می‌کند و حاضر نیست آن را به آسانی از دست بدهد. یکی از گرفتاری‌های مردم در دوره غیبت، گرایش آنان به زرق و برق دنیاست. تعداد زیادی از مردم به جهت کوتاهی در انجام وظایف مربوط به دوره غیبت و دسیسه‌های پی در پی دشمنان، کم‌کم از ارزش‌های دینی و فضائل اخلاقی و انسانی دور و در مقابل در لذات مادی و زینت‌های دنیوی غرق می‌شوند و کارهایی که از دید تعالیم شریعت ممنوع دانسته شده است، مرتکب می‌شوند. در مقابل، پیروان حق، خوار و کوچک شمرده می‌شوند (نصر، ۱۳۴۹: شماره ۱۰).

حرص و طمع هر چه در انسان قوت بگیرد سبب تمایل بیشتر او به دنیا می‌شود. منشأ طمع، دنیاخواهی و سرانجام آن، دنیادوستی است و ریشه در افراط در لذت‌گرایی دارد و از جمله رذائلی است که تا لحظه مرگ دست از انسان بر نمی‌دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزند آدم پیر می‌شود، در حالی که دو چیز در او جوان می‌گردد: حرص و آرزوی دراز (کراچکی، ۱۳۹۰: ۲۵).

«حرص، از احتجاب فطرت و از جنود جهل و ابلیس است و خود آن شرّ و از لوازم شرّ است و منتهی به شرّ شود، و کمتر چیزی انسان را مثل آن به دنیا نزدیک کند، و از حق تعالی و تمسک به ذات مقدّسش دور و مهجور نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). وقتی انسان دنیاطلب باشد و قناعت و مناعت طبع نداشته باشد، برای به دست آوردن دنیا حریص می‌شود، وقتی حرص نسبت به چیزی زیاد شود، محبت به آن زیادتر می‌شود تا جایی که تمام قلب انسان را پر می‌کند، پس در قلبی که خانه دنیاست، خدا جایی نخواهد داشت و آن خیالی که به یاد خدا نباشد، پر از افکار و عقاید شیطانی است که منشأ بسیاری از گناهان است (جهانی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۲).

از علت‌هایی که باعث شد کوفیان در عین علاقه به امام حسین علیه السلام به جنگ با او رفتند، داشتن حرص و طمع به مال دنیا و پست و مقام بود. دنیاپرستی خطرناک‌ترین لغزش‌گاه خواص است که باید به شدت مراقب باشند که در آن سقوط نکنند. دنیاپرستی جلوه‌های بسیاری دارد؛ مانند خودپرستی، مال‌پرستی، ریاست‌طلبی و ملاحظات خویشاوندی و دوستی که مهم‌ترین آنهاست.

افراد حریص و طمع‌کار، نسبت به دنیا عجز و خواری بیشتری دارند و به خاطر خواهش‌ها و امیال نفسانی و به دست آوردن مال و جاه و مقام و ریاست، دست به هر کاری می‌زنند و به هر

خواری تن می دهند و در نتیجه به خاطر گرایش به دنیا، به پذیرش ظلم تن می دهند. از این روست که در آموزه های دینی انسان را از چشم داشت به آنچه که در دست دیگران است، توجه داده و نهی فرموده است. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن بیازمائیم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است (طه: ۱۳۱). زیرا گرایش به دنیا موجب گرایش به ظالم و پذیرش ظلم و ستم می شود «فكونوا عباد الله من القوم الذين يتفكرون، وَلَا تَرْكَبُوا إِلَىٰ الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»؛ و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه مکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید (هود: ۱۱۳).

با کمی دقت در تاریخ ظلم پذیری بشر، درمی یابیم که ریشه بسیاری از ظلم ها و ظلم پذیری های در دنیا طلبی و تعلقات آدمی نسبت به دنیا است؛ چرا که به همان اندازه که حرص و طمع انسان را خوار و ذلیل می کند، قناعت و بی نیازی از آنچه که در دست مردم است به انسان عزت می بخشد. رسول خدا ﷺ می فرماید:

هر کس می خواهد ثروتمندترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خداست، بیشتر از آنچه در دست دیگران است، اطمینان داشته باشد (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۳۹).

توجه به این مسئله و پرهیز از آن تا آن جا اهمیت دارد که یکی از اصول کفر شمرده شده است. چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْضُ وَالْاِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ، فَأَمَّا الْحِرْضُ فَإِنَّ آدَمَ عليه السلام حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۱۹)؛

ریشه های کفر سه چیز است: حرص، تکبر و حسد. اما حرص، همان است که آدم عليه السلام را هنگام نهی از درخت

از این رو طمع و دنیا پرستی تفکر ظلم ستیزی عدالت خواهی را می میراند و تفکر تملق گرایانه و چاپلوسی را احیا می سازد. وقتی انسان به دام حرص و طمع گرفتار می شود، دنیا در نظر او زیبا جلوه می کند، بنابراین تمام سرمایه های درونی و بیرونی خویش را در مسیر دست یابی به خواهش ها و امیال خود صرف می کند و در نتیجه حاضر نیست تعلقاتش دست بردارد و چون نمی تواند به طور طبیعی به همه آرزوهای خود دست یابد، برای به دست آوردن دنیا به

دیگران ظلم می‌کند و یا تن به ذلت می‌دهد و ستم را می‌پذیرد، پس نمی‌تواند خود و جامعه را برای ظهور منجی آماده کند و سبب انحراف می‌شود.

ضعف ایمان دینی

ضعف ایمان دینی، باعث انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی می‌شود و جامعه را به سمت ظلم و ستم می‌کشاند. ایمان گرایش قلبی، وابستگی فکری، اعتقادی و روانی به یک مطلب، شخص، قطب و مرکز است که باید طبق آن عمل کرد. مؤمن واقعی کسی است که به لوازم ایمان و تعهدات ایمان پایبند باشد. کسی که در مقابل تکلیف‌ها و تعهدها و مسئولیت‌ها، دست روی دست می‌گذارد به جای این‌که خود را مسئول بداند، معجزه‌خدایی را مسئول فرض می‌کند؛ باید بداند که قرآن این عمل را رد کرده، به صورت مشت محکمی بر دهان بنی‌اسرائیل می‌کوبد که به موسی گفتند:

﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ (مائده: ۲۴)؛

پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشستیم.

اگر برای از بین بردن و ریشه کن کردن فساد، اراده آدمی و نیروی آدمی به کار نمی‌آید، خدا انبیاء را بسیج نمی‌کرد، مردم را به پیروی از انبیاء دعوت نمی‌کرد. با کاهش قدرت اعتقادی افراد و سست شدن ایمان‌شان، توانایی ایستادگی در مقابل ظلم و ستم را از دست داده، به همین جهت از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی روی‌گردان می‌شوند. اگر بدعتی در اسلام واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب، موجب هتک اسلام و ضعف عقاید مسلمانان گردد، به هر وسیله‌ای که ممکن است، باید از آن جلوگیری به عمل آید.

بعضی افراد به علت ضعف ایمان، در دشواری‌های زندگی، یا تسلیم دشمن می‌شوند و فکر می‌کنند کاری از آنها بر نمی‌آید، تسلیم مسیر زندگی عادی می‌شوند و یا به زندگی خودشان خاتمه می‌دهند. اما برای انسان با خدا در میان بن‌بست‌ها دری باز می‌شود که درهای ذلت بار را به روی او می‌بندد و آن در، «توکل به خدا» است. قرآن خردمندان را به شیوه‌ای لطیف معرفی می‌کند. آنها عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از همه چیز و همه‌کس موردنظر داشته، خدا را در حال ایستاده و نشسته، به یک پهلوی افتاده در همه حال یاد می‌کنند؛ اما این به یاد خدا بودن به معنای یک حالت عرفانی خلسه‌آمیز درویش‌مآبانه که بعضی دل‌شان به آن خوش باشد نیست؛ ما نیز، همیشه به یاد خدائیم اما مهم به یاد خدا بودن فعال است که عملی محسوب

می‌شود. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» می‌اندیشند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین، در حال تفکر هستند. بعد از این که این تفکر و اندیشمندی را انجام می‌دهند، به زبان دل و زبان ظاهر می‌گویند: پروردگارا! «مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ» مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی که من این‌جا برای کاری هستم. اگر معتقد به خداست می‌گوید مرا برای کاری آوردند؛ اگر معتقد به خدا نیست، می‌گوید من به هر حال در این‌جا کاری دارم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری الهام‌بخش زندگی فردی و اجتماعی این است که خداوند کار بیهوده انجام نمی‌دهد؛ پس من مسئولیتی دارم و باید راهی را بییمایم. پندهای بیهوده ناشی از راحت‌طلبی ضد این را به ما تلقین می‌کند. وقتی که امام سجاد علیه السلام نیمه‌شب در مسجد مشغول عبادت کردن است در راه عبودیت و خضوع در مقابل خدا؛ اشک می‌ریزد، گریه می‌کند، مناجات می‌کند؛ آن‌گاه مرد ساده‌دلی می‌گوید: ای پسر پیغمبر! تو که فرزند پیغمبری چرا گریه می‌کنی؟ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «دع عنی حدیث ابی و امی و جدی» بینداز دور صحبت پدر و مادر و جد را که تو فرزند فلانی، الجنة للمطیعین، بهشت از آن فرمانبران است. این تز اسلامی و تزی شیعی در زمینه ایمان و عمل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۷۷-۱۰۷).

موارد دیگری در دوران حاضر منجر به ضعف ایمانی افراد می‌شود را می‌توان چنین بیان کرد:

- اندیشه‌های ساخته و پرداخته روشنفکر مآبان که در زمینه دین‌پژوهی و یا فلسفه دین قلم می‌زنند و هنرشان به جای رفع مشکلات دینی و تربیتی مردم، طرح شبهات در ساحت و میدان دین است و این امر موجب تزلزل ساختار جهان‌بینی و نهایتاً سستی و ضعف ایمان و بی‌ایمانی توده مردم می‌شود.

- برخورد اصلاح‌طلبانه‌ی سطحی و روشنفکر مآبانه با اساس دین که به ترویج نوعی لیبرالیسم دینی از طریق تجاهل، تساهل، و اغماض مذهبی می‌انجامد و این نوع مبارزه، جنگ مؤدبانه با دین و دین‌مداری است که به نام آن و با تظاهر به دینداری به مبارزه با آن می‌رود که سبب می‌شود ارزش‌های دینی و انسانی را از زندگی کنار زده و به جای آن بی‌غیرتی و بی‌ایمانی را حاکم گرداند.

- مصلحت‌اندیشی حاکمان و خود را اهل دیانت جلوه‌دادن، از طرفی روی‌نیابردن آنها در مقام عمل به آئین دین موجب سوختن ایمان توده مردم می‌شود. عدم پایبندی عملی حاکمان جوامع انسانی به دین نقش مستقیمی در تزلزل جهان‌بینی و باورهای دینی مردم

دارد؛ چرا که مردم در دین‌مداری و در شیوه زندگی در بعد مادی و معنوی از حکمرانان خود الگو می‌گیرند؛ و از طرفی نسل فعلی در محاصره هوای نفس، دنیا و شیطان است. گرایش به دنیا و مادی‌گری و حاکمیت و سیطره اربابان لذت‌گرایی و لذت‌پرستی و هجمه تبلیغات فرهنگی شیطان‌گرایان، دیگر مجاللی نمی‌گذارد که بشر خود را دریابد، چه رسد به این که از گوهر خود به نام ایمان سؤال کند.

علاوه بر اینها ضعف شناخت در حوزه دین و حاکمیت عرفان‌ها و معرفت‌های مصنوعی بر معرفت دینی، حضور ایمان

و ارزش‌های دینی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان غیرممکن ساخته است. کسانی که ایمان دارند به کسی ظلم نکرده و حق کسی را پایمال نمی‌کنند؛ چون که از جزای آن می‌ترسند؛ بنابراین در برخورد با دنیاپرستان و طاغوت‌های زمان، بی‌واهمه و با قاطعیت و صلابت رفتار می‌کنند و با داشتن سرمایه ایمان، به غیر از خداوند از هیچ قدرت و نیرویی نمی‌هراسند.

کسانی که ایمان و اعتقاد آنها ضعیف است توانایی ایستادگی در مقابل ظلم و ستم را از دست داده و از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی روی‌گردان‌اند و تن به پذیرش ظلم می‌دهند؛ از این رو تنها کسانی می‌توانند در برابر ظلم ایستادگی کنند که ایمانی راسخ داشته باشند. چنان که در قرآن می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲)؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمان‌شان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند (محمدی، مروتی، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۶۲).

علی بن ابی‌طالب علیه السلام می‌فرماید:

پس از غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه مردم دچار حیرت و سرگردانی بسیاری می‌شوند. گروهی گمراه می‌شوند؛ اما گروهی دیگر علی‌رغم تمام ناملایمات بر هدایت باقی می‌مانند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۴).

وجود این‌گونه روایات نشان‌دهنده این است که در دوره غیبت شرایطی پیش می‌آید که دینداری و پایبندی به ارزش‌های انسانی و اخلاقی بسیار مشکل خواهد بود؛ افزودن بر تلاش و کوشش با موانع و مشکلات نیز آشنا می‌شوند و پیشاپیش، آمادگی‌های لازم را در خود ایجاد می‌کنند و در نتیجه در سخت‌ترین پیش‌آمدها بر ایمان و عقاید خود پای می‌فشارند و در حد

توان به زمینه‌سازی ظهور کمک می‌کنند. انسان دیندار عصر غیبت که دسترسی عادی به امام زمان علیه السلام ندارد براساس درک عقلی و تهذیب اخلاق و اندیشه به یقین والایی دست می‌یابد و همواره به دفاع از احکام و عقاید دینی می‌پردازد و این در شرایطی است که اغلب مردم در زرق و برق و لذات مادی خود را غرق ساخته‌اند و به احکام و ارزش‌های دینی و فضیلت‌های انسانی بی‌توجه شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی! بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در آخرالزمان زندگی می‌کنند، آنها پیامبرشان را ندیده‌اند و امامشان در غیبت به سر می‌برد، با این همه آنان از روی علوم و معارف و کتاب‌هایی که در اختیار دارند ایمان آورده و در ایمان خود پایداری می‌ورزند» (مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۵۲، ۱۲۵)؛ بنابراین یکی از راه‌های مهم ظلم ستیزی در عصر غیبت، تقویت ایمان است.

انسان نباید به جای درک ضعف و نقص خود و تلاش برای اصلاح آن، خطاهای خود را نادیده گرفته و به اصلاح دیگران بپردازد. انسان مدرن می‌خواهد همه چیز را جز خودش اصلاح کند؛ دین، فلسفه و جامعه را اصلاح می‌کند، اما حاضر به اصلاح خود نیست. در حالی که تا خود را اصلاح نکنند، قادر به اصلاح هیچ چیز دیگری نخواهد بود. تفاوت مسلمان واقعی با انسان امروزی در این است که مسلمان واقعی به خودسازی می‌پردازد و با این کار، خوب می‌شود و انسان خوب، رفتاری جز خوبی نخواهد داشت؛ بنابراین، تا زمانی که این اصلاح درونی صورت نگیرد، هر اصلاح دیگری، هرچند با نیتی خیرخواهانه، ناقص خواهد بود (نصر، ۱۳۴۹: ش ۱۰).

یکی از ابتلائات و آسیب‌های دوران غیبت، برگشت عده‌ای از آئین الهی و ضعف و سستی در دینداری و یگانه‌پرستی است. در عصر غیبت، دشواری و سختی‌های حفظ ایمان، شدت‌ها و پیشامدهای ناگوار و تحولاتی که روی می‌دهد، مردم را زیر و رو کرده، پس در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود، مخلص و باروح یقین همراه باشند و آنان کسانی‌اند که خداوند از آنها درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام، پیمان گرفته و در دل آنها، ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تأیید کرده است.

همچنین عصر غیبت، دوران هجوم شبهات، فزونی انحرافات و اندیشه‌های نادرست و باطل و دنیاگرایی‌ها و نادانی‌هاست و بدین جهت، پابرجا ماندن بر عقاید درست و حق دشوار است.

ایمان از دو مؤلفه اصلی علم و عمل شکل می‌گیرد و ضعف ایمان می‌تواند ناشی از ضعف علمی یا ضعف عملی باشد. پس علم به چیزی و التزام به مقتضای آن، به طوری که آثار آن

علم در عمل هویدا شود، و نیز از آن جایی که علم و التزام هر دو از اموری است که شدت و ضعف و زیادت و نقصان می‌پذیرد، ایمان هم که از آن دو تألیف شده قابلیت زیادی و نقصان و شدت و ضعف دارد؛ بنابراین باید ضعف ایمان را در یکی از منشأهای اصلی عمل و علم جست که نقش بی‌سار مهمی در انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی دارد چرا علم بدون عمل و همین‌طور عمل بدون علم آسیب‌زا هستند و موجب هلاکت و نابودی بشر می‌گردد.

عافیت‌طلبی

عافیت‌طلبی به عنوان یکی از دلایل انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه مطرح می‌شود. عافیت‌طلبی به معنای عافیت از ظلم و ستم و عافیت از رنج و درد است، تمایل به زندگی آسوده و راحت و دوری از مبارزه و تلاش برای تغییرات اجتماعی و سیاسی است. این رویه باعث می‌شود که افراد به جای مقاومت در برابر ظلم و ستم، به دنبال حفظ آرامش و ثبات شخصی خود باشند و به تدریج جایگاه و منزلت ظلم‌ستیزی را تضعیف می‌کند، باعث می‌شود که جامعه به تدریج ظلم و ستم را به عنوان یک حقیقت طبیعی و غیرقابل تغییر بپذیرد.

عافیت‌طلبی، گفتمان ظلم‌ستیزی را از حالت اصلی و طبیعی خود دور می‌کند و آن را به سمت سازش‌کاری و مدهانه سوق می‌دهد. این امر باعث می‌شود که جامعه به تدریج از ارزش‌های اسلامی و عدالت دور شود.

برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و بر پایه اصول اسلامی، باید به جای عافیت‌طلبی، به ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی توجه کرد. «يَا أَشْبَاهَ الْجَالِ وَلَا رَجَالَ! خُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَاتِ الْجَجَالِ؛ ای کسانی که شبیه مردان هستید ولی مرد نیستید! اندیشه‌های تان به اندازه کودکان و عقل‌های تان به اندازه زنان خانه‌دار است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷) «عافیت‌طلبی» و «انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی» در واقع دو روی یک سکه‌اند: هرگاه روحیه عافیت‌طلبی در جامعه قدرت بگیرد، مردم به جای ایستادن در برابر ستم و دفاع از مظلوم، به حفظ آسایش شخصی خود متمایل می‌شوند و از پذیرش رنج و هزینه مبارزه با مظالم‌کناره می‌گیرند. این رویکرد سبب می‌شود گفتمان ظلم‌ستیزی که محور دعوت امام علی علیه السلام است، به حاشیه‌رانده شود و زمینه استمرار یا گسترش ستم فراهم گردد.

در این خطبه امام علی علیه السلام با تندی از سستی و کناره‌گیری کوفیان در جنگ صفین انتقاد

می‌کنند. این سستی در واقع نشانه‌ای از همان عافیت طلبی است که مردم را به ماندن در خانه و دوری از سختی‌های میدان نبرد تشویق می‌کرد. در نتیجه، آنان هم از زیر بار ادای تکلیف دینی و اخلاقی (دفاع از حق) شانه خالی کردند و هم با بی‌توجهی خود به ظلم و تجاوز دشمن، موجب تضعیف گفتمان ظلم ستیزی شدند؛ بنابراین هر نوع مسامحه یا کناره‌گیری در برابر ستم، گام مؤثری در منحرف ساختن یا تضعیف گفتمان عدالت خواهی به شمار می‌رود.

عافیت طلبی، می‌تواند به شکل‌های مختلفی گفتمان ظلم ستیزی را منحرف کند. سکوت در برابر ظلم، ترجیح دادن منافع شخصی بر عدالت، عدم مشارکت در فعالیت‌های اصلاحی، انحراف در فهم مصادیق ظلم، و ترویج رویکرد منفعلانه و سازش کارانه، از جمله پیامدهای منفی عافیت طلبی در گفتمان ظلم ستیزی هستند. برای داشتن گفتمانی مؤثر در ظلم ستیزی، لازم است از عافیت طلبی دوری کرده و همواره برای برقراری عدالت و مبارزه با ظلم تلاش کنیم. قبل از فرج امام زمان عجل الله تعالی، آسایش و عافیت و راحت طلبی نیست! جوانان باید سعی و تلاش کنند تا زمینه را برای دوران ظهور حضرت آماده کنند، دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است، ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، دست‌های جنگ‌افروز عالم همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را درگذشته به راه انداخته و می‌اندازند دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند، در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست، باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود عجل الله تعالی، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. «والله لتمعصلن» و «والله لتغربلن» به شدت امتحان می‌شوید، فشار داده می‌شوید. امتحان آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود عجل الله تعالی روزبه‌روز نزدیک‌تر می‌شود، این، آن امید بزرگ است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

انسان همیشه دنبال کارهای راحت‌تر می‌رود، حالت سهولت طلبی، سهل‌گرایی، بین دو کار اگر مخیرش کنید، هرکدام آسان‌تر، تلاش کمتر و مایه کمتری می‌برد، آن را انتخاب می‌کند، این ویژگی به ما می‌گوید راه آسان‌تر، راه کم‌خرج‌تر، راه بی‌تلاش‌تر را بپذیر، از طرفی ایمان مذهبی می‌گوید بهشتت از دست رفت. برای این که هم سهل‌گرایی به جای مانده باشد، هم بهشت از دست نرفته باشد، مجبوریم بنشینیم فرمول درست کنیم، فرمول‌هایی که رفتن آدم بیکار

تنبل، به بهشت را نتیجه می‌دهد. پای فرمول‌ها می‌ایستیم، گیر هم می‌دهیم تا آخر هم نمی‌فهمیم؛ فقط وقتی به بهشت نرفتیم، می‌فهمیم که فرمول‌ها غلط بود. قرآن متن قطعی خلل‌ناپذیر ماست و صدها روایت متقن و درست وجود دارد، امام در حدیثی به این مضمون که نمی‌رسد به شفاعت ما، مگر به وسیله کوشش و جدوجهد. حالا ما با تنبلی، با زانوی غم به بغل‌گرفتن و غم گذشته و غم آینده را با بی‌غیرتی خوردن، غم‌خواری، خوب است، اما غم‌خواری‌ای که با بی‌غیرتی همراه نباشد ما با این حالت منفی پست بی‌خاصیت، می‌نشینیم به امید شفاعت، در حالی که خود امام می‌فرماید که شفاعت ما به آن کسانی می‌رسد که جد و جهد و کوشش داشته باشند، درست نقطه مقابل آنچه در مغزهای ماست.

سرمایه‌داران و استعمارگران

استعمارگران همواره تلاش کرده‌اند تا عقیده به امید و مبارزه را در میان مسلمانان از بین ببرند. آنها حتی از طریق مبلغان مسیحی، سعی در تضعیف باورهای دینی مردم داشته‌اند تا بتوانند سلطه سیاسی خود را گسترش دهند. یکی از موانع اصلی آنها در این مسیر، اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و احیای اسلام بوده است. حتی رضاخان پهلوی نیز به دنبال ریشه‌کن کردن این باور در میان مردم بود. اما این عقیده آن قدر قوی است که حتی در عصر غیبت نیز حضور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ در دل مؤمنان احساس می‌شود و مانع تسلیم شدن آنها در برابر استعمار می‌گردد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۰۹/۱۳۷۶).

استعمار با گسترش نفوذ و تقویت پایه‌های سلطه، غارت ثروت‌های امت، کنترل مواضع استراتژیک آنها و تحت سلطه گرفتن اراده امت، آن را به مصرف‌کنندگان تولیدات خود تبدیل می‌کند. تاریخ طولانی استعمار، خود گواه است. استعمارگران با تدوین سیاست کلی خود، به تعیین برنامه‌هایی می‌پردازند که با کنترل روش‌ها، در نهایت به تحقق اهداف اصلی منجر شود. در هر مورد از این برنامه‌ها، روش‌های گوناگونی را هم به کار می‌برند که عبارت‌اند از:

الف) نابود ساختن اسلام

استعمارگران به قدرت اسلام در تقویت امت و مبارزه با برنامه‌های ویرانگر آنان پی برده پس سعی در از بین بردن آن دارند تا بتوانند آنان را ظلم‌پذیر کنند، این عامل اصلی مبارزه با اسلام و حمله به آن، با انواع تهمت‌ها و افتراها بوده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

اول: مخدوش نمودن چهره اسلام؛ در این زمینه فعالیت‌های گوناگونی انجام دادند که دو جنبه اصلی آن عبارت بود از: متهم نمودن اسلام به «عقب‌ماندگی» است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۳۱۶-۳۳۰) و معرفی اسلام به عنوان عامل تخدیر؛

دوم: مخدوش کردن چهره پیامبر اسلام ﷺ؛

سوم: از بین بردن منطق قرآنی از صحنه زندگی مسلمین بود، تا ملت‌های مورد هجوم آنان، امکان هر نوع مقاومتی را از دست بدهند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۲۱۳-۲۲۸)؛

چهارم: مخدوش کردن چهره علما؛ آنها برای رسیدن به هدف نهایی خود یعنی نابودی اسلام، از طریق تهمت‌زدن، افترا بستن و تخریب چهره علما، سعی می‌کنند جایگاه آنها را تضعیف کرده و چهره‌ی اسلام را مخدوش کنند؛

پنجم: تبلیغ جدایی دین از سیاست.

ب) تفرقه‌افکنی در میان امت و ایجاد شکاف در صفوف آنان

روش‌های به کار گرفته شده توسط استعمارگران و سرمایه‌داران:

اول: تقسیم نژادی؛ استعمارگران با ترویج نژادپرستی تلاش کردند ملت‌ها را از اسلام منحرف کنند، چون اسلام دین برابری و برادری است و در آن برتری نژادی وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، صص ۳۷۳-۳۹۵).

دوم: ایجاد اختلافات مذهبی؛ آنها با دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، میان مسلمانان کینه و تفرقه ایجاد می‌کنند تا بتوانند به منابع و ذخایر آنها دست یابند و آنها را از پیشرفت و اتحاد بازدارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، صص ۳۷۳-۳۹۵).

سوم: ایجاد مذاهب و فرقه‌های ساختگی؛ ایجاد مذاهب ساختگی، مانند بابیت، بهائیت و وهابیت کرده است. هدف آن‌ها جداکردن گروه‌هایی از امت اسلام و سوق دادن آنها به سمت منافع خود بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۱۸۹-۱۹۲).

چهارم: ایجاد احزاب سیاسی منحرف‌کننده؛ یکی از این برنامه‌ها ایجاد احزاب و دسته‌بندی‌های حزبی بود تا گروهی از مسلمانان را سرگرم کرده و به سمت اهداف خود هدایت کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۲۰۳-۲۰۵).

پنجم: ایجاد اختلافات فرهنگی؛ از برنامه‌های مهم آنها ایجاد اختلاف میان حوزه و دانشگاه بود. این روش به دلیل هدف قرار دادن قلب امت اسلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

متفکران و اندیشمندان باعث بیداری و امید مردم هستند، اما اگر میان آنها اختلاف ایجاد شود، امید مردم کم‌رنگ شده و به ناامیدی می‌گراید. این اختلاف فرهنگی، شکاف عمیقی در نیروی محرک جامعه ایجاد می‌کند و جامعه را به ورطه نابودی ظلم می‌کشاند که شامل: تضعیف جایگاه علما در جامعه و مقابل هم قراردادن حوزه و دانشگاه است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۴۵-۳۴۷).

ج) حفظ حالت وابستگی و عقب‌ماندگی جهان اسلام

در این باره می‌توان به روش‌های زیر اشاره کرد:

اول: تعیین حاکمان مزدور؛ از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی، تعیین حاکمان مزدور و دست‌نشانده توسط استعمارگران است که به جای خدمت به مردم و کشور، در جهت منافع بیگانگان عمل می‌کنند که باعث تجربیات تلخی از خیانت حاکمان برای ملت‌های اسلامی در طول تاریخ شده چرا که تعداد حاکمان مستقل و ملی‌گرا بسیار اندک بوده است. مشکلات ناشی از این وضعیت عبارتند از: ناامیدی ملت‌ها و ناکامی حرکت‌های انقلابی به دلیل موضع‌گیری‌های مبهم و فعالیت‌های نادرست. تبدیل حرکت‌های انقلابی به بازی‌های سیاسی که در ظاهر، گروه‌های داخلی بر اوضاع مسلط هستند، اما در واقع کنترل در دست دشمنان است. تضعیف روحیه ملی و میهنی در ملت‌ها که نتیجه آن تبدیل دولت‌ها به رژیم‌های سرسپرده بیگانگان است (همان: ج ۱، ۳۷۳-۳۹۵).

دوم: کشمکش میان حکومت‌های اسلامی؛ این درگیری‌ها باعث عقب‌ماندگی و هدر رفتن امکانات ملت‌ها شده و آنها را به وابستگی به کشورهای دیگر سوق داده و آرزوی وحدت و همبستگی اسلامی از بین رفته و به یک رؤیای دست‌نیافتنی تبدیل می‌کند (همان: ج ۱، ۳۷۳-۳۹۵).

سوم: فرهنگ استعماری؛ آنچه می‌توان آن را «ام‌الامراض» یا منشأ اصلی مشکلات نامید، رواج فرهنگ بیگانه و استعماری است که سال‌ها جوانان را با اندیشه‌های مسموم تربیت کرده و با کمک مزدوران داخلی، ترویج شده است. فرهنگ فاسد استعماری نتیجه‌ای جز پرورش کارمند و کارفرمای خودباخته در برابر استعمار ندارد. خطر این فرهنگ از هر خطری، حتی از سلاح استعمارگران، نیز بزرگ‌تر و ویرانگرتر است.

چهارم: جذب جوانان و فرار مغزها؛ استعمارگران سعی دارند با گمراه کردن جوانان و استفاده از

سیاست‌های فرهنگی مخرب، ثروت‌های ملت‌ها را به‌ویژه نیروی جوان را به دست آورند. این امر با انحراف جوانان از ارزش‌های دینی و ملی انجام می‌شود.
پنجم: ترویج و اشاعه فساد (همان: ج ۲، ۳۴۵-۴۵۰).

د) ایجاد رژیم صهیونیستی

قرآن کریم هیچ شخص یا قومی را مانند شیطان و قوم یهود مورد هدف قرار نداده است. امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: «اگر امریکا و اسرائیل بگویند (لااله الاالله) ما از آنها قبول نمی‌کنیم»، صهیونیسم، یک غده سرطانی است. صهیونیسم از زمان ایجاد بهائیت به ایران نفوذ کرده و سعی در نابودی آن دارد (کورانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۱۹۵).

پروپاگاندا

در طول تاریخ همواره ارتباط مستقیمی بین روند گسترش اسلام و اقدامات اسلام‌ستیزانه و اسلام‌هراسانه وجود داشته است هرگاه روند گسترش اسلام به‌ویژه در سرزمین‌های تحت سلطه فرهنگ غرب شدت گرفته در واکنش به آن تلاش برای مخدوش کردن چهره اسلام و مسلمانان نیز تشدید شده است اقدامات رسانه‌های غربی در فضا سازی منفی باهدف مخدوش ساختن چهره اسلام مسلمانان پدیده‌ی بی‌سابقه‌ای، نیست تاریخ این ماجرا به ابتدای رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و متعاقب نفوذ اسلام به مناطق تحت سلطه مسیحیت و یهود برمی‌گردد. هدف پروپاگاندا اغلب کسب پذیرش عمومی برای ایدئولوژی مطلوب تبلیغات گر به شمار می‌رود. هدف تبلیغات خصمانه، دیگر تغییر دادن تبعیت مردمان از یک دکتورین معین نیست. پروپاگاندا معمولاً آگاهی مخاطبان را کانون توجه قرار نمی‌دهند چرا که اقناع فکری هم درازمدت است و هم غیرقطعی و بردن مخاطب به سمت کنش از این طریق سخت‌تر نیز است در عوض پروپاگاندا می‌کوشد مخاطب را وادار کند تا به‌گونه‌ای غیرعقلانی به فرایندی از کنش دست یابد؛ زیرا به محض این‌که کنش صورت پذیرد تأثیر پروپاگاندا قطعی و برگشت‌ناپذیر می‌شود. تبلیغات خصمانه یا تحریک به جنگ تجاوزکارانه نوعاً به‌وسیله استفاده از تنفر، ترس، خشم، میل به انتقام و القا کردن میل شدیدی برای خدمت کردن به یک هدف سیاسی دینی یا اخلاقی، یا از طریق قول افتخار یا سایر جوایز صورت می‌گیرد (ریخته‌گر برنجی، کدخدایی، ۱۳۹۷: شماره ۳).

تبلیغات خصمانه به طرق مختلفی باعث از بین رفتن و انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی

می‌شود که از جمله آنها:

الف) تغییر عقاید و افکار عمومی

تبلیغات سوء باهدف منحرف کردن افکار عمومی از حقیقت دین، و ترویج سبک زندگی مادی صورت می‌گیرد و جوانان به دلیل عدم آگاهی کافی، بیشتر در معرض آسیب این تبلیغات هستند. احساس عدم صداقت در مسئولان، اختلال و تزلزل در اعتماد عمومی نسبت به کارگزاران و حاکمان، سلب اعتماد مخاطب نسبت به منبع ارسال پیام و بسترهای ارتباطی، اثرگذاری رسانه‌های رقیب خارجی بر جهت‌دهی افکار مخاطبان، ضعف ساختاری و رویکرد سنتی و انفعالی رسانه‌های رسمی در مواجهه با مخاطب، نقشه تجارب گذشته و تصورات ذهنی غالب در مخاطب، اثرگذاری فساد و تبعیض موجود در ساختار سیستم، ضعف ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های اقناعی، اثرات ناشی از احساس عدم شفافیت از سوی مخاطب، ضعف ناشی از عملکرد مدیران و سیاست‌گذاری‌های غلط، مشکلات ناشی از وجود شکاف و سست شدن پایه‌های اعتماد عمومی، ضعف ساختار رسانه‌های رسمی و عملکرد نظام اطلاع‌رسانی و ضعف ناشی از بی‌اعتنایی به نیازهای واقعی مردم، از جمله مهم‌ترین علت‌های مؤثر در بروز پدیده تغییر افکار عمومی هستند (خلجی، تقی‌پور، اسماعیلی، ۱۳۹۹: شماره ۱۰).
تغییر و بی‌اثر ساختن افکار، عقاید و نظرات نامناسب یا خصومت‌آمیز: جهت‌دهی افکار و عقایدی که در حال شکل‌گیری هستند؛ حفظ و نگهداری افکار عمومی و عقاید مساعد و موافق؛ ایجاد افکار عمومی جدید (دادگران، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۰).

ب) ایجاد تردید و ناامیدی

استعمار می‌خواهد که ملت‌های مسلمان، دچار روح ناامیدی شوند، این را به‌زور در مردم تزریق می‌کنند که بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مأیوس کردن مردم است. برای این که جوشش و امید را از این مجموعه‌ی انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایل‌اند انجام دهند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۰۹/۱۳۷۶).
تردید و ناامیدی می‌تواند منجر به کاهش انگیزه برای ادامه فعالیت‌های ظلم‌ستیزانه شود. شگردهای آن این‌گونه است: القای ناتوانی مسلمانان در برابر قدرت‌های استکباری و روحیه تسلیم و سازش؛ تبلیغ بی‌فایده بودن مبارزه و مقاومت و دعوت به پذیرش وضع موجود؛ ترویج

فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی برای غافل کردن مسلمانان؛ تحریف تاریخ و القای این‌که مسلمانان همواره مغلوب و تحت سلطه و ناتوان بوده‌اند.

پ) تبریر ظلم و ستم

آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴).

تبلیغات خصمانه ظلم و ستم را تبریر و آن را به‌عنوان چیزی طبیعی و لازم معرفی می‌کند. می‌تواند منجر به پذیرش ظلم توسط مردم شود. از طریق ارائه دلایلی برای ظلم و ستم، ایجاد حس نیاز به آن و احساس ناگزیر بودن از ظلم و ستم ایجاد کند.

ت) سانسور و کنترل رسانه

سینما و فیلم با محوریت جهانی، یکی از طریقه‌های ضربه به اسلام و فرهنگ مهدویت است. تصویر جایگاه ویژه‌ای در دستگاه ادراکی و روانی انسان دارد اگر حواس خود را دروازه‌های ورودی روح تلقی کنیم نتیجه ارتباط با محیط اطراف و پدیده‌های پیرامونی در هر شبانه‌روز بیش از سه، چهارم اطلاعات دریافتی از طریق حس بینایی یعنی تصویری به حوزه ادراک ما وارد می‌کند و تلویزیون و سینما در کل فضای مجازی و... به‌عنوان یک رسانه دیداری و شنیداری زندگی انسان را تسخیر کرده است. یک ثانیه تصویر به اندازه هزار حرف تأثیرگذار است، بخش اعظم آموزه‌ها و تجربه‌های مربوط به مذهب و معنویت از طریق رسانه‌ها دریافت و منتقل می‌شوند. شهید آوینی بارها موافقت خود را با این عبارت مک لوهان «رسانه همان پیام است» اعلام داشته است. رسانه‌های نوین حامل بارهای ارزشی، نظام معنایی و مفهومی خاص خود هستند و به تدریج آنها را برای کاربران شان حتی اگر خواهان آن نباشند، تحمیل می‌کند (شرف‌الدین، گنجیانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۵). تبلیغات خصمانه اغلب با فیلتر کردن و کنترل رسانه همراه است که می‌تواند با دسترسی به اطلاعات، صدای ظلم‌ستیزان را محدود کند و منجر به انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی شود.

ث) ایجاد تضادهای اجتماعی

تبلیغات خصمانه می‌تواند تضادهای اجتماعی بین گروه‌های مختلف ایجاد کند. این تضادها می‌توانند منجر به کاهش اتحاد و سازماندهی علیه ظلم شوند. ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي

الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أُنْتَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران‌شان را سر می‌برید و زنان‌شان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود. این آیه اشاره دارد که چگونه مستکبران و ظالمان برای تثبیت پایه‌های حکومت خود و این که از خشم توده‌های مردم در امان باشند از روش ایجاد اختلاف و درگیری‌های قومی قبیله‌ای بهره می‌برند تا دیگر کسی فرصت تفکر درباره حاکمیت و ظلم‌های آنان را نیابد. همان روشی که فرعون داشت و با مسلط کردن قبطیان بر بنی اسرائیل آتش جنگ را در بین آنها شعله‌ور ساخته بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص شد علیرغم غنی بودن سیره و روش پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام از آموزه‌هایی که باعث عزت و سربلندی و پیشتازی شیعیان در همه عرصه‌ها هست، داشتن برنامه از سوی اسلام برای تمام شئون و ابعاد حیات انسانی، در حد مباحث تئوریک و نظری نیست؛ بلکه اجرایی و عملیاتی هستند؛ اگر اسلام کاملاً اجرا شود، تمام مشکلات جوامع بشری حل و تمام مکاتب غیرالهی عقب‌نشینی کرده، دیگر هیچ‌کس تمایلی به آنها نخواهد داشت. ولی متأسفانه در طول قرون بعد از ظهور اسلام، مستکبران و استعمارگران و استثمارگران اجازه نداده‌اند هرگز چنین فرصتی برای اسلام پیش بیاید. نایبان امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف مخصوصاً امام خمینی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به دنبال ایجاد حکومت اسلامی و تحقق این ایده آرمانی در زمان غیبت حضرت ولی عصر بودند تا بتوان زمینه را برای آن حضرت مهیا کنند. با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شیعیان در عصر غیبت، عوامل زیادی از جمله حرص و طمع و دنیاپرستی، عافیت‌طلبی، ضعف ایمان دینی، سرمایه‌داران و استعمارگران و پروپاگاندا نقش قابل توجهی در انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی دارند که این موضوعات اگر مورد بررسی و توجه قرار نگیرند، حتی می‌تواند باعث از بین رفتن این گفتمان گردد و عصر غیبت را طولانی‌تر گرداند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *احیاء تفکر ظلم‌ستیزی و عدالت خواهی اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی* رحمته الله علیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، فصل نامه ۱۵.
- جهانی پور، یاسر (۱۳۹۴)، *شرح دنیاطلبی در کلمات امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، شماره ۹۳.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: صهبا، اول.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
- حیدری، محدثه (۱۳۹۸)، *تجمل‌گرایی، مادی‌گرایی و دنیاطلبی و ظهور آن در عاشورای دیروز و امروز*، نهمین جشنواره علامه حلی.
- خلجی، سپهر؛ تقی پور، فائزه؛ اسماعیلی، رضا (۱۳۹۹)، *شناسایی عوامل مؤثر در بروز پدیده وارونگی افکار عمومی*، تهران: دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۰.
- دادگران، سیدمحمد (۱۳۸۲)، *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*، تهران: انتشارات مروارید، سیزدهم.
- ریخته‌گر برنجی، ریحانه؛ کدخدائی، عباسعلی (۱۳۹۷)، *رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ پروپاگاندا*، تهران: دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی حقوق اداری، شماره ۳.
- شرف‌الدین، سیدحسین؛ گنجیانی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، *هالیوود و توطئه اسلام‌هراسی با شگرد نفوذ در ناخودآگاه*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، پیاپی ۱۶.
- طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه، اول.
- عباسی، محمد (۱۳۸۶)، *عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

- کراچکی، محمد بن علی (۱۳۹۰)، *معدن الجواهر*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول کافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چهارم.
- کورانی، حسین (۱۳۸۹)، *امام خمینی رحمته الله علیه واستعمار، دیدگاه‌ها و راهکارهای مبارزه با آن*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۱)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفا، دوم.
- محمدی، روح‌الله؛ مروتی، سهراب (۱۳۹۲)، *ظلم و ظلم‌پذیری و پیامدهای آن در سبک زندگی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره پیاپی ۹۸.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
- نصر، سید حسین (۱۳۴۹)، *مسئله ایمان و برتری اسلام*، قم: معارف جعفری، شماره ۱۰.



Strategies for promoting and institutionalizing a culture of anti-oppression from an Islamic perspective

Dr. Ali Nabiollahi¹

Dr. Saeed Bakhshi²

Abstract

Introduction: Anti-oppression is an important issue in Islamic culture and one of the components of positive influence in today's developments from the right front, and this issue should become a discourse in order to pave the way for emergence. **Main question:** What are the strategies for promoting anti-oppression among Muslims? **Importance and necessity:** Anti-oppression is one of the characteristics of Islamic society, the absence of which leads to the institutionalization of oppression, acceptance of oppression in society, and ultimately the postponement of emergence. **Research objective:** To explain the strategies for promoting anti-oppression and institutionalizing this culture in societies, especially Islamic societies, with the aim of eradicating oppression. **Research method:** First, the desired data was collected from the Holy Quran and narrations, then using the content analysis method and focusing on the interpretation and understanding of the text of the verses and narrations, the desired items were categorized or coded, then analyzed, and finally the necessary results were obtained. **Achievements and results:** The studies showed that there are solutions for promoting and institutionalizing the culture of anti-oppression, including presenting and introducing the model of anti-oppression, the existence and enjoyment of righteous leadership and followers, institutionalizing perseverance and patience among people in the face of oppression and oppressors, creating unity and cohesion among people, aggressively dealing with arrogance, humiliating and breaking the false glory of the enemy, preventing the spread of sin among people, and finally promoting the culture of prayer and trust in God among people, all of which can be done with the help of the media and traditional propaganda and the use of virtual capacities.

Keywords: oppression, oppression, anti-oppression, Mahdism, Holy Quran, narrations

1. Assistant Professor, Faculty and Research Institute of Command and Management of the IRGC (DAFOS), Tehran(Corresponding Author)(nma1380@yahoo.com)

2. Assistant Professor, Allameh Tabatabaei University, Tehran,(saeidbakhshy@atu.ac.ir)

راهکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ظلم‌ستیزی از منظر اسلام

علی نبی‌اللهی^۱

سعید بخشی^۲

چکیده

ظلم‌ستیزی امری مهم در فرهنگ اسلامی و از مولفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق است. این امر بایستی به یک گفتمان تبدیل شود تا زمینه‌ساز تحولات بزرگ و در نهایت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شود. هدف این تحقیق، تبیین راهکارهای ترویج ظلم‌ستیزی و نهادینه‌سازی این فرهنگ در جوامع به ویژه جوامع اسلامی با هدف ریشه‌کن کردن ظلم است. راهکارهایی برای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ظلم‌ستیزی وجود دارد از جمله ارائه و معرفی الگوی ظلم‌ستیزی، وجود و برخورداری از رهبری صالح و یاران پیرو، نهادینه کردن استقامت و شکیبایی بین مردم در مواجهه با ظلم و ظالم، ایجاد اتحاد و انسجام بین مردم، برخورد تهاجمی با استکبار، تحقیر و شکستن شکوه دروغین دشمن، جلوگیری از ترویج گناه میان مردم و بالاخره ترویج فرهنگ دعا و توکل به خدا در بین مردم که همه این موارد با کمک رسانه و تبلیغ سنتی و استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی قابل انجام است. این تحقیق، از نوع کیفی و به روش تلفیقی (نقلی و تحلیلی) و کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

ظلم، ستم، ظلم‌ستیزی، مهدویت، قرآن کریم و روایات.

مقدمه

ظلم، از رذایل اخلاقی و از دیدگاه اسلام، امری مذموم است، مبارزه با ظالم در قرآن و احادیث به عنوان یکی از واجبات مهم دینی و فریضه‌ای الهی مطرح شده است. یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق، یا سرعت دادن به تحولات، نهادینه کردن گفتمان ظلم‌ستیزی در میان مسلمانان و سپس در غیرمسلمانان

۱. استادیار دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و مدیریت ولایت سپاه (دافوس) تهران (نویسنده مسؤل) (nma1380@yahoo.com).

۲. عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۲

است.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که باعث نزدیک‌تر شدن ظهور می‌گردد ظلم‌ستیزی و تثبیت و نهادینه‌سازی آن در جوامع مختلف به‌ویژه جوامع اسلامی و حتی غیراسلامی است که این مسئله یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذاری مثبت در تحولات امروزی از ناحیه جبهه حق بوده و باعث سرعت بخشی به تحولات مثبت است که با این فرمول، روند و فرآیند جبهه حق برای تثبیت اسلام و فرهنگ آن تسهیل و تسریع می‌گردد، به عبارت دیگر، برقراری عدالت جهانی و نابودی ظلم، از اهداف حکومت مهدوی به شمار می‌رود، بدیهی است اتخاذ راهبرد مبارزه با ظلم و حمایت از مظلومان در عرصه داخلی و بین‌المللی، موجب آگاهی و آمادگی در مردم شده، در نتیجه ظهور منجی موعود بشریت را زمینه‌سازی می‌کنند.

از دیدگاه اسلام، مبارزه با ظلم و ظالم و دفاع از مظلوم، باید بانگیزه الهی و با رعایت اخلاق و احکام اسلامی آن، صورت پذیرد، از این‌رو مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم، فرصتی برای کسب شاخص‌ها، اوصاف و آمادگی برای یاری‌رساندن به امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در زمان ظهور و غیر آن است، بنابراین مبارزه با ظلم و ستم، نقشی اساسی در زمینه‌سازی ظهور منجی بشریت دارد که این مبارزه، نه تنها وظیفه‌ای اعتقادی، شرعی و اخلاقی است، بلکه فرصتی برای خودسازی و ارتقای ایمان و تقوا نیز محسوب می‌شود.

در آموزه‌های دینی به‌ویژه در روایات، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و شرایط تسریع در ظهور منجی بشریت (امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) معرفی شده چراکه این امر باعث ایجاد آمادگی و شایستگی در جامعه شده و هنگامی که مردم در برابر ظلم سکوت نکرده و برای دفاع از حق و مظلوم برخیزند، در واقع روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در آنها تقویت می‌شود که این روحیه، جامعه را برای پذیرش رهبری منجی و برقراری عدالت مطلق در جهان آماده می‌کند، افزون بر آن، این مسئله می‌تواند فراهم شدن بستری لازم برای ظهور را نیز با از بین رفتن ظلم و ستم و گسترش عدالت و حاکمیت دستورات الهی را فراهم سازد، همچنین، این مسئله می‌تواند اثبات‌گر صلاحیت یاران امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف نیز باشد زیرا این یاران، کسانی هستند که در برابر ظلم ایستادگی کرده و از مظلومان دفاع می‌کنند، از این‌رو ایشان با انجام مبارزه با ظلم، صلاحیت خود را برای یاری‌رساندن به آن حضرت و برقراری عدالت جهانی اثبات می‌کنند.

مورد دیگر در این باره تکمیل رسالت انبیاء الهی با ظلم‌ستیزی است، چراکه یکی از اهداف

اصلی انبیاء و فرستادگان الهی، برقراری عدالت و از بین بردن ظلم بوده و این کار در راستای تکمیل رسالت انبیاء و ائمه اطهار علیهم‌السلام است و این مسئله زمینه را برای ظهور منجی و برقراری عدالت مطلق در جهان فراهم می‌کند، زیرا برای انجام هر کاری ابتدا بایستی آن مسئله به صورت فرهنگ و گفتمان درآید، در مسئله مورد گفتگو نیز بایستی راهکارهای فرهنگ‌سازی و تعمیق فرهنگ ظلم‌ستیزی تبیین شود تا این امر به صورت سکه رایج میان افراد، به ویژه جوامع اسلامی درآید تا زمینه‌ساز ظهور نیز گردد.

حال این سؤال مطرح است که راهکار مواجهه با پدیده ظلم، از دیدگاه اسلام شامل چه مواردی است؟ و چگونه می‌توان جوامع مختلف به ویژه مسلمانان را به سمت این فرهنگ سوق داده و آن را در میان مردم نهادینه ساخت؟ تلاش می‌شود تا در این نگاشته به این سؤالات در حد مقدور پاسخ داده شود.

روش تحقیق

این تحقیق، به روش تحلیل محتوا و به صورت توصیفی تحلیلی انجام شده که با روش کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش برداری از کتب، مجلات، نوشتارها، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی، اطلاعات گردآوری گردیده آیات و روایات مرتبط با موضوع جمع‌آوری و بررسی شده و در نهایت به تجزیه و تحلیل مجموعه جمع‌آوری شده، پرداخته شده و نتایج مطلوب به دست آمده است.

مفهوم‌شناسی

این بخش در دو قسمت لغوی و اصطلاحی موردگفتگو قرار می‌گیرد.

ظلم از نگاه لغت

ماده ظا و لام و میم، دارای دو معنای اصلی است: یکم؛ برخلاف نور و روشنایی یعنی همان تاریکی و دوم؛ قراردادن چیزی در غیر جایگاه خود از روی ستم (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۴۶۸) همچنین به معنی ناقص کردن حق (قرشی، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ۲۷۰) یا گرفتن حق دیگری از روی ستم، نیز دانسته شده (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰، ۳۲) برخی نیز ظلم را قراردادن چیزی در غیر جایگاه اختصاصی و مناسب خودش عنوان کرده‌اند حال این مطلب به کم کردن باشد یا به زیاد کردن، به تغییر زمان باشد یا به تغییر مکان. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۳۷)

از واژگانی که معنایی نزدیک به ظلم دارند هم می‌توان به ماده «بغی» و «عدو» اشاره کرده که به معنای افراط و تجاوز از حد آمده‌اند. (جوهری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ۲۲۸)

ظلم در اصطلاح

یکی از راه‌های شناخت هر چیزی مراجعه به نقیض و ضد آن است، ظلم، در برابر حق و عدل، قرار دارد از این رو نقص حق و نقض آن، تعدی و تجاوز به عدل، ظلم است، به دیگر بیان، قرار ندادن هر چیزی در جای خود، به معنای ظلم است که این مسئله نسبت به خدا، مردم، حیوان و خویش اتفاق می‌افتد، بنابراین، هر عمل مغایر با عدالت و حقانیت، ستم بوده و انجام‌دهنده این کار نیز ستمگر خوانده می‌شود. (طالبی، ۱۳۹۶: ۲۶)

به عبارت دیگر، میان حق، عدالت و ظلم، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، یعنی برای شناخت ظلم، شناخت حق و درک معنای حقیقی و واقعی آن لازم و ضروری است، زیرا تا حق شناخته نشود، نمی‌توان از رابطه مثبت و منفی عمل با آن سخن گفت یا حکم کرد که آیا فلان عمل مطابق با حق بوده یا نبوده؟ از آنجاکه معیار مسلمانان در سنجش همه چیز بر اساس خدا و بر محور توحید استوار است، کشف معنای حق آسان خواهد بود، زیرا مسلمانان هر اصل از اصول اخلاقی و مانند آن را به مبانی اصلی بازمی‌گردانند که از منابع دینی اخذ شده و خاستگاه همه امور، از جمله دین، مبانی، اصول اخلاقی و ارزشی هم خداوند باری تعالی است، (بقره: ۱۴۷؛ آل عمران: ۶۰) بر این اساس، خاستگاه حق، خداست، چه حق را به معنای حقیقت یا امر ثابت و واجب بدانیم که در برابر باطل قرار می‌گیرد و جمع آن حقایق است، چه حق را به معنای سزاواری بدانیم که جمع آن حقوق است.

معنای اصطلاحی ظلم‌ستیزی از نگاه مقام معظم رهبری

از دیدگاه مقام معظم رهبری، ظلم‌ستیزی به مفهوم آن است که مسلمانان به‌ویژه ملت ایران، با شدت و قدرت در برابر توطئه‌ها و انواع تلاش‌های دشمن برای به سیطره درآوردن مسلمانان به‌ویژه ملت ایران ایستادگی و مقاومت کنند، همچنین ایشان مبارزه با استکبار و حمایت از هر مظلومی که از ظلم استکبار به‌جان آمده را نیز مصداق دیگری از ظلم‌ستیزی دانستند. (دیدار جمع کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹)

پیشینه موضوع

اولین ستمگر تاریخ قابیل است که هابیل را کشت (مائده: ۳۰) و این جا آغاز ظلم بشر به هم نوع خویش بود و در پی آن، ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم، تبدیل به امری ضروری و اجتناب ناپذیر در زندگی انسان شد. (کواکبی، ۱۴۰۰: ۳۵)

قرآن کریم نیز نسبت به این مسئله بسیار حساس بوده و آموزه‌های مختلفی در این باره دارد، مانند: آیه ۶۰ سوره حج و جز آن.

در سیره پیامبر ﷺ هم این اصل وجود داشته مثل پیمان‌هایی که در زمان جاهلیت باهدف پیشگیری از بی‌نظمی‌ها، آشوب‌ها و پایداری در برابر دشمنان قریش و حمایت از کعبه و اهداف دیگر به وجود آمد، مانند: عهدنامه‌های: «حِلْفُ الْمُطَّيَّبِينَ» و «حلف الفضول» و جز آن، همچنین از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که حضرت فرمودند: برادرانت را ظالم باشد یا مظلوم، یاری کن و او را تنها نگذار! مردی گفت: زمانی که مظلوم باشد با دفع ظلم از وی، او را یاری می‌کنم اما وقتی ظالم باشد و در حق دیگری تعدی و تجاوز کرده باشد، چگونه او را یاری کنم؟ رسول اکرم ﷺ فرمود: او را از ظلم کردن به دیگران منع کن، یاری وی همین است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۳: ج ۳، ۴۰۵)

در سیره عملی معصومین علیهم‌السلام نیز موارد بسیاری از ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم وجود دارد مثلاً زنی شکایت یکی از کارگزاران را به نزد حضرت علی علیه‌السلام برد، آن حضرت گریست و گفت: بار خدایا! من فرمان نداده‌ام تا به بندگان ستم روا داشته شده و حقت ترک شود، سپس کار او را پیگیری و فرمان عزل مأمور ستمگر را صادر کرد. (مغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ۵۳۲)

در دوره ۲۵۰ ساله پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ و به موازات ارتقا ادبیات دینی ظلم ستیزی توسط ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز جنبش‌های خرد و کلان اجتماعی زیادی شکل گرفت که قیام حره، نهضت کربلا، قیام مختار و جنبش نفس زکیه از آن جمله است، پس از آن نیز، قیام‌های متعددی چون علویان طبرستان، سربداران خراسان، مشروطه‌طلبان ایران و انقلاب اسلامی روی داد که این جنبش‌ها به نفع مردم مظلوم و علیه ظلم پادشاهان و استعمارگران بوده، به طوری که در بیشتر این قیام‌های عدالت خواهانه، قدرت اجتماعی یا مردم در برابر قدرت سیاسی یا حکومت جبار زمان خود قرار داشته‌اند.

اما ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم در ادبیات و فرهنگ‌های غیردینی نیز امری پذیرفته شده است، همچنان که تاریخ در این دوره طولانی شاهد قیام‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها علیه

امپراتورها، پادشاه‌ها و دولت‌های ظالم بوده، سرنگونی هیپاس جبار در سال ۵۰۷ قبل از میلاد، شورش ایونیان، از حاکمان ستمگر در ۴۹۳ الی ۴۹۹ قبل از میلاد، به پا خاستن اسپارتکوس در ۷۱ قبل از میلاد علیه نظام برده‌داری روم (شیروودی، ۱۳۸۴: ۱۱) شورش یهودیان به رهبری شمعون بارکوخیا، جنبش باگودا توسط گل‌ها در سال ۲۸۶ میلادی علیه امپراتوری روم، جنبش نیکا در سال ۵۳۲ میلادی در قسطنطنیه علیه ژوستینین، جنبش دهقانی در ۱۳۸۱ میلادی در انگلستان (شیروودی، ۱۳۸۴: ۱۲) انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م، انقلاب فیلیپین در ۱۸۰۰م، انقلاب مکزیک در ۱۹۱۰م، انقلاب روسیه در ۱۹۱۷م، قیام ورشو در ۱۹۴۴م (شیروودی، ۱۳۸۷: ۹۷) اعتراضات گسترده دانشجویی علیه بی‌عدالتی در دهه ۱۹۶۰ اروپا، مواردی از ظلم‌ستیزی در فرهنگ بشر به شمار می‌رود. (کرودن، ۱۴۰۰: ۵)

شاید بتوان گفت وجهی که این نگاه‌ها را از سایر نگاه‌ها متمایز می‌کند در جمع‌آوری مصادیق و راهکارهای مبارزه با مسئله ظلم‌ستیزی باشد.

اهمیت و ضرورت بحث

مبارزه با ظلم در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و جهانی، به عنوان یک فریضه و یک واجب مطرح است، در سطح فردی، هر مسلمانی موظف است از ظلم به نفس خود و دیگران پرهیز کند، در بُعد اجتماعی نیز مسلمانان باید با ظلم و ستمی که در جامعه وجود دارد مبارزه کرده و در مقابل ظالمین بایستند و بالاخره، در سطح سیاسی هم، مسلمانان باید تلاش کنند تا حکومت‌های عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز بر سرکار آیند، از این رو هر فرد مسلمان و هر دولت اسلامی بر اساس منطق و آموزه‌های دینی، موظف به مقابله با ظلم و استکبار جهانی است. در اسلام، مسئله ظلم‌ستیزی آن قدر مهم است که آن، یکی از نشانه‌های جامعه اسلامی به شمار آمده و مصداق آن می‌تواند این آیه شریفه باشد که مظلوم باید بتواند با آزادی کامل، علیه ظالم فریاد بزند! (نساء: ۱۴۸)

در سایر منابع اسلامی مانند روایات نیز موارد متعددی درباره اهمیت دفاع از مظلومان وجود دارد که این موارد نیز حاکی از اهمیت موضوع است. (ابن بطریق، ۱۴۰۷ق: ۲۸۳)

پیامبر اکرم ﷺ نیز کسی که با ظالم همراهی کند را در عقوبت آخرت همسان دانستند که بایستگی مبارزه با ظلم را می‌رساند. (ابومخنف، ۱۴۱۷ق: ۱۷۲)

حضرت علی ؑ هم دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم را یک اصل اساسی و مسلم دانسته

(شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۴) و با تأکید بر بایستگی گرفتن حق مظلوم از ظالم (شریف رضی، ۱۴۱۴ق: ۸۱) بهترین مصداق عدالت را ستیز با ستمگر (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۱۳) و یاری مظلوم (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۹۲) دانسته و تأکید دارند که همگان بایستی مقابل ظالمان و تعدی کنندگان به حقوق مردم بایستند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۲۶۳)

راهکارهای ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی

در این قسمت به راهکارهای ترویج فرهنگ ظلم‌ستیزی پرداخته می‌شود.

معرفی الگوی ستم‌ستیزی

به طور کلی یکی از راه‌های آموزش و معرفی چیزی، همچنین نهادینه ساختن آن در جامعه، معرفی الگوی عملی و کامل است، ظلم‌ستیزی که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دین اسلام نیز هست در حیات پربرکت نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت آن حضرت به نحو احسن، نمودی علمی و عینی داشته، هم‌چنان‌که امام خمینی رحمته‌الله علیه تأکید دارد که حیات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام تماماً مصروف جهاد در راه خدا و مبارزه با ظلم و ظالمان بوده، ایشان جنگ‌های نبی مکرم اسلام، بروز واقعه کربلا، به زندان رفتن امام کاظم علیه‌السلام و مواردی از این دست را شاهدی بر این مدعا دانسته و تأکید دارند اگر ائمه ما صرفاً اهل دعا، نماز و عبادت بودند هیچ‌گاه احترام‌شان از سوی خلفای وقت هتک نمی‌شد اما سیره ایشان بر چنین مطلبی استوار نبود بلکه سیره ایشان، بر تعهد به اسلام، ایستادگی در مقابل ظلم، ستم، دیکتاتوری، قدرت‌های شیطانی و عدم سازش با آنها استوار بود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۵۲۱)

مقام معظم رهبری نیز تأکید دارند امام حسین علیه‌السلام، فلسفه حرکت خود را مقابله با ظلم و جور قرار داده و چنین انسانی، در راه چنین هدفی، دشوارترین مبارزه‌ها را تحمل می‌کند. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۳/۱۷)

از این رو شایسته است مسلمانان به این الگوهای عملی در ظلم‌ستیزی اقتدا کنند، البته این مهم، بایستی با استفاده از رسانه‌های مختلف مانند رسانه‌های الکترونیکی و دیجیتال، نیز استفاده از ظرفیت مجالس اهل بیت علیهم‌السلام و نیز تبلیغ چهره به چهره و مانند آن، صورت پذیرد تا از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار گردد.

مصادیق عینی و زیادی از مبارزه افراد سرشناس با ظلم و سیطره آن در دنیا و به‌ویژه در

جوامع اسلامی وجود داشته که نمونه بارز و سرآمد این افراد، امام خمینی رحمته الله علیه در ایران و در مبارزه با شاه پهلوی و استکبار آمریکایی بود.

وجود رهبر صالح و جمع شدن یاران، گرد او

هیچ قیامی بدون رهبری کاریزما، متفکر و صالح به نتیجه نمی‌رسد همچنان‌که قرآن کریم به درخواست قومی از بنی اسرائیل که از ظلم و ستم خسته شده بودند اشاره دارد که اولین گام ایشان در مبارزه با ظلم (بقره: ۲۴۶) تعیین رهبری صالح است. (جعفری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۵۶۸؛ نیز ر.ک: نساء: ۷۵)

این مسئله در جای جای دنیا هم مشاهده می‌شود چراکه همیشه رهبران صالح، نقش اصلی را در مبارزه با استکبار بر عهده داشتند، مثلاً در سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ که استعمارگران ایتالیایی بندر بنگاری در لیبی را تصرف کردند عمر مختار به جهاد بر ضد آنان برخاست و از سوی همه قبایل به‌عنوان فرمانده کل و رئیس اعلاى مجاهدان جبل الاخضر برگزیده شد، تا آغاز ۱۹۱۶، مجاهدان لیبیایی توانستند بیشتر مناطق اشغال شده را آزاد سازند به طوری که جز شهرهای طرابلس، خمس و زواره، هیچ شهری در اشغال ایتالیاییان باقی نماند و سراسر بخش شرقی لیبی در تصرف سنوسی‌ها - که تا آن زمان رهبری جهاد ملی را بر عهده داشتند - قرار گرفت. قیام و مبارزه میرزا کوچک خان جنگلی در شمال ایران، شهید دلواری در جنوب ایران و موارد دیگر در همین راستاست.

آگاهی‌رسانی برای ترویج ظلم‌ستیزی و جلوگیری از فقر فرهنگی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا﴾ (نساء: ۷۵).

لحن خاصی که در این آیه وجود دارد برای ترغیب و تشویق هر چه بیشتر مسلمانان به سوی جهاد و جنگ است (البته شاید هم توبیخ باشد) زیرا از آنها می‌پرسد که شمارا چه شده است که کارزار نمی‌کنید؟ آن‌گاه دو هدف مهم برای جنگ ذکر می‌کند که هرکدام از آنها به تنهایی کافی است که مسلمان را به حرکت وادارد، هدف اول، راه خدا و بالابردن کلمه توحید و هدف دوم؛ دفاع از مظلومان و بیچارگانی که در دست ستمگران مانده‌اند و بدین گونه، هم

غیرت دینی و هم غیرت انسانی مسلمانان را تحریک می‌کند و به کار می‌اندازد تا ایشان نسبت به ظلم‌ستیزی اقدام نمایند.

همچنین آیه شریفه، هدف از جنگ‌های اسلامی را هم روشن می‌سازد که نخستین و مهم‌ترین هدف، همانا گسترش توحید، نشر دین خدا و ایجاد زمینه برای آگاهی مردم است و اسلام با کسانی که سدّ راه دین بوده یا مانع رسیدن پیام اسلام به مردم باشند، می‌جنگند و این همان «سبیل الله» است، هدف دوم؛ کمک به آن گروه از مؤمنان است که در چنگال ستمگران افتاده و قدرت دفاع از خود را ندارند، اینها آن دسته از ستمدیدگان و بیچارگان از مردان و زنان و کودکان هستند که در يك محیط غیر اسلامی و به صورت يك اقلیت زندگی می‌کنند و به خاطر همین ایمانشان به آنها ظلم و ستم می‌شود و حق آنها پایمال می‌گردد. مثل مسلمانانی که پیش از فتح مکه در این شهر زندگی می‌کردند و به سبب مسلمان بودنشان از طرف مشرکان مورد هرگونه شکنجه و آزار قرار گرفته بودند حتی به آنها اجازه داده نمی‌شد که به مدینه پیش مسلمانان هجرت کنند، ابن عباس می‌گوید: من و مادرم جزو همین مستضعفان بودیم! اینها هیچ چاره‌ای نداشتند جز این که دعا کنند و رو به سوی خدا آورند و از او بخواهند که آنان را از این شهری که اهلش ستمگر است، بیرون سازد و برای آنها سرپرستی و یآوری قرار بدهند.

اینک خداوند در این آیه با لحن تندی مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را به جنگ برای آزادی این گروه از مسلمانان فرامی‌خواند. مسلمانان به این دستور الهی عمل کردند و در سال هشتم هجری به صورت سپاهی عظیم و قدرتمند به مکه حمله کردند و مکه بدون خونریزی فتح شد و مسلمانان دربند آزاد شدند و پیامبر از جانب خود، عتاب بن اسید را حاکم مکه کرد و بدینگونه دعای آن مسلمانان مستضعف مستجاب شد و خداوند آنها را نجات داد و برای آنها سرپرست و یآوری قرارداد و دیگر لازم نشد که از آن شهر بیرون روند (جعفری یعقوب ۱۳۷۶: ج ۲، ۴۸۷).

همچنین گاهی افزون بر استعمارگران، خود مستضعفان نیز در تقویت استکبار نقش دارند و به تبلیغات، دسیسه‌ها و تهاجم فرهنگی مستکبران پاسخ مثبت می‌دهند و از آنها پیروی می‌کنند: «فَيَقُولُ الضُّعْفُو لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا...» «ضعیفان به مستکبران می‌گویند: ما پیرو شما بودیم...»

آیات ۳۱-۳۳ سبأ و ۲۱ ابراهیم نیز حاکی از دسیسه‌های شبانه‌روزی مستکبران برای القای اندیشه‌های خود به مستضعفان و تشویق آنان به پیروی از خود و همچنین بیان‌کننده پیروی

مستضعفان از آنان به سبب ضعف فرهنگی است که در اغلب موارد با ضعف اقتصادی و نظامی نیز توأم است.

بدیهی است استضعافی که به این شکل ایجاد شده، دست کمی از استکبار ندارد و چنین مستضعفانی در گمراهی و عذاب اخروی با مستکبران همراه و همگام اند:

«...وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا أَلْحَنُ صَدَدْنَكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ * وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَلَ فِي آعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْرُونَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

... و اگر ببینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان [برای حساب و جزا] نگه داشته شده اند، درحالی که هرکدام گناه خود را به گردن دیگری می اندازد [از وضع آنها تعجب می کنی]! مستضعفان به مستکبران می گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم. مستکبران به مستضعفان پاسخ می دهند: آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد [و آن را به خوبی دریافتید]؟! بلکه شما خود مجرم بودید. و مستضعفان به مستکبران می گویند: وسوسه های فریبکارانه شما در شب و روز [ما به گمراهی ما شد]، هنگامی که به ما دستور می دادید که به خداوند کافر شویم و همتایانی برای او قرار دهیم. و آنان هنگامی که عذاب را می بینند پشیمانی خود را پنهان می کنند [تا بیش تر رسوا نشوند]. و ما غل و زنجیر در گردن کافران می نهیم؛ آیا جز آنچه عمل می کردند به آنها جزا داده می شود؟!»

در این آیات، مستضعفان در قیامت با خطاب به مستکبران، آنان را سبب بی ایمانی خود می دانند و می گویند: «شما با دسیسه های شبانه روزی، ما را به کفر به خداوند وادار کردید.» مستکبران در قالب استفهام انکاری پاسخ می دهند: «آیا ما راه هدایت را بر شما بسته بودیم؟ این چنین نیست، بلکه شما خود مجرم و گناهکارید.» همچنین آیات فوق به پشیمانی و عذاب اخروی مستکبران و مستضعفان، هر دو، اشاره دارد.

اکنون نیز استعمار تلاش دارد با هیاهوی رسانه ای و تبلیغاتی خود این چنین وانمود کند که هر ملتی که خواهان استقلال بوده و نخواهد ظلم استکبار را بپذیرد محکوم به شکست و یا حداقل با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد شد، در حالی که امر، درست به عکس است چراکه

مقاومت در برابر ظالم، باعث پیشرفت خود و پسرفت دشمن می‌شود افزون بر آن که تسلیم شدن در برابر دشمن نه تنها عزت نمی‌آورد بلکه هر مقداری از عزت هم که وجود داشته باشد را نیز از بین خواهد برد.

در این میان می‌توان به نمونه‌های بسیاری اشاره کرد مثلاً لیبی که معمر قذافی حاکم آن بود، از اقتدار هسته‌ای برخوردار بود اما با وعده و وعید غربیان و اینکه گشایش اقتصادی برایشان حاصل می‌شود از سال ۱۹۷۹ که فشارها بر لیبی آغاز شد تا سال ۲۰۰۱ که در نهایت مقرر شد لیبی در مقابل برداشتن تحریم‌ها از حق خود در داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز نیز صرف نظر کند! قذافی این کار را انجام داد ولی وعده‌ها نصفه و نیمه عملی شد اما تنها پس از گذشت ۵ سال، آمریکا با متحد همیشگی خود انگلستان، به دلیل بالاگرفتن اعتراضات مردمی در لیبی به صورت هوایی به این کشور حمله کردند، هنگامی لیبی مورد حمله کشورهای عضو ناتو قرار گرفت که غربی‌ها توانسته بودند موشک‌هایی با برد بیش از ۳۰۰ کیلومتر را از لیبی خارج نمایند تا هیچ‌یک از کشورهای اروپایی در تیررس موشک‌های لیبی قرار نداشته باشد!

گذشت که انگلستان متعهد شده بود از لیبی در صورت حمله نظامی کشوری دیگر دفاع کند اما با کمال تعجب، این کشور، خود، در حمله به لیبی تحت عنوان نیروهای ائتلاف یا ناتو حضور داشت، مسئولان سیاست خارجی انگلیس در همان زمان پا را فراتر گذاشته و اعلام کردند تا زمانی که ناآرامی‌ها در لیبی ادامه داشته باشد، در این کشور می‌مانند! این‌گونه بود که قذافی همه چیز را نیز از دست داد، آن‌گاه که حرکت‌های انقلابی در لیبی و در پی بیداری اسلامی به راه افتاد، آمریکا و ناتو فرصت را غنیمت شمردند تا علاوه بر نابودی زیرساخت‌های لیبی به بهانه کمک به انقلابیون و هدایت تحولات این کشور در راستای منافع غرب، اجازه ندهند قذافی به دست انقلابیون بیفتد تا محاکمه شود! اسناد و شواهد زیادی از جمله نحوه کشته شدن قذافی نشان می‌دهد که بازداشت وی به وسیله انقلابیون می‌توانست اعتراف تکان‌دهنده و رسواکننده‌ای علیه قدرت‌های غربی به خصوص کمک‌های میلیاردی به رهبران کشورهای غربی از جمله در تبلیغات انتخاباتی داشته باشد و از این رو قتل وی خواست انقلابیون نبود بلکه آنها قذافی را زنده می‌خواستند و گلوله‌های شلیک شده به وی نیز نشان می‌دهد که از سوی یک شخص و یک اسلحه انجام شده است، همان‌گونه که آمریکایی‌ها اجازه ندادند محمدرضا پهلوی به وسیله انقلابیون ایران محاکمه شود و در محاکمه صدام نیز اجازه ندادند که دو تجاوز وی به جمهوری اسلامی ایران و کویت در دادگاه مطرح شود بلکه او را به اتهام

کشتار شیعیان در دره دُجیل عراق محاکمه کردند زیرا اعترافات صدام در این دو زمینه، برای غرب و به خصوص آمریکا رسوایی دیگری به همراه داشت. به این موارد، اعلام قتل بن‌لادن به وسیله آمریکایی‌ها و انداختن جنازه وی به دریا را نیز باید افزود. با این مراتب خیانت آمریکا در عهدشکنی و از پشت خنجر زدن این کشور منحصر و محدود به کشورهای اسلامی نمی‌شود بلکه دامن کره شمالی و روسیه را نیز گرفت. (صلاحی، سهراب، ۱۳۹۸)

نهادینه کردن استقامت و شکیبایی

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَأُورِثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۷).

در آیه شریفه خداوند، پیروزی بنی‌اسرائیل را محصول شکیبایی آنها در مبارزه با فرعونیان می‌داند و صبر و مقاومت را شرط پیروزی بر مستکبران معرفی کرده و می‌فرماید: مستضعفان و ملتی که صابر و مقاوم باشند وارثان زمین‌اند.

طبق این آیه، نخستین اصل اساسی، برای مقابله با مستکبرین و زورگویان، صبر و پایداری در برابر تهاجمات گسترده آنها و مشکلات و گرفتاری‌هاست، زیرا هر قدر دشمن زورگو، قوی‌تر باشد، استقامت بیشتری نیز نیاز است.

ایجاد اتحاد و انسجام

یکی از راه‌های سلطه مستکبرین بر مردم و به استضعاف کشیدن آنها ایجاد تفرقه است، نقطه مقابل تفرقه، اتحاد است پس برای مبارزه با مستکبرین باید در جهت مخالف تفرقه گام برداشت و با وحدت و انسجام ضربه مهمی بر آنها وارد کرد. (آل عمران: ۱۰۳)

در قرآن ضمن تأکید بر برادری مؤمنان، بر سازش میان آنها امر شده (حجرات-۱۰) و اسلام وحدت را از جمع مسلمانان نیز فراتر برده است و حتی از اهل کتاب هم خواسته است که با همراهی مسلمانان حول اصل مشترک توحید حرکت کرده و نفی شرک کنند.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند:

آن کسی که علناً و آشکارا، مقدّسات فرقه‌ای از فرق مسلمین را به باد اهانت می‌گیرد، این همان خواست استکبار است، امروز جدا کردن ملت‌های مسلمان از ملت ایران، یکی از

هدف‌های مشخص و تعریف‌شده‌ی استکبار است، روی این مسئله، برنامه‌ریزی و کار و سیاست‌گذاری می‌کنند و هم در سطح دنیا و هم - متأسفانه - داخل ایران پول خرج می‌کنند. داخل ایران هم مواردی وجود دارد، چون می‌بینند در ایران برادران مسلمان شیعه و سنی، در یک صف واحد، در زیر یک پرچم واحد، با یک شعار واحد، در یک جبهه‌ی واحد، در کنار هم و باهم هستند (با آن مخالفت می‌کند)، در جنگ تحمیلی هشت ساله نیز، از کسانی که می‌خواستند بروند از تمامیت ارضی و مرزهای اسلام در این کشور دفاع کنند، کسی نپرسید شما از کدام طایفه، کدام فرقه، کدام مذهب، کدام لهجه و کدام زبان هستید؟ همه رفتند؛ از همه جا رفتند! در ایران، خون‌ها درهم‌آمیخته شد و انقلاب به معنای حقیقی کلمه، یک اتحاد و یک الفت میان فرق و لهجه‌ها و طوایف مختلف به وجود آورد، استکبار، نمی‌تواند این را ببیند! لذا برای هر فرقه‌ای، بهانه‌ای درست می‌کنند، ساده‌ترین و فریب‌بخورترین افراد را هم در هر فرقه‌ای پیدا می‌کنند و چیزی در دهانش می‌گذارند، تا برود آنچه را که او می‌خواهد، برایشان تکرار کند! همه باید مراقب باشند، هرکسی که امروز به این هدف استکبار کمک کند - یعنی ملت ایران را از ملت‌ها و کشورهای دیگر جدا کند - در نزد خدای متعال، حکم همان دشمنان اسلام و مسلمین را دارد که با اسلام جنگیدند؛ چه امروز و چه در زمان پیامبر! هر کس که امروز به هدف‌های استکبار در قبال ایران اسلامی کمک کند، مثل همان کسی است که در زمان ظهور و نزول اسلام، با آیات الهی جنگید. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳/۵/۱۳۷۵)

برخورد تهاجمی با ظلم و ظالم

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كانَ ضَعِيفاً﴾ (نساء: ۷۶).

در آیه شریفه، قرآن کریم برخورد تهاجمی با استکبار را خواستار شده زیرا مستکبر، مانند حیوانی است که اگر به آن حمله کنی عقب‌نشینی می‌کند و اگر از آن بترسی و گریز کنی دنبال می‌آید! وجود این روحیه در مستکبرین هم اقتضا می‌کند تا مردم مستضعف، همواره در برابر آن‌ها موضع تهاجمی اتخاذ کنند تا آنان زمینه پیشروی پیدا نکنند، زیرا ستمگران اهل شفقت و دلسوزی نیستند لذا بعد از استعمار، به آن ملت رحم نمی‌کنند و دست از استعمار بر نمی‌دارند، حمله امریکا به کشورهای مختلف مانند ویتنام و ... شاهد زنده این مدعا است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در برابر افراد مستکبر، سیره تهاجمی داشتند و در نامه‌ای که به سران ایران، روم و برخی از کشورها فرستادند با آن‌ها از موضع برتری سخن گفتند، به عنوان مثال در

نامه‌ای که ایشان به کسری، پادشاه ایران فرستادند به وی امر کردند که مسلمان شو تا در سلامت باشی... .

تحقیر و شکستن شکوه دروغین مستکبرین

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَ تَذْكَيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ افْضُوا إِلَيَّ وَ لَا تَنْظُرُونَ﴾ (یونس: ۷۱).

رفتار حضرت نوع علیه السلام در برابر قوم سرکش و متکبرش این است که با تحقیرآمیزترین لحن با آنها سخن می‌گوید.

انسان کم ظرفیت و فاقد شخصیت، هنگامی که همه چیز بر وفق مرادش باشد دچار غرور می‌شود و طغیان و سرکشی را شروع می‌کند که نخستین مرحله آن، برتری جویی و استکبار بر دیگران است که برای مقابله با آن، نیاز است شکوه دروغین آنان تحقیر و شکسته شود.

استکبار و ظالمان عالم هم تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد ابهت از طرق مختلف مانند نظامی، سیاسی، اقتصادی و... خود را طرف غالب نشان داده و این مطلب را بین جوامع ترویج کنند که کسی را یارای مبارزه با ایشان نیست و کسانی که با ایشان مبارزه کنند فقط خود را نابود می‌کنند! لذا بایستی این هیمنه پوشالی به چالش کشیده شده و با مبارزه با آن به همگان شکست پذیری ایشان اثبات و تثبیت شود.

در همین راستا می‌توان به شکست‌های متعددی که آمریکایی‌ها در طول سال‌ها جنایت و حمله به کشورهای بی‌سپهره و ظلم آنها را نپذیرفتند اشاره کرد، مثل حمله آمریکایی‌ها به جزیره مکین در اقیانوس آرام که ناکام ماندند. همچنین است عملیات کنترل بر ارتفاع ۲۰۵ در کره شمالی است که در تاریخ ۲۵ نوامبر سال ۱۹۵۰ رخ داد و نیروهای ویژه آمریکایی شکست خوردند.

نمونه دیگر، شکست عملیات «پنجه عقاب» در ایران است که نیازی به توضیح ندارد، در همین راستا می‌توان به شکست عملیات «جرقه خشم» آمریکا در گرانادا به دلیل مقاومت مردم در سال ۱۹۸۳ اشاره نیز کرد که با شکست آمریکایی‌ها توأم بود. (خبرگزاری تسنیم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، ۵ شکست بزرگ عملیات ویژه آمریکا در جهان)

براین اساس ملت‌های مظلوم باید بدانند که شکوه مستکبران واقعی نیست و ایشان می‌توانند در مقابل دشمن ایستادگی و آنان را وادار به شکست کنند.

جلوگیری از ترویج فرهنگ گناه

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا جامعه از ظلم‌ستیزی دست برداشته و ظلم را پذیرا شوند انجام گناه است، همچنان که قرآن کریم درباره فرعون و قومش می‌فرماید:

﴿فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف: ۵۴).

زیرا فرعون، قوم خویش را خوار و خفیف می‌کرد تا از این راه بر ایشان غلبه نماید، به عبارت دیگر یکی از راه‌هایی که باعث می‌شود افراد در برابر ظلم ظالمان نایستند تحقیر شدن ایشان است، چراکه افراد خوار و ذلیل، هیچ‌گاه ظلم را دفع نکرده و با آن مبارزه نخواهند کرد، شاهد این مسئله روایتی از امیرالمومنین علیه السلام است که تأکید دارند آدم حقیر و ذلیل از ستم و بیدادگری جلوگیری نمی‌کند! (ابن حیون، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۷۴)

به عبارت دیگر، دور کردن انسان‌ها از منطق، عقل، دانش، فطرت و گرفتار و آلوده ساختن ایشان به تعصبات بی‌پایه، نیز غرق ساختن ایشان در شهوات و هواهای نفسانی باعث می‌شود تا انسان به این نقطه از حضيض ذلت برسد، بدیهی است که اگر انسان به این جایگاه رسید، دیگر تحمل ظلم برای او سخت نیست و چنین شخصی ظلم را از خود دفع نمی‌کند. (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲، ۴۹۵)

نکته دیگری هم در آیه شریفه وجود دارد و آن این‌که تنها، فرعون باعث چنین وضعیتی نبود بلکه مردم با فسق خود، یعنی مخالفت با دستورات الهی، این زمینه را فراهم آوردند که فرعون ایشان را خوار و ذلیل کند، بنابراین می‌توان گفت که فسق و مخالفت با دستورات الهی و ارتکاب گناهان، زمینه را برای تحقیر شدن و پذیرش تحقیر فراهم می‌کند سپس انسان از سوی ظالمان تحقیر شده و او این حقارت را می‌پذیرد و در ادامه ظالمان بر گرده ایشان سوار شده و در این حالت هر ظلمی به این مردم روا دارند آنان اعتراضی نخواهند داشت، (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۲، ۴۹۶) شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که امروزه استکبار همیشه در تلاش است تا مردم را به پیروی از هواهای نفسانی و ایستادن در برابر دستورات خدای تعالی و در یک کلمه تشجیع و ترغیب افراد به ارتکاب گناه تحت عناوین مختلف مانند: آزادی، اومانیسیم و مانند آن وادارد، همین مسئله باشد چراکه گناه، زمینه تحقیر و تحقیر زمینه اطاعت از ستمگران و

عدم ظلم‌ستیزی را در پی خواهد داشت از این رو بایستی از رسیدن مردم، به‌ویژه امت اسلامی به این نقطه جلوگیری شود، این امر با تشویق مردم به اطاعت از دستورات الهی و ترک معاصی الهی امکان‌پذیر است، چه در غیر این صورت، ظالمان و ستمگران به‌ویژه ظالمان فراملی، بر مردم چیره شده و مردم هم نسبت به ظلم ایشان اعتراض و حرکت تقابلی‌ای نخواهند داشت. از دیگر عوامل استخفاف، نیازمندی، طمع، دنیاگرایی و وابستگی است شاهد این مسئله آن‌که امیرالمومنین علیه السلام فرمودند:

أَزْرَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشَعَرَ الظَّمْعَ، وَ رَضِيَ بِالذَّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرْبِهِ، وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ
مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ (حرانی، ۱۳۶۳: ۲۰۲)؛

آن‌که طمع را شعار خود سازد، خود را خوار ساخته و هر که پریشان‌حالی خویش با دیگران در میان نهد، تن به ذلت داده است و کسی که زبانش بر او فرمان راند، بی‌ارج شود.

بدیهی است که بایستی برای جلوگیری از این استخفاف، عواملی که در روایت یادشده را مدنظر قرار داده و از بروز آنها جلوگیری نمود تا استخفاف برای فرد و جامعه، ایجاد نشود.

توکل به خدا و دعا

معمولاً فرد مظلوم، خود را در مقابله با دشمن، ضعیف می‌بیند لذا مقابله با ظالم را امری غیرممکن می‌داند! دشمن نیز از این مسئله نهایت استفاده را می‌برد، چراکه فرد یا کشور هدف را تهدید به حمله نظامی یا محاصره اقتصادی و مانند آن کرده و در صورت مقاومت او ممکن است حتی حمله نظامی نیز داشته باشد امری که در اوائل انقلاب و به دستور دو ابرقدرت شرق و غرب، علیه نظام نو پای جمهوری اسلامی شکل گرفت، در این وقت است که استقامت و پایداری، موضوعیت ویژه می‌یابد چه اگر استقامت و پایداری رزمندگان و ملت شریف ایران درنبرد دفاع مقدس هشت ساله نبود، الآن دیگر ایرانی به شکل کنونی، وجود خارجی نداشت! لذا بایستی این امر برای همگان تبیین شده و توکل به خدای تعالی در کنار پایداری و ایستادگی به عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای مبارزه با استکبار و ظلم‌ستیزی مدنظر قرار گیرد.

استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ملت‌ها به‌ویژه مسلمانان

امام خمینی رحمته الله علیه، وابستگی فکری مستضعفان به مستکبران و استقلال فکری و درونی نداشتن آنان را سرچشمه وابستگی‌های دیگر می‌دانست و راه نجات ایشان را در بیدارشدن از خواب مصنوعی تحمیل‌شده بر برخی اقشار به‌خصوص متفکران و روشنفکران کشورهای

مستضعف می‌دید، همان‌گونه که بیداری ملت‌های مستضعف را نخستین گام، برای رسیدن به پیروزی می‌دانست، ایشان ظلم‌پذیری و تن دادن به اسارت مردم مستضعف و مظلوم جهان را بدتر از ستم ستمکاران به شمار می‌آورد و به همه کشورهای زیر سلطه مستکبران هشدار می‌داد اگر به خود متکی نباشند تا ابد گرفتار خواهند ماند! ایشان با اشاره به اینکه حق، گرفتنی است، راه نجات از سلطه غرب را روی پای خود ایستادن و قیام و تاختن بر عوامل بیگانه و بیرون کردن آنان از میدان می‌دانست.

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است استکبار جهانی در دوران خواب و ناآگاهی مسلمانان، اسلام و قرآن را خطری بزرگ می‌داند که با عوامل داخلی و خارجی و بهره‌گیری از نویسندگان، گویندگان و خطیبان وابسته در کشورهای اسلامی نفوذ کرده‌اند، بنابراین توطئه‌گری و دسیسه‌چینی استکبار در کشور باید جدی گرفته شود و با آنها مبارزه کرد. (موسوی خمینی، ۱۴۰۰: ج ۱، ۶۹۸)

نتیجه‌گیری

این نگاشته پیرامون مسئله ظلم‌ستیزی و راهکارهای مواجهه با آن به‌ویژه در جامعه اسلامی، گفتگو کرد زیرا مسئله ظلم‌ستیزی در اسلام و به‌ویژه فرهنگ مهدویت، از اهمیت و جایگاه بسیار مهمی برخوردار است و آن یکی از زمینه‌های ظهور شمرده می‌شود، بررسی‌ها نشان داد راهکارهای زیادی برای نهادینه‌سازی ظلم‌ستیزی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ارائه و معرفی الگوی ظلم‌ستیزی، وجود و برخورداری از رهبری صالح و یاران پیرو، نهادینه کردن استقامت و شکیبایی بین مردم در مواجهه با ظلم و ظالم، ایجاد اتحاد و انسجام بین مردم، برخورد تهاجمی با استکبار، تحقیر و شکستن شکوه دروغین دشمن، جلوگیری از ترویج گناه میان مردم و بالاخره ترویج فرهنگ دعا و توکل به خدا در بین مردم که همه این موارد با کمک رسانه و تبلیغ سنتی و استفاده از ظرفیت‌های مجازی قابل انجام است، اما نکته‌ای که ذکر آن در این‌جا لازم است آن‌که این نگاشته به هیچ‌عنوان مدعی آن نیست که همه راهکارهای ظلم‌ستیزی را استقصاء و بررسی نموده زیرا موانع مختلف مانند محدودیت صفحات و مانند آن، این نگاشته را از این‌که بتواند تمامی راهکارهای نهادینه‌سازی ظلم‌ستیزی در جوامع، به دست آورد بازداشت، اما راه برای انجام این مهم، فراروی محققان اسلامی باهدف به دست آوردن موارد یادشده، هم‌چنان فراخ است تا با بررسی جامع‌تر این مسئله، به‌ویژه با رویکرد دینی، گامی مهم در اطلاع‌رسانی به مردم و ایجاد انگیزش

در ایشان برای ظلم ستیزی و نهادینه سازی آن در جوامع مختلف و در نهایت از بین رفتن ظلم و زمینه سازی برای ظهور را شاهد باشیم.

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶ ش، *الأمالی*، تهران، نشر کتابچی، چاپ ششم.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م، *علل الشرائع*، قم، کتاب فروشی دآوری، چاپ اول.
- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳ ق، *معانی الأخبار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار*، قم، جماعة المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ ق، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن فارس ابوالحسین، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، ۱۴۱۷ ق، *وقعة الطّف*، قم، جامعه مدرسین قم، چاپ سوم.
- انصاریان، حسین، ۱۳۸۳ ش، *ترجمه قرآن*، قم، نشر اسوه، چاپ اول. (در ترجمه آیات، از این ترجمه استفاده شده است.)
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ ش، *نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)*، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، *غرر الحکم و درر الکلم (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی علیه السلام)*، قم، دار الكتاب الإسلامي، چاپ دوم.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، ۱۴۱۰ ق، *الغارات أو الإستتفار والغارات*، قم، دار الكتاب الإسلامي، چاپ اول.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۶، *تفسیر کوثر*، انتشارات هجرت، قم، چاپ اول.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ق، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حرانی ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ، چاپ اول.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، نشر شریف رضی، چاپ اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار العلم، دمشق، الدارالشامیة، چاپ اول.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، دمشق، دار الفکر، چاپ دوم.
- شیروودی، مرتضی، ۱۳۸۴ش، *غرب شناسی*، قم، زمزم هدایت، چاپ اول.
- صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول.
- صلاحی، سهراب، بررسی یک عبرت تاریخی؛ زمینها و شرایط انعقاد معاهده برجام، روزنامه کیهان. ۱۳۹۸/۰۴/۲۲.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- فرگل، اشپیل، ۱۳۸۰ش، *تمدن مغرب زمین*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
- فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۳ش، *المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۵ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر قمی*، قم، دار الکتب، چاپ سوم.

- کرودن، الکساندر، ۱۴۰۰ش، جنیش دانشجویی دهه ۱۹۶۰، ترجمه فاطمه شاداب، تهران، ققنوس، چاپ اول.
- کواکبی، عبدالرحمان، ۱۴۰۰ش، طبیعت استبداد، ترجمه حمید عنایت، تهران، نشر علم، چاپ اول.
- کراچکی، محمد بن علی، ۱۳۹۴ق/۱۳۵۳ش، معدن الجواهر وریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۴۰۷ق، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
- لیشی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶ش، عیون الحکم و الموعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول.
- مدرس، محمدتقی، ۱۴۱۹ق، من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین علیه السلام، چاپ اول.
- مغربی، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، چاپ اول.
- مفید، محمد بن محمد نعمان، ۱۴۱۳ق، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۱ش، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۸ش، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ بیستم.
- موسوی خمینی، سید روح الله، ۱۳۸۹ش، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ پنجم.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، ۱۴۰۰ق، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة، تهران، مكتبة الإسلامية، چاپ چهارم.



"Explaining the Role and Function of the Axis of Resistance Regarding the Palestinian Issue from the Perspective of the Supreme Leader (2011–2024)"

Dr. Seyyed Hadi Zarghani ¹

Farzad Abedi Shoja ²

Abstract

The Zionist regime, through its occupation of Palestinian land and the expulsion of its people, has entangled the West Asian region in its crimes for over seven decades. Imam Khomeini(RA), understood the danger of Zionism and the necessity of forming a united Islamic front against the Zionist enemy, and played an important role in explaining the issue of Palestine and the necessity of fighting the oppressive and occupying Zionist regime. After him, the Supreme Leader has devoted special attention to leading the causes of Palestine and Lebanon - so much so that, both in the realm of thought and on the ground, we are witnessing the growing strength of the Resistance Front and the remarkable contributions of Palestinian resistance organizations, Hezbollah in Lebanon, and others. The Resistance Front is a geopolitical coalition consisting of state actors such as Iran and Syria, and non-state actors like Hezbollah and Hamas, united by shared national and ideological interests in their opposition to the global hegemonic order led by the United States. This axis reflects the identity of the Islamic Revolution of Iran and promotes an Islamic discourse in international politics. In This study, using the “content analysis” method, examines the roles and functions of the components of the Axis of Resistance concerning the Palestinian issue from the perspective of the Supreme Leader during the years 2011 to 2024 (1390 to 1403 in the Iranian calendar). The findings indicate that Palestinian resistance is a multidimensional concept, whose advancement is only possible through the collective participation of all elements within the Axis of Resistance. From the viewpoint of the Supreme Leader, the roles and functions of the actors and pillars of the Resistance Axis can be categorized into five groups: the role and function of the Islamic Ummah, Islamic governments, the Islamic Republic of Iran, the Palestinian people, and finally, the elites and the media.

Keywords: Axis of Resistance, Palestine, Role and Function, Islamic Ummah, Supreme Leader

1. Associate Professor of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran(h-zarghani@um.ac.ir)

2. Ph.D. Candidate in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author)(f.abedishoja@ut.ac.ir)

تبیین نقش و کارکرد محور مقاومت پیرامون مسئله فلسطین از نگاه مقام معظم رهبری (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳)

سیدهادی زرقانی^۱
فرزاد عابدی شجاع^۲

چکیده

رژیم صهیونیستی با اشغال سرزمین فلسطین و بیرون راندن مردم آن، هفت دهه منطقه غرب آسیا را با جنایات خود درگیر کرده است. حضرت امام خمینی علیه السلام با درک خطر صهیونیسم و بایستگی تشکیل جبهه متحد اسلامی بر علیه دشمن صهیونی، نقش مهمی در تبیین مسئله فلسطین و ضرورت مبارزه با رژیم زورگو و اشغالگر صهیونیستی داشت. بعد از حضرت امام علیه السلام، مقام معظم رهبری با اهتمام ویژه‌ای به راهبری مسئله فلسطین و لبنان پرداختند؛ به طوری که هم در حوزه اندیشه و هم در عرصه میدان شاهد تقویت روزافزون جبهه مقاومت و نقش آفرینی کم نظیر سازمان‌های مبارز فلسطین و حزب الله لبنان و... هستیم. جبهه مقاومت ائتلافی ژئوپلیتیک از بازیگران دولتی مانند ایران و سوریه و غیردولتی چون حزب الله و حماس است که با منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک، علیه نظام سلطه به رهبری آمریکا فعالیت می‌کنند. این جبهه یا محور بازتاب هویت انقلاب اسلامی ایران و ترویج ادبیات اسلامی در سیاست بین‌الملل است. این پژوهش با روش «تحلیل محتوا»، به بررسی نقش و کارکرد ارکان محور مقاومت درباره مسئله فلسطین از نگاه مقام معظم رهبری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، مقاومت فلسطین، یک مقوله چندبعدی است که پیشبرد آن جز با مشارکت همه آحاد محور مقاومت میسر نیست. از منظر مقام معظم رهبری می‌توان نقش و کارکرد ارکان و بازیگران محور مقاومت را در قالب پنج گروه شامل نقش و کارکرد امت اسلامی، دولت‌های اسلامی، جمهوری اسلامی ایران، ملت فلسطین و در نهایت نقش و کارکرد نخبگان و رسانه‌ها طبقه‌بندی کرد.

واژگان کلیدی

محور مقاومت، فلسطین، نقش و کارکرد، امت اسلامی، مقام معظم رهبری.

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (h-zarghani@um.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (f.abedishoja@ut.ac.ir).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳

مقدمه

تسخیر یک کشور و بیرون کردن مردم برای همیشه از خانه و کاشانه و سرزمین اجدادی خود، آن هم با فجیع‌ترین انواع قتل و جنایت؛ کوتاه‌ترین شرح ممکن از چیزی است که رژیم صهیونیستی بر سر فلسطین آورده و همچون یک غده سرطانی هفت دهه منطقه غرب آسیا و جهان اسلام را درگیر خود کرده است. مبارزه فلسطین با وجودی که پیش از طلوع انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده بود، اما انقلاب اسلامی، موجب پدید آمدن «محور مقاومت» در منطقه شد و امید به حل مسئله فلسطین در ذهن مبارزان ضد صهیونیستی افزایش پیدا کرد. به گونه‌ای که سیر صعودی قدرت مقاومت اسلامی در فلسطین سرانجام منجر به عملیات قهرمانانه طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ شد. وقایع پس از حماسه طوفان الاقصی بار دیگر نشان داد تاکید مداوم رهبر معظم انقلاب مبنی بر جانی بودن صهیونیست‌ها و ضرورت تقابل با آنها تا چه میزان مهم و بجا بوده است. افزایش سرعت تحولات، جهان و به طور مشخص غرب آسیا را آبدستن حوادثی مهم و تاثیرگذار با محوریت آرمان فلسطین کرده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر و پشتیبان معنوی محور مقاومت در این مدت حدود ۱۵ ماهه نقشی بسیار مهم ایفا کرد؛ از پوشش رسانه‌ای جنایات رژیم اسرائیل تا رایزنی‌های دیپلماتیک برای منزوی کردن اسرائیل در مجامع جهانی و حمایت‌های لجستیکی و نظامی از مقاومت فلسطین تنها گوشه‌ای از اقدامات حمایتی ایران بوده است. ایفای چنین نقشی بار دیگر نظرها را به سوی تاثیری که مواضع نظری و عملی رهبر معظم انقلاب پیرامون مسئله فلسطین در داخل و خارج از ایران برجای می‌گذارد، برگرداند. از جمله نقش‌ها و وظایف یک رهبر مقتدر، تبیین ایدئولوژی یک نظام سیاسی است و این تبیین در مجموعه‌ای از بیانات و نامه‌ها و مقالات و... تبلور می‌یابد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) با پیشگامی در جهاد تبیین به بسیاری از زوایای موضوع فلسطین در تاریخ‌ها، مناسبت‌ها و جلسات گوناگون پرداخته است. مسئولیت‌ها، نقش‌ها و کارکردهای محور مقاومت درباره مسئله فلسطین، از جمله زوایای دارای اهمیت و جزو محورهای مهم تبیینی آیت‌الله خامنه‌ای بوده است. لذا در این پژوهش به نقش و کارکرد ارکان محور مقاومت در مسئله فلسطین از منظر مقام معظم رهبری از سال ۱۳۹۰ تا به امروز (۱۴۰۳) می‌پردازیم.

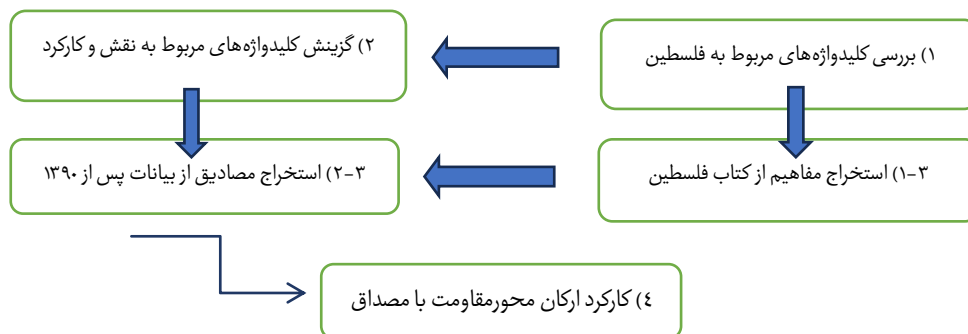
جامع‌ترین اثری که به جایگاه فلسطین در سپهر فکری مقام معظم رهبری پرداخته است، کتاب «فلسطین، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)» (صلح میرزایی، ۱۳۹۰)، که به کوشش

سعید صلح میرزایی گردآوری شده است، دانست. این کتاب در هشت بخش و نوزده فصل با مقدمه‌ای از علی اکبر ولایتی تنظیم شده و به ترتیب به مواردی چون اهمیت روز قدس، اهمیت فلسطین برای ایران و جمهوری اسلامی، تاریخچه پیروزی‌ها و شکست‌ها، مسئولیت‌ها، جنایات رژیم، راه حل و افق آینده، قهرمانان و روشنگری درباره مسئله فلسطین، از نگاه رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. صلح میرزایی برای تالیف این کتاب، از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) از ابتدای انقلاب تا سال ۱۳۹۰ درباره فلسطین در مناسبت‌ها و جلسات مختلف بهره گرفته است. یکی از نقاط قوت کتاب همانگونه که ذکر شد جامعیت و شمولیت آن و دیگری نوع تقسیم‌بندی ارائه شده در کتاب است که الگوی اولیه پژوهش حاضر را نیز به دست داد.

دیگر اثر قابل توجه، مقاله «مقاومت و همه‌پرسی، شاخص‌های حل مسئله فلسطین براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (با ارائه رویکردهای رسانه‌ای)»، نوشته بهنام خسروی و شهره پیرانی است. مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که مقام معظم رهبری، برای حل مسئله فلسطین چه راهکاری را پیشنهاد می‌دهند و از مصاحبه و فیش‌برداری از سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)، برای نیل به پاسخ استفاده می‌کند. یافته‌های مقاله او بیانگر این است که مقام معظم رهبری مدام بر مقاومت و همه‌پرسی تاکید کرده‌اند. در واقع ایشان همه‌پرسی را برآمده از جهاد و ناشی از مقاومت مردم فلسطین می‌دانند که منجر به تاسیس دولت فلسطین خواهد شد. پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی توسط مقام معظم رهبری مطرح شده و از طرف ایران در سازمان ملل نیز ثبت شده است (خسروی و پیرانی، ۱۳۹۹: ۴۰-۳۷).

پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است و این کار با استفاده از «تحلیل محتوا» صورت گرفته است. تحلیل محتوا یکی از انواع چهارگانه پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی محسوب می‌شود که به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام‌مند انجام می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۷).

شکل ۱: مدل فرآیندی پژوهش (نگارندگان)



مفاهیم نظری

محور مقاومت

مقاومت را به فارسی ایستادگی، استواری و پایداری ترجمه کرده‌اند. عمده‌ترین هدف مقاومت اسلامی بازگرداندن دین به عرصه زندگی و ساختن تمدن جدید اسلامی با گستره جهانی است (ولایتی، ۱۳۹۲: ۵). محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطق‌های، متشکل از مجموعه بازیگران دولتی مثل ایران و سوریه (پیش از سقوط بشاراسد) و غیردولتی مانند حزب الله لبنان و حماس است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقل و مقاومت محور خود، نظام سلطه با محوریت ایالات متحده آمریکا را نقد کنند (رضاخواه، ۱۳۹۲: ۱). در واقع آنچه محور مقاومت خوانده می‌شود انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است. زبان سیاسی مقاومت را می‌توان انعکاس ظهور ادبیات اسلامی در روابط و سیاست بین الملل دانست (پوستین‌چی و متقی، ۱۳۹۰: ۹۸). انقلاب اسلامی ایران زمانی شکل گرفت که نظام جهانی بر پایه غرب محوری نزدیک به چهار قرن به عنوان امری بدیهی و تثبیت شده توسط جامعه جهانی پذیرفته شده بود. هر نوع تحولی هم که در این نظام در ابعاد گوناگون فکری، فرهنگی و اقتصادی و گفتمان‌های جدید مطرح می‌شد نشأت گرفته از غرب بود (محمدی، ۱۳۸۴: ۵۷). طرح جمله معروف امام خمینی رحمته‌الله‌علیه که «آمریکا بدتر از انگلیس، انگلیس از آمریکا بدتر و شوروی از هر دو بدتر، همه از همه پلیدتر» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۲۰) بارزترین نماد مقابله انقلاب ایران با نظام سلطه در ابتدای پیروزی انقلاب بود. انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی، نه غربی» علاوه بر اینکه نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را به عنوان بزرگترین دشمن و دگر خود معرفی کرد، یک جهان بینی، ارزش‌های فرهنگی و شیوه زیست اجتماعی متفاوت نیز معرفی کرد که مورد توجه

ملت‌ها قرار گرفت و موجب پیدایش و رشد طیف‌های جدیدی از مقاومت گردید که تلاش می‌کنند جایگاه سیطره طلبی قدرت‌های جهانی را به نقد بکشانند، برای مثال حزب الله (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۸: ۳۳).

فلسطین

درگیری بین فلسطینی‌ها و رژیم اسرائیل ریشه در اوایل قرن بیستم و مهاجرت گسترده یهودیان به فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا دارد. با پایان جنگ جهانی دوم و تصمیم سازمان ملل برای تقسیم فلسطین، درگیری‌های خونینی بین یهودیان و اعراب آغاز شد. در سال ۱۹۴۸، با اعلام تأسیس کشور اسرائیل، جنگ اعراب و اسرائیل به وقوع پیوست که منجر به اشغال بخش اعظم سرزمین‌های فلسطینی توسط اسرائیل و آواره شدن میلیون‌ها فلسطینی شد. از آن زمان تاکنون، درگیری‌ها به صورت متناوب ادامه داشته و منجر به چندین جنگ و درگیری مسلحانه شده است. مسئله فلسطین یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین درگیری‌ها در تاریخ معاصر است که تاکنون راه حل دائمی برای آن پیدا نشده است. رشد بیداری اسلامی در خاورمیانه در قالب جنبش‌های پایداری در برابر آمریکا و بازوی نظامی آن در منطقه یعنی رژیم اسرائیل، در فلسطین و لبنان، همچنین در سوریه و یمن را می‌توان از اصلی‌ترین ثمرات انقلاب اسلامی قلمداد کرد. نخستین تأثیر ائتلاف محور مقاومت در مناسبات مجموعه امنیتی خاورمیانه، تأکید بر ضرورت دفاع از مردم فلسطین است. درواقع حمایت‌های محور مقاومت از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی کردن اصول این ائتلاف دانست (عسکری و معین آبادی، ۱۴۰۰: ۱۴۲).

یافته‌ها

بدون شک مقام معظم رهبری در مناسبت‌ها و موقعیت‌های گوناگون و با کلمات، تعابیر و مفاهیم بسیاری به مسئولیت‌ها و نقش و کارکرد محور مقاومت اشاره کرده‌اند، همچنین این کارکردها دارای ابعاد مختلفی است و خطاب به اقشار مختلف مردم یا ارکان و بازوهای محور مقاومت بیان شده است و می‌توان با دلایل و شیوه‌های مختلف اقدام به تقسیم‌بندی و مولفه‌سازی از آنها در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر کرد. صلح میرزایی در فصل هشتم کتاب با نام مسئولیت‌ها، یک تقسیم‌بندی در قالب مفاهیم هشت‌گانه ارائه داده است. در این پژوهش به ارزیابی پنج مورد از مفاهیم مذکور با عنوان نقش و کارکرد می‌پردازیم با این تفاوت که بررسی

حاضر به پس از سال ۱۳۹۰ اختصاص دارد و نگاه رهبر معظم انقلاب نیز تبیینی (و تجویزی) است. ملاک تفکیک کلیدواژه‌ها، مخاطب [احتمالی و قطعی] آنها بوده است. همچنین در بخش مصادیق تلاش شده تا مصادیق از نظر زمانی، دایره مخاطبین و همین‌طور محتوا، پراکندگی و گسترش داشته باشند. ذکر این نکته نیز لازم است که در پژوهش حاضر به دلیل نپرداختن محدودیت‌های یک مقاله پژوهشی، صرفاً مصادیقی انتخاب شده که پیوند وثیق و مستقیمی با مسئله پژوهشی داشته باشند. هر یک از مفاهیم پنج‌گانه در این پژوهش مخاطب/یک رکن [از ارکان محور مقاومت] نام‌گذاری شده‌اند و هر بخش اختصاص به یکی از ارکان محور مقاومت دارد. کلیدواژه‌های اولیه و مفاهیم پنج‌گانه^۱ در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: کلیدواژه‌ها و مخاطب (ارکان محور مقاومت)

مخاطب (ارکان محور مقاومت)	کلیدواژه‌ها
نقش و کارکرد امت اسلامی	غفلت آحاد مردم، غفلت دنیای اسلام، حضور فعال، تشخیص میدان، کمک به فلسطین، فشار به دولت و علما، کارنمادین
نقش و کارکرد دولت‌های اسلامی	تکلیف دینی، تقویت نظامی، پشتیبانی مالی، محکوم کردن، بسیج، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب، قطع روابط، حساسیت، صف‌آرایی
نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران	حمایت از فلسطین، دشمنی با رژیم صهیونیستی، منحرف نشدن، همراه مردم، موضع اصولی، موضع قطعی، ایستادگی، هزینه، عمل
نقش و کارکرد مردم فلسطین	مقاومت، مجاهدت، رشادت، فداکاری، تنها، تسلیح، آماده‌ی دفاع، روحیه، مجاهدت همگانی، ادامه، رسالت عظیم، ائتکال، جایگاه ارزشمند، اتحاد، هوشیاری،

۱. در کتاب فلسطین، مسئولیت رسانه‌ها و نخبگان؛ همچنین امت اسلامی، مسئولیت روز قدس و دیگر اقشار، جدا در نظر گرفته شده که اینجا به دو دلیل تلفیق شده‌اند. اول قرابت مفهومی آنها و دوم به این دلیل که سال‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر کمتر است و به دفعات کمتری هر یک از اقشار به صورت جدا مورد خطاب رهبر انقلاب در زمینه فلسطین قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها	مخاطب (ارکان محور مقاومت)
ممانعت از فراموشی، فراموشی، جهانی، اهتمام به قضیه، واکنش، حق شناس، بی تفاوت، اولویت فلسطین، هم افزایی، تقویت خط جهاد و شهادت، حرکت سراسری، وظیفه‌ی دینی و ملی، محک، آزادی قدس	نقش و کارکرد نخبگان و رسانه‌ها

نقش و کارکرد امت اسلامی

مسئله فلسطین بدون شک موضوعی انسانی و اسلامی است که به دور از مرزهای جغرافیایی و سیاسی تعریف می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی، این مسئله را به عنوان اولویتی محوری در سیاست خارجی و وظیفه‌ای دینی برای همه مسلمانان می‌داند. براساس این دیدگاه، امت اسلامی وظیفه دارد که با اتحاد و همبستگی، از حقوق مردم فلسطین حمایت کند و در برابر ظلم و اشغالگری ایستادگی نماید. این وظیفه شامل فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای آگاه‌سازی جوامع جهانی و فشار بر قدرت‌های استعماری است که از اشغالگری حمایت می‌کنند. از نظر رهبر معظم انقلاب، وظیفه امت اسلامی در قبال فلسطین نه تنها بر مبنای اصول انسانی و اسلامی است، بلکه از منظر راهبردی نیز به عنوان عاملی برای مقابله با تفرقه افکنی‌های دشمنان در جهان اسلام محسوب می‌شود. ایشان بر این باورند که آگاهی بخشی به افکار عمومی درباره مظلومیت ملت فلسطین و ایجاد همبستگی در میان کشورهای اسلامی، ابزارهایی مؤثر برای مقابله با اشغالگری هستند. همچنین، از نظر ایشان حمایت از مقاومت ملت فلسطین و افزایش ظرفیت‌های داخلی این کشور برای همه‌پرسی از راه‌های عملی برای تحقق آرمان آزادی قدس شریف و پایان دادن به رنج‌های مردم فلسطین است. در جدول زیر به مصادیقی از بیانات مقام معظم رهبری درباره نقش و کارکرد امت اسلامی پیرامون مسئله فلسطین اشاره شده است.

جدول ۲: مصادیق مرتبط با مفهوم «نقش و کارکرد امت اسلامی» در بیانات مقام معظم رهبری

بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۹۳/۶/۱۶	شما نگاه کنید به این قضایای جنگ پنجاه روزه‌ی غزه، ببینید چطور یک جمع محدود تهیدست فلسطینی ... توانستند بر رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است غلبه پیدا کنند، ... این نشان دهنده‌ی این است که ما در درون خودمان قوی هستیم، ... قدرت خودمان را دست کم نگیریم.
---	---

<p>پاسخ رهبر انقلاب به نامه آقای اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس ۱۳۹۷/۱/۱۵</p>	<p>... شدت یافتن ظلم و قساوت دشمن صهیونیست در غزه، دلپستگان به مسئله‌ی فلسطین را غمگین و خشمگین ساخته ... ما خود را موظف به حمایت از شما [مردم فلسطین] از هر نوع آن می دانیم. این وظیفه‌ای دینی و نیز فریضه‌ای انسانی و فراتر از حوادث و تحولات سیاسی است ... دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و جریان‌ات اسلامی همگی مخاطب و موظف به این وظیفه‌ی بزرگند ... مسئله‌ی فلسطین در رأس همه‌ی مسائل بین‌الملل اسلامی در مقابل استکبار است ... ملت‌ها و بویژه جوانان غیور در کشورهای اسلامی و عربی و نیز دولت‌هایی که نسبت به فلسطین احساس مسئولیت می‌کنند، باید این وظیفه‌ی بزرگ را کاملاً جدی بگیرند و با مجاهدت حماسی و مدبرانه دشمن را مجبور به عقب‌نشینی به سمت نقطه‌ی زوال کنند.</p>
<p>پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۹۸/۵/۱۹</p>	<p>... مسئله‌ی فلسطین در رأس همه‌ی مسائل سیاسی مسلمانان با هر مذهب و نژاد و زبان قرار دارد ... این ملت به توفیق الهی شکست را نپذیرفته و از پاننشسته و امروز از دیروز پُرشورتر و شجاعانه‌تر در میدان است؛ ولی نتیجه‌ی کار نیازمند کمک همه‌ی مسلمانان است. ترفند معامله‌ی قرن که به وسیله‌ی آمریکای ظالم و همراهان خائنش زمینه‌سازی میشود، جنایتی در حق جامعه‌ی بشری و نه فقط ملت فلسطین است. ما همگان را به حضور فعال برای شکست این کید و مکر دشمن فرا میخوانیم ...</p>
<p>بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۴۰۲/۸/۱۰</p>	<p>امت اسلامی بایستی بدانند قضیه‌ی چیست، میدان را تشخیص بدهد. میدان، میدان غزه و اسرائیل نیست، میدان حق و باطل است. میدان، میدان استکبار و ایمان است؛ یک طرف قدرت ایمان، یک طرف قدرت استکبار. البته قدرت استکبار با فشار نظامی و بمباران و فاجعه و جنایت پیش می‌آید، [اما] قدرت ایمان بر همه‌ی اینها به توفیق الهی غلبه پیدا خواهد کرد.</p>
<p>بیانات در دیدار مردم «کرمان» و «خوزستان» ۱۴۰۲/۱۰/۲</p>	<p>امروز وظیفه چیست؟ کمک به مقاومت. هر کسی هر جور می‌تواند باید به مقاومت کمک کند. کمک به مقاومت وظیفه است، کمک به رژیم صهیونیستی جنایت و خیانت است. بعضی از دولت‌های</p>

	<p>مسلمان متأسفانه این جنایت را مرتکب می‌شوند، [اما] بدانند که ملت‌های مسلمان این را فراموش نخواهند کرد. امروز وظیفه است که دولت‌های مسلمان نگذارند کالا و نفت و سوخت و مانند اینها به رژیم صهیونیستی برسد، هم چنان که او نمی‌گذارد آب به مردم غزه برسد؛ این وظیفه‌ی دولت‌های مسلمان است. وظیفه‌ی ملت‌های مسلمان [هم این] است که از دولت‌های خودشان بخواهند هر گونه کمکی [به رژیم صهیونیستی] را قطع کنند، بلکه رابطه‌های خود را قطع کنند؛ اگر قادر نیستند رابطه‌ی خود را به طور دائم قطع کنند، لااقل به طور موقت قطع کنند روابط خودشان را، فشار بگذارند روی این عنصر خبیث ظالم خونخوار سفاک...</p>
--	--

نقش و کارکرد دولت‌های اسلامی

دولت‌های اسلامی نقش و کارکردی فراتر از تعهدات معمول سیاسی در قبال مسئله فلسطین بر عهده دارند. اصول انسانی و دینی دولت‌ها را ملزم به اتخاذ رویکردهایی عملی برای حمایت از مردم فلسطین می‌کند. اما گاهی این وظیفه نادیده گرفته می‌شود. دولت‌های اسلامی باید در عرصه بین‌المللی برای حفاظت از حقوق ملت فلسطین تلاش کنند و از ظرفیت‌های خود برای مقابله با اشغالگری و پایان دادن به مظلومیت مردم این سرزمین بهره بگیرند. این امر شامل استفاده از دیپلماسی فعال، قطع رابطه با رژیم اسرائیل، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی و ارائه کمک‌های انسانی و اقتصادی به مردم فلسطین است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید دارند که دولت‌های اسلامی باید به مسئولیت تاریخی خود در قبال فلسطین واقف باشند و با اتحاد، از ظرفیت‌های جمعی جهان اسلام برای پیشبرد اهداف این ملت بهره ببرند. به باور ایشان، نقش دولت‌ها در ایجاد اجماع بین‌المللی و حمایت از مقاومت فلسطین بسیار حیاتی است. رهبر انقلاب همچنین بر ضرورت حمایت از آرمان‌های فلسطین در نهادهای بین‌المللی و مخالفت با هرگونه سازش غیرمنصفانه تأکید می‌کنند. این اقدامات نه تنها به فلسطین یاری می‌رساند، بلکه موجب تقویت جایگاه کشورهای اسلامی در عرصه جهانی و مقابله با نفوذ قدرت‌های بیگانه می‌شود. در جدول زیر به مصادیقی از بیانات مقام معظم رهبری درباره نقش و کارکرد دولت‌های اسلامی پیرامون مسئله فلسطین اشاره شده است.

جدول ۲: مصادیق مرتبط با مفهوم «نقش و کارکرد دولت‌های اسلامی» در بیانات مقام معظم رهبری

<p>بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۰/۷/۹</p>	<p>مهم‌ترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه‌ی بزرگ دولت‌های اسلامی است ... سند صداقت دولت‌های مسلمان در جانبداری‌شان از ملت فلسطین، قطع روابط آشکار و پنهان سیاسی و اقتصادی با آن رژیم است. دولت‌هایی که میزبان سفارتخانه‌ها یا دفاتر اقتصادی صهیونیست‌ها، نمی‌توانند مدعی دفاع از فلسطین باشند و هیچ شعار ضد صهیونیستی از سوی آنان، جدی و واقعی تلقی نخواهد شد.</p>
<p>بیانات در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۵/۱۲/۳</p>	<p>توطئه‌های پیچیده‌ی دشمن، توانسته است با بهره‌گیری از غفلت برخی دولت‌ها، جنگ‌های داخلی را بر ملت‌ها تحمیل کند... با وجود اختلافاتی که کشورهای اسلامی با یکدیگر دارند ... هم‌چنان عنوان فلسطین می‌تواند و باید، محور وحدت همه‌ی آنان باشد ... هرگز نباید از اهمیت حمایت سیاسی از مردم فلسطین غافل شد... ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه با هر سلیقه و روش، می‌توانند در یک هدف گرد هم آیند و آن فلسطین و ضرورت تلاش برای آزادی آن است.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید فطر ۱۳۹۸/۳/۱۵</p>	<p>امروز شما ملاحظه کنید یک دشمن غاصب در دل کشورهای اسلامی، در مرکز کشورهای اسلامی یعنی فلسطین، حضور فعال جنایتکارانه دارد که این ایجاب می‌کند که همه‌ی مسلمان‌ها نسبت به این قضیه حساس باشند، در مقابل این دشمن صف‌آرایی کنند، او را از جنایاتش باز بدارند.</p>
<p>پیام به ملت فلسطین در پی پیروزی مقاومت در جنگ دوازده روزه بر رژیم صهیونیستی ۱۴۰۰/۲/۳۱</p>	<p>دنیای اسلام یکسره در برابر قضیه‌ی فلسطین، مسئول و دارای تکلیف دینی است. عقل سیاسی و تجربه‌های حکمرانی هم این حکم شرعی را تأیید و بر آن تأکید می‌کند. دولت‌های مسلمان باید در پشتیبانی از ملت فلسطین صادقانه وارد میدان شوند، چه در تقویت نظامی، چه در پشتیبانی مالی که امروز بیش از گذشته مورد نیاز است، و چه در بازسازی زیرساخت‌ها و ویرانی‌ها در غزه.</p>

<p>بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۴۰۲/۸/۱۰</p>	<p>از دنیای اسلام توقع بیشتری هست. دولت‌های مسلمان باید بدانند که اگر امروز به فلسطین کمک نکنند ... فردا همین خطر، خودشان را تهدید خواهد کرد. آنچه دولت‌های اسلامی باید بر آن پافشاری کنند، قطع فوری این جنایت‌هایی است که دارند در غزه انجام می‌دهند؛ این بمباران‌ها باید فوراً قطع بشود ... در همه‌ی مجامع جهانی با صدای بلند این جنایت را، این فاجعه‌آفرینی را، بدون تردید و بدون لکنت محکوم کنند. ... صریح حرفشان را بزنند. معلوم است دارد چه ائتفاقی می‌افتد؛ بایستی رژیم صهیونیستی محکوم بشود، بایستی همه‌ی دنیای اسلام علیه رژیم صهیونیستی بسیج بشوند.</p>
--	---

نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران

ارکان نظام جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارند مسئله فلسطین را به عنوان یکی از اولویت‌های محوری سیاست داخلی و خارجی مدنظر قرار دهند. دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی باید از همه ظرفیت‌های موجود در مجامع بین‌المللی برای دفاع از حقوق مردم فلسطین بهره‌برداری کند و از طریق ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی، اشغالگری و نقض حقوق فلسطینیان را به چالش بکشد. همچنین، ضروری است ارکان نظام از طریق روشنگری و آگاهی‌بخشی در سطح داخلی و خارجی، حمایت از آرمان فلسطین را در میان ملت‌ها و دولت‌های مختلف تقویت کنند. مقام معظم رهبری تأکید دارند که حمایت از مقاومت فلسطین باید به صورت عملی و همه‌جانبه انجام گیرد. در این راستا، نهادهای اقتصادی و فرهنگی نیز باید نقش‌آفرینی کنند، از جمله از طریق حمایت از برنامه‌ها و پروژه‌هایی که به تقویت توانمندی‌های مردم فلسطین کمک می‌کنند. علاوه بر این، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی مسئولیت دارند که افکار عمومی را نسبت به ابعاد انسانی و تاریخی مسئله فلسطین آگاه کنند و مانع از تضعیف این موضوع در عرصه بین‌المللی شوند. این تلاش‌ها باید هماهنگ و منسجم باشد تا بتواند اهداف بلندمدت در زمینه آزادی قدس شریف را محقق سازد. در جدول زیر به مصادیقی از بیانات مقام معظم رهبری درباره نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران، پیرامون مسئله فلسطین اشاره شده است.

جدول ۴: مصادیق مرتبط با مفهوم «نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران» در بیانات مقام معظم رهبری

<p>بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» ۱۳۹۳/۹/۴</p>	<p>دولت جمهوری اسلامی و امام بزرگوار ما از اول، سیاست حمایت از فلسطین و دشمنی با رژیم صهیونیستی را اعلام کرد و سردست گرفت؛ تا امروز هم ادامه دارد و ۳۵ سال است که ما از این خط، منحرف نشدیم و ملت ما هم با کمال میل همراهند... ما به توفیق الهی و به فضل الهی از محدودیت اختلاف مذهبی عبور کردیم. ما نگاه کردیم به آن هدف اصلی و کمک کردیم و توانستیم مشت برادران فلسطینی مان را در غزه و در مناطق دیگر تقویت کنیم و ان شاء الله ادامه خواهیم داد.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی (هفته وحدت) ۹۳/۱۰/۱۹</p>	<p>کمکی که جمهوری اسلامی به برادران خود در دنیای اسلام تا امروز کرده است، اغلب کمکی بوده است که به برادران اهل سنت کرده است. ما در کنار فلسطینی‌ها ایستادیم، ... چون می‌دانستیم مسئله‌ی وحدت، امروز در رأس مسائل اسلامی است.</p>
<p>بیانات در دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین ۱۳۹۵/۹/۲۴</p>	<p>جمهوری اسلامی با وجود درگیر بودن در برخی قضایای منطقه، همواره و به طور صریح اعلام کرده که فلسطین، مسئله‌ی اول دنیای اسلام است و به تکالیف خود در این زمینه عمل می‌کند.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۸/۳/۱۵</p>	<p>ما در جمهوری اسلامی، هزینه‌های دفاع از فلسطین را پذیرفتیم. گفتیم از فلسطین دفاع می‌کنیم، دنیای استکبار در مقابل ما ایستاد و ضربه زد اما ما استقامت کردیم، ایستادیم، باز هم خواهیم ایستاد، و مسلم می‌دانیم که پیروزی نهایی متعلق است به ملت فلسطین.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۸/۸/۲۴</p>	<p>... موضع ما در قضیه‌ی فلسطین یک موضع اصولی است؛ یک موضع قطعی و اصولی است. از پیش از پیروزی انقلاب، از اوایل نهضت، امام بزرگوار ما به خطر نفوذ صهیونیسم و دخالت صهیونیسم و ظلم صهیونیسم تصریح کرد؛ از اول انقلاب هم ما در این موضع قرار گرفتیم. اولین کاری که جمهوری اسلامی کرد،</p>

	<p>این بود که مرکز صهیونیست‌ها در تهران را که مال رژیم قبل بود، از آنها گرفت، بیرونشان کرد، داد به فلسطینی‌ها؛ این یک کار واقعی و نیز یک کار نمادین بود و تا امروز ما در موضع خودمان قرار داریم. ما از فلسطین حمایت کردیم، به فلسطینی‌ها کمک کردیم، باز هم کمک می‌کنیم، هیچ‌گونه ملاحظه و رودربایستی هم در این قضیه نداریم.</p>
--	---

نقش و کارکرد مردم فلسطین

ملت فلسطین نقشی کلیدی و بی‌بدیل در تحقق آرمان آزادی و مقابله با اشغالگری دارد. مقام معظم رهبری بر اهمیت حفظ اتحاد و همبستگی در میان گروه‌ها و جریان‌های مختلف فلسطینی تأکید می‌کنند و معتقدند که تفرقه و اختلاف، اصلی‌ترین تهدید برای حرکت ملت فلسطین است. بر این اساس، ملت فلسطین باید با تکیه بر وحدت داخلی، از هرگونه شکاف سیاسی یا اجتماعی که می‌تواند به تضعیف مقاومت و توانایی‌های آنان منجر شود، اجتناب کنند. رهبر انقلاب همچنین بر ضرورت پایداری و مقاومت در برابر اشغالگری تأکید دارند و معتقدند که تلاش‌های ملت فلسطین باید در چارچوب برنامه‌ای جامع برای دفاع از حقوق خود و بازپس‌گیری سرزمینشان ادامه یابد. ایشان حمایت از نهادهای و تشکل‌های مردمی، استفاده از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای برای انتقال صدای مظلومیت فلسطین به جهان و تقویت ظرفیت‌های داخلی برای رویارویی با چالش‌ها را از جمله نقش و کارکرد ملت فلسطین می‌دانند. به باور رهبر انقلاب، ایستادگی مردم فلسطین و تلاش مستمر آنان، پایه و اساس هرگونه پیشرفت در حل این مسئله است. در جدول زیر به مصادیقی از بیانات مقام معظم رهبری درباره نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران، پیرامون مسئله فلسطین اشاره شده است.

جدول ۵: مصادیق مرتبط با مفهوم «نقش و کارکرد مردم فلسطین» در بیانات مقام معظم رهبری

<p>بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۰/۷/۹</p>	<p>پادزهر همه‌ی این بازی‌های خیانت‌آمیز تاکنون، روحیه‌ی مقاومت در گروه‌های اسلامی و ملت فلسطین بوده است. آنها به اذن خدا در برابر دشمن ایستادند... ایستادگی غزه با وجود محاصره‌ی کامل، نصرت الهی بود... هر طرح عملیاتی باید بر مبنای اصل «همه‌ی فلسطین برای همه‌ی مردم فلسطین» باشد... دولت‌ها و ملت‌های مسلمان، گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان و دیگر کشورها، هر</p>
---	--

	<p>یک می‌توانند نقش و سهم خود از این مجاهدت همگانی را بشناسند و باذن الله جدول مقاومت را پر کنند.</p>
<p>بیانات در دیدار شرکت کنندگان «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» ۱۳۹۳/۹/۴</p>	<p>من اعلام کردم و قطعاً این خواهد شد که کرانه‌ی باختری هم باید مثل غزه مسلح بشود و آماده‌ی دفاع باشد.</p>
<p>بیانات در ششمین کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین ۱۳۹۵/۱۲/۳</p>	<p>ملت فلسطین مفتخر است که خدای متعال بر آنان منت گذارده و رسالت عظیم دفاع از این سرزمین مقدس و مسجدالاقصی را بر دوش آنان نهاده است. این ملت، راهی جز این ندارد که با اتکال به پروردگار متعال و اتکاء به توانمندی‌های ذاتی خود، در صدد برآید تا شعله‌ی مبارزه را همچنان فروزان نگاه دارد و الحق که تاکنون چنین کرده است... مقاومت فلسطین نیز باید با عبرت‌گیری از گذشته‌ی خود به این نکته‌ی مهم توجه داشته باشد که «مقاومت» و «فلسطین»، ارزشمندتر و والاتر از آن است که در اختلافات میان کشورهای اسلامی و عربی و یا اختلافات داخلی کشورها و یا اختلافات قومی و مذهبی درگیر شود. فلسطینیان، بخصوص گروه‌های مقاومت باید قدر جایگاه ارزشمند خود را بدانند و به این اختلافات ورود نکنند. کشورهای اسلامی و عربی و همه‌ی جریانهای اسلامی و ملی، موظفند در خدمت آرمان فلسطین قرار گیرند.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی به مناسبت عید فطر ۱۳۹۸/۳/۱۵</p>	<p>ما می‌گوئیم مبارزات همه‌جانبه‌ی ملت فلسطین ... باید ادامه پیدا کند تا کسانی که غاصب فلسطین هستند، تسلیم رأی ملت فلسطین بشوند. از همه‌ی مردم فلسطین ... نظرخواهی بشود...؛ مبارزه تا این زمان باید ادامه پیدا کند و ادامه پیدا خواهد کرد، و به لطف الهی و به توفیق الهی و به حول و قوه‌ی الهی ملت فلسطین در این مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز انسانی مورد قبول همه‌ی عرفهای عاقل عالم مسلط خواهد شد و کشور فلسطین به مردم فلسطین برخواهد گشت.</p>

نقش و کارکرد نخبگان و رسانه‌ها

هر یک از اقشار جوامع اسلامی، از جمله نخبگان، رسانه‌ها، روشنفکران و عالمان دینی، نقش ویژه‌ای در حمایت از آرمان فلسطین دارند. نخبگان فکری و علمی وظیفه دارند با ارائه تحلیل‌های روشن و مستدل، ابعاد مختلف مسئله فلسطین را برای افکار عمومی تبیین کنند و با مقابله با روایت‌های تحریف‌شده، از اصالت این موضوع در گفتمان جهانی حمایت کنند. رسانه‌ها نیز مسئولیت دارند تا صدای مظلومیت مردم فلسطین را به گوش جهانیان برسانند و افکار عمومی را نسبت به ابعاد انسانی و حقوقی این مسئله آگاه کنند. عالمان دینی و روشنفکران، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و دینی، می‌توانند نقش مؤثری در ایجاد وحدت میان امت اسلامی و تشویق مردم به حمایت از حقوق ملت فلسطین ایفا کنند. همچنین، حجاج و سایر اقشار جامعه اسلامی، به‌ویژه در مراسم‌هایی که نماد همبستگی میان مسلمانان است، می‌توانند پیام مظلومیت فلسطین را منعکس کنند و آن را به عنوان دغدغه‌ای مشترک مطرح نمایند. به باور مقام معظم رهبری، تلاش‌های این اقشار در کنار اقدامات سیاسی و اقتصادی می‌تواند ظرفیت‌های امت اسلامی را برای دفاع از فلسطین و مقابله با اشغالگری تقویت کند. در جدول زیر به مصادیقی از بیانات مقام معظم رهبری درباره نقش و کارکرد نخبگان و رسانه‌ها، پیرامون مسئله فلسطین اشاره شده است.

جدول ۶: مصادیق مرتبط با مفهوم «نقش و کارکرد نخبگان و رسانه‌ها» در بیانات مقام معظم رهبری

<p>بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹</p>	<p>درستی مسیر نهضت‌های بیداری اسلامی را از جمله باید در موضعگیری آنان در قبال مسئله‌ی فلسطین جستجو کرد. ... هر جریانی در کشورهای اسلامی که این وظیفه‌ی دینی و ملی را به ملاحظه‌ی خواست تحکّم‌آمیز آمریکا یا به بهانه‌ی توجیه‌های غیرمنطقی، به دست فراموشی بسپارد، نباید انتظار داشته باشد که به چشم وفاداری به اسلام یا صداقت در ادعای میهن‌دوستی به او نگریسته شود. این یک محک است. هر کس شعار آزادی قدس شریف و نجات ملت فلسطین و سرزمین فلسطین را نپذیرد یا به حاشیه ببرد و به جبهه‌ی مقاومت پشت کند، متهم است.</p>
<p>بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۱۳۹۳/۶/۱۶</p>	<p>یکی از مسائلی که در حج باید مورد توجه قرار بگیرد، مسئله‌ی فلسطین است. مسئله‌ی فلسطین، مسئله‌ی اوّل دنیای اسلام است.</p>

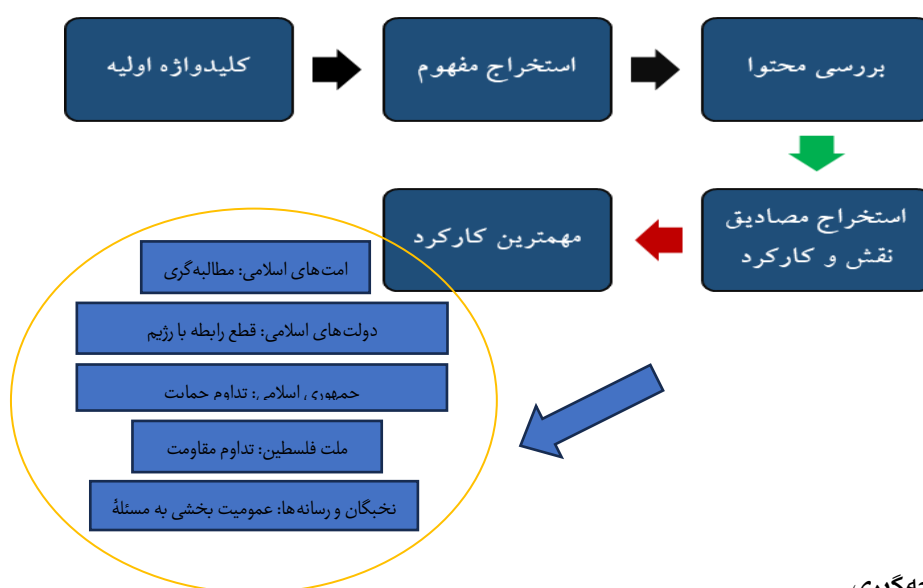
<p>بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» ۱۳۹۳/۹/۴</p>	<p>کار سومی ... اهتمام به قضیه‌ی فلسطین است. نگذارید قضیه‌ی فلسطین و قدس شریف و مسئله‌ی مسجدالاقصی به دست فراموشی سپرده بشود؛ آنها این را می‌خواهند. آنها می‌خواهند دنیای اسلام از قضیه‌ی فلسطین غفلت کند.</p>
<p>بیانات در دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین ۱۳۹۵/۹/۲۴</p>	<p>باید برای «ایجاد فضای فکری و گفتمان عمومی در جهان اسلام، درباره‌ی اولویت قضیه‌ی فلسطین» تلاش مضاعفی شود به گونه‌ای که مسئولان سازشکار برخی کشورها از عکس‌العمل ملت‌ها در هراس باشند.</p>
<p>سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس ۱۴۰۰/۲/۱۷</p>	<p>... باید هم‌افزایی کشورهای مسلمان، یک هدف عمده و اساسی باشد، و این چندان دور از دسترس به نظر نمی‌رسد. محور این هم‌افزایی، قضیه‌ی فلسطین به معنی همه‌ی کشور، و سرنوشت قدس شریف است. ... دو عامل مهم، تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی است: اول - و مهم‌تر - تداوم مقاومت در داخل سرزمین‌های فلسطین و تقویت خط جهاد و شهادت، و دوم، حمایت جهانی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان از مجاهدان فلسطینی. همه - دولت‌مردان، روشنفکران، عالمان دینی، احزاب و گروه‌ها، جوانان غیور و دیگر قشرها - باید جایگاه خود در این حرکت سراسری را ببایم و نقش ایفا کنیم. این است آن چیزی که کید دشمن را باطل می‌کند...</p>
<p>بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۴۰۲/۷/۲۵</p>	<p>در قضیه‌ی غزه، این واکنش بر دوش همه‌ی ما وجود دارد. باید واکنش نشان بدهیم. عده‌ای گرسنه‌اند، عده‌ای زیر بمباران‌اند، عده‌ای دارند صد تا صد تا به شهادت می‌رسند. عالم، چه عالم دانشگاه، چه عالم حوزه باید تلاش کند حق را بشناسد، در کنار حق بایستد. نگاه کردن بی‌تفاوت برای عالم و دانشمند جایز نیست.</p>

جمع‌بندی و مدل نهایی

یافته‌های پژوهش در قالب مصادیق و جداول فوق‌نشان می‌دهد، از منظر مقام معظم
رهبری هر یک از ارکان محور مقاومت، می‌توانند نقش‌های مختلف و بعضاً مشترکی برعهده

بگیرند، با این وجود، تفاوت‌های ماهوی ارکان، موجب شده رهبر انقلاب برای هریک از ارکان نقشی ویژه هم در نظر بگیرد که در اینجا و مدل زیر با نام مهمترین کارکرد از آن یاد شده است.

شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش



نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با ایجاد محور مقاومت، امید به آزادی فلسطین را تقویت کرد و تحولات مهمی مانند عملیات طوفان الاقصی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به وقوع پیوست. رهبر انقلاب نقش مهمی در تبیین نقش و کارکرد محور مقاومت و بسیج تلاش‌ها برای حمایت از فلسطین ایفا کرده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از تحلیل محتوا، به بررسی نقش و کارکرد ارکان محور مقاومت درباره مسئله فلسطین از نگاه رهبر انقلاب طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ پرداخته است. نقش و کارکرد به پنج بخش نقش و کارکرد امت‌های اسلامی، نقش و کارکرد دولت‌های اسلامی، نقش و کارکرد جمهوری اسلامی، نقش و کارکرد ملت فلسطین و وظایف نخبگان و رسانه‌ها تفکیک شد.

با مرور مصادیق بیانات و پیام‌های رهبر معظم انقلاب، نتیجه می‌گیریم، مسئله فلسطین از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، موضوعی انسانی و اسلامی است که به عنوان وظیفه‌ای دینی و اولویتی راهبردی برای امت اسلامی تعریف می‌شود. ایشان بر ضرورت اتحاد مسلمانان،

آگاهی بخشی به افکار عمومی و مقابله با تفرقه افکنی دشمنان تأکید دارند و حمایت از مقاومت ملت فلسطین و تقویت ظرفیت‌های داخلی آن را راهی عملی برای آزادی قدس شریف می‌دانند. مطابق یافته‌ها، مهم‌ترین انتظار مقام معظم رهبری از امت‌های اسلامی، مطالبه‌گری از دولت‌ها با محوریت فلسطین است. همچنین دولت‌های اسلامی بر اساس اصول دینی و انسانی موظف‌اند با دیپلماسی فعال، قطع روابط با رژیم اسرائیل و حمایت اقتصادی و انسانی از فلسطین، حقوق این ملت را احیا کنند. رهبر انقلاب بر ضرورت اتحاد کشورهای اسلامی برای ایجاد اجماع جهانی و تقویت مقاومت فلسطین تأکید دارند و مخالفت با سازش‌های غیرمنصفانه را ضروری می‌دانند. مطابق یافته‌ها، مهم‌ترین انتظار مقام معظم رهبری از دولت‌های اسلامی، قطع رابطه با رژیم اسرائیل است.

همچنین از نظر مقام معظم رهبری، ارکان نظام جمهوری اسلامی نیز وظیفه دارند مسئله فلسطین را در اولویت سیاست‌های داخلی و خارجی قرار داده و از ظرفیت‌های دیپلماسی و ائتلاف‌های بین‌المللی برای دفاع از حقوق فلسطینیان بهره‌برداری کنند. رهبر انقلاب بر حمایت همه‌جانبه از مقاومت فلسطین و تقویت توانمندی‌های مردم این سرزمین تأکید دارند. همچنین، نهادهای اقتصادی، فرهنگی و رسانه‌ها مسئولیت دارند با آگاهی بخشی و روشنگری، افکار عمومی را نسبت به ابعاد انسانی و تاریخی مسئله فلسطین آگاه کرده و این موضوع را در عرصه جهانی زنده نگه دارند. مطابق یافته‌ها، مهم‌ترین انتظار مقام معظم رهبری از ارکان مختلف جمهوری اسلامی، تداوم حمایت و کمک به فلسطین است. ملت فلسطین نقش کلیدی در تحقق آزادی و مقابله با اشغالگری دارد و از دیدگاه رهبر انقلاب، حفظ اتحاد و پرهیز از تفرقه برای تقویت مقاومت ضروری است. ایشان بر ضرورت پایداری، حمایت از نهادهای مردمی، استفاده از ابزارهای فرهنگی و رسانه‌ای و تقویت ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با چالش‌ها تأکید دارند. به باور ایشان، مهم‌ترین وظیفه ملت فلسطین، ایستادگی و تلاش مستمر است که پایه و اساس پیشرفت در حل مسئله اشغالگری است.

در نهایت از منظر رهبر معظم انقلاب، اقشار مختلف جوامع اسلامی، از جمله نخبگان، رسانه‌ها، عالمان دینی و روشنفکران، هر یک نقش و کارکرد منحصر به فردی در حمایت از مسئله فلسطین برعهده دارند. نخبگان با تحلیل‌های روشنگرانه، رسانه‌ها با آگاهی بخشی جهانی، و عالمان دینی و روشنفکران با ترویج وحدت اسلامی می‌توانند در تقویت گفتمان حمایت از فلسطین نقشی اساسی ایفا کنند. همچنین، مشارکت حجاج و سایر اقشار در بازتاب

مظلومیت فلسطین، ظرفیتی بزرگ برای تقویت اتحاد امت اسلامی و مقابله با اشغالگری فراهم می‌آورد. مطابق یافته‌ها، مهم‌ترین انتظار مقام معظم رهبری از نخبگان و رسانه‌ها، عمومیت بخشی به گفتمان مقاومت با تاکید بر مسئله فلسطین است. می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به افزایش سرعت تحولات فلسطین، لحن و زبان رهبرانقلاب نیز، مطابق با اوضاع منطقه کمی تغییر کرده است و نقش و کارکرد مورد انتظارشان از هریک از ارکان محور مقاومت، جلوه عمومی‌تر و عملی‌تری یافته است. این موضوع در صراحت‌شان در مطالبه منزوی کردن رژیم اسرائیل در جهان، در یک سال گذشته تبلور یافته است.

منابع

- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش، سال دوم، شماره ۳.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسین چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پوستین‌چی، زهره؛ متقی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل»، *پژوهش‌های بین‌الملل*، سال اول، شماره ۳.
- تبریزی، علیرضا (۱۳۹۳)، *روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری*، تهران: اطلاعات.
- حافظ‌نیا، محمودرضا (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، *پیام‌ها، نامه‌ها و بیانات درباره مسئله فلسطین (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳)*، (دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری)، <https://farsi.khamenei.ir>.
- خسروی، بهنام؛ پیرانی، شهره (۱۳۹۹)، «مقاومت و همه‌پرسی، شاخص‌های حل مسئله فلسطین براساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (با ارائه رویکردهای رسانه‌ای)»، *رسانه بین‌الملل*، ۵ (۲).
- رضاخواه، علیرضا (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت»، *زمان*، شماره ۳۲.
- زرقانی، سیدهادی؛ عابدی شجاع، فرزاد؛ حجتی‌پناه، نرگس؛ بخشی، فاطمه (۱۴۰۱)، «بررسی و تبیین فرهنگ و رفتار سازمانی نیروهای مسلح از منظر حضرت امام علیه‌السلام»، *مدیریت نظامی*، ۲۲ (۸۷).
- شفیعی، نوذر؛ مرادی، احمد (۱۳۸۸)، «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای

- ایران»، *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱(۱).
- صلح میرزایی، سعید (۱۳۹۰)، *فلسطین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)*، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- عسکری کرمانی، محمد؛ معین‌آبادی، حسین (۱۴۰۰)، «بررسی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شناخت ائتلاف‌ها و تهدیدها (با تأکید بر نقش ائتلاف محور مقاومت در مناسبات آن مجموعه)»، *مطالعات بیداری اسلامی*، ۱۰(۲).
- قائدی، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۷(۲۳).
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، *مطالعات انقلاب*، شماره ۲.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۲)، *بیداری اسلامی*، تهران: شرکت نشر و چاپ کتاب‌های درسی.